



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

دین مسیح زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسیؑ

از دیدگاه قرآن و حدیث

(تفسیر موضوعی المیزان)

به اهتمام: سید مهدی امین

یا نظارت: دکتر محمد بیستونی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی علیه السلام از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

مهدی امین

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث
۹	مشخصات کتاب
۹	فهرست مطالب
۱۴	تقدیم به
۱۴	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله محمد یزدی
۱۵	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله مرتضی مقتدایی
۱۵	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب‌نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس
۱۵	مقدمه ناشر
۱۷	مقدمه مؤلف
۱۸	فصل اول: زکریای نبی علیه‌السلام
۱۹	زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم
۲۲	زکریا علیه‌السلام و تولد یحیی نبی
۲۲	طرز دعای زکریا علیه‌السلام
۲۳	ارتباط کرامات مریم با دعای زکریا علیه‌السلام
۲۴	شرح دعای زکریا علیه‌السلام
۲۵	داستان زکریا در قرآن و تحلیل آن
۲۶	هم‌زمانی پیامبری زکریا و یحیی و عیسی علیه‌السلام
۲۷	تاریخ زکریا و عیسی در انجیل
۲۹	فصل دوم: حضرت یحیی علیه‌السلام (معجزه‌ای مقدمه تولد عیسی علیه‌السلام)
۲۹	خلاصه تاریخ زندگی یحیی علیه‌السلام در قرآن
۳۰	شرح زندگی و مرگ یحیی علیه‌السلام در روایات
۳۱	یحیی پیامبر و اعجاز زندگی او

- ۳۱ اعجاز تولد در غیر موقع
- ۳۲ نشانه‌ای که زکریا از خدا خواست؟
- ۳۲ دستور الهی اخذ کتاب
- ۳۲ علم یحیی در سن کودکی
- ۳۳ تقوی یحیی و صفات عالیه او
- ۳۳ سلام خدا بر یحیی علیه‌السلام
- ۳۴ جزئیات تولد یحیی در قرآن
- ۳۵ ارتباط زندگی مریم با تولد یحیی علیه‌السلام
- ۳۵ نام‌گذاری یحیی علیه‌السلام
- ۳۵ شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام
- ۳۷ فصل سوم: حضرت مریم علیها‌السلام صدیقه قانته
- ۳۷ خلاصه تاریخ زندگی مریم علیها‌السلام در قرآن
- ۳۹ شرح ولادت حضرت مریم در قرآن
- ۴۰ پدر و مادر مریم
- ۴۰ مفهوم "آزاد ساختن"
- ۴۰ چگونه انتظار تولد پسر تبدیل به دختر شد؟
- ۴۱ امتیازات مریم علیها‌السلام
- ۴۲ نام‌گذاری مریم
- ۴۲ زندگی مریم قبل از تولد عیسی علیه‌السلام
- ۴۳ زندگی مریم تحت تکفل زکریا علیه‌السلام
- ۴۴ محراب عبادت مریم، محل نزول مائده آسمانی
- ۴۴ مریم، مادر عیسی علیه‌السلام
- ۴۵ برخورد اولیه مریم با فرشته وحی و رسول پروردگار
- ۴۷ باردار شدن مریم

- ۴۷ به سخن در آمدن عیسی نوزاد
- ۴۸ مریم در مقابل تهمت مردم
- ۴۹ گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود
- ۵۰ دیدار و گفتگوی مریم با ملک
- ۵۱ وظایف و مقامات مریم علیهاالسلام
- ۵۲ مریم، و نام و ذکر او در قرآن
- ۵۳ آل عمران کیستند؟
- ۵۴ هدف سوره مریم، و سرگذشت‌های مذکور در آن
- ۵۵ اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی
- ۵۷ فصل چهارم: حضرت عیسی علیه‌السلام از تولد تا رسالت
- ۵۷ عیسی قرآن کیست؟
- ۵۸ خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه‌السلام در قرآن
- ۵۹ جزئیات تولد عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن
- ۶۱ نام و نام‌گذاری عیسی علیه‌السلام
- ۶۲ اعلام مقام و منزلت عیسی در زمان تولد
- ۶۳ تشبیه ولادت عیسی علیه‌السلام با خلقت آدم علیه‌السلام
- ۶۴ فصل پنجم: وظایف اصلی رسالت عیسی علیه‌السلام
- ۶۴ دو وظیفه اصلی رسالت عیسی
- ۶۵ عیسی مبعوث به بنی‌اسرائیل و کل مردم
- ۶۵ فصل ششم: شریعت عیسی و انجیل او
- ۶۵ شریعت عیسی از نظر قرآن
- ۶۷ قضاوت و حکم بر اساس انجیل
- ۶۷ انجیل، کتاب عیسی علیه‌السلام
- ۶۸ سه جنبه مشخص انجیل از نظر قرآن

- ۶۸ انجیل واحد از نظر قرآن
- ۶۹ قبول انجیل‌های فعلی از نظر قرآن
- ۶۹ تاریخ انجیل‌های چهارگانه
- ۷۰ انجیل مَتّی
- ۷۰ انجیل مَرْقِس
- ۷۰ انجیل لُوقا
- ۷۱ انجیل یُوخَنّا
- ۷۲ خلاصه دعوت عیسی در انجیل موجود
- ۷۴ انجیل‌های متروک و مغضوب
- ۷۴ تورات و انجیل در عصر نزول قرآن
- ۷۵ چرا تورات و انجیل اجرا نمی‌شود؟
- ۷۶ فصل هفتم: معجزات عیسی علیه‌السلام
- ۷۶ معجزات عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن
- ۷۷ سخن گفتن عیسی در گهواره
- ۷۸ انواع نعمت‌ها و معجزات اعطائی به عیسی علیه‌السلام
- ۷۹ نزول مائده آسمانی
- ۸۰ داستان نان و ماهی مسیح در انجیل یوحنا
- ۸۱ تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی
- ۸۲ چگونه حواریون درخواست خود را اصلاح کردند؟
- ۸۳ درخواست مائده، و ادب دعای عیسی علیه‌السلام
- ۸۴ خصوصیات دعای نزول مائده
- ۸۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : امین، سیدمهدی، ۱۳۱۶ - گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث / به اهتمام مهدی امین ؛ با نظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر : تهران: بیان جوان؛ مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۲۴۶ ص. . م. ۱۴/۵ × ۱۰

فروست : تفسیر موضوعی المیزان؛ [ج. ۲۴].

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۰-۶۹-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : این کتاب بر اساس کتاب "المیزان فی تفسیرالقرآن" تألیف محمدحسین طباطبایی است.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : المیزان فی تفسیرالقرآن.

موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : مسیحیت در قرآن

شناسه افزوده : بیستونی محمد، ۱۳۳۷ - شناسه افزوده : طباطبائی محمدحسین ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیرالقرآن

شناسه افزوده : شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

شناسه افزوده : تفسیر موضوعی المیزان؛ [ج. ۲۴].

رده بندی کنگره : BP۹۸/الف ۸۳ت ۲۴۷ ج ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۱۱۵۸۴

فهرست مطالب

موضوع صفحه

تأییدیه آیه‌الله محمد یزدی رئیس شورایعالی مدیریت حوزه علمیه ۵۰۰۰

تأییدیه آیه‌الله مرتضی مقتدائی مدیریت حوزه علمیه قم ۶۰۰۰

تأییدیه آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده خبرگان رهبری ۷۰۰۰

مقدمه ناشر ۸۰۰۰

مقدمه مؤلف ۱۲۰۰۰

فصل اول

زکریای نبی علیه‌السلام ۱۷۰۰۰

(۲۸۰)

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم ۱۷۰۰۰

زکریا علیه‌السلام و تولد یحیی نبی ۲۷۰۰۰

(۲۸۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

طرز دعای زکریا علیه‌السلام ۲۹۰۰۰

ارتباط کرامات مریم با دعای زکریا علیه‌السلام ۳۰۰۰۰

شرح دعای زکریا علیه‌السلام ۳۳۰۰۰

داستان زکریا در قرآن و تحلیل آن ۳۷۰۰۰

هم‌زمانی پیامبری زکریا و یحیی و عیسی علیه‌السلام ۴۱۰۰۰

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل ۴۳۰۰۰

فصل دوم

(۲۸۲)

حضرت یحیی علیه‌السلام ۵۳۰۰۰

(معجزه‌های مقدمه تولد عیسی) علیه‌السلام ۵۳۰۰۰

(۲۸۳)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

خلاصه تاریخ زندگی یحیی علیه‌السلام در قرآن ۵۳۰۰۰

شرح زندگی و مرگ یحیی علیه‌السلام در روایات ۵۵۰۰۰

یحیی پیامبر و اعجاز زندگی او ۵۸۰۰۰

اعجاز تولد در غیر موقع ۵۹۰۰۰

نشانه‌ای که زکریا از خدا خواست ۶۰۴۰۰۰

دستور الهی اخذ کتاب ۶۲۰۰۰

علم یحیی در سن کودکی ۶۳۰۰۰

(۲۸۴)

تقوی یحیی و صفات عالیه او ۶۴۰۰۰

(۲۸۵)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

سلام خدا بر یحیی علیه‌السلام ۶۵۰۰۰

جزئیات تولد یحیی در قرآن ۶۷۰۰۰

ارتباط زندگی مریم با تولد یحیی علیه‌السلام ۷۰۰۰۰

نام‌گذاری یحیی علیه‌السلام ۷۱ ●●●

شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام ۷۱ ●●●

فصل سوم

حضرت مریم علیهما‌السلام ۷۹ ●●●

(۲۸۶)

صدیقه قانته ۷۹●●●

(۲۸۷)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

خلاصه تاریخ زندگی مریم علیهما‌السلام در قرآن ۷۹●●●

شرح ولادت حضرت مریم در قرآن ۸۵●●●

پدر و مادر مریم ۸۶●●●

مفهوم "آزاد ساختن" ۸۷●●●

چگونه انتظار تولد پسر تبدیل به دختر شد ۸۹●●●

امتیازات مریم علیهما‌السلام ۹۱ ●●●

نام‌گذاری مریم ۹۳●●●

(۲۸۸)

زندگی مریم قبل از تولد عیسی علیه‌السلام ۹۶ ●●●

(۲۸۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

زندگی مریم تحت تکفل زکریا علیه‌السلام ۹۸ ●●●

محراب عبادت مریم، محل نزول مائده آسمانی ۹۹●●●

مریم، مادر عیسی علیه‌السلام ۱۰۱ ●●●

برخورد اولیه مریم با فرشته وحی و رسول پروردگار ۱۰۵●●●

باردار شدن مریم ۱۰۸●●●

به سخن در آمدن عیسی نوزاد ۱۰۹●●●

مریم در مقابل تهمت مردم ۱۱۲●●●

(۲۹۰)

گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود ۱۱۴●●●

(۲۹۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

دیدار و گفتگوی مریم با ملک ۱۱۸۰۰۰

وظایف و مقامات مریم علیها السلام ۱۲۰۰۰۰

مریم، و نام و ذکر او در قرآن ۱۲۴۰۰۰۰

آل عمران کیستند ۱۲۸۹۰۰۰

هدف سوره مریم، و سرگذشت‌های مذکور در آن ۱۳۰۰۰۰۰

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی ۱۳۳۰۰۰۰

فصل چهارم

(۲۹۲)

حضرت عیسی علیه السلام ۱۴۱۰۰۰۰

(۲۹۳)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

از تولد تا رسالت ۱۴۱۰۰۰۰

عیسی قرآن کیست ۱۴۱۹۰۰۰۰

خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه السلام در قرآن ۱۴۳۰۰۰۰۰

جزئیات تولد عیسی علیه السلام به نقل قرآن ۱۴۸۰۰۰۰۰

نام، نام گذاری عیسی علیه السلام ۱۵۲۰۰۰۰

اعلام مقام و منزلت عیسی در زمان تولد ۱۵۷۰۰۰۰۰

تشبیه ولادت عیسی علیه السلام با خلقت آدم علیه السلام ۱۶۰۰۰۰۰۰

(۲۹۴)

(۲۹۵)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فصل پنجم

وظایف اصلی رسالت عیسی علیه السلام ۱۶۳۰۰۰۰۰

دو وظیفه اصلی رسالت عیسی ۱۶۳۰۰۰۰۰

عیسی مبعوث به بنی اسرائیل و کل مردم ۱۶۶۰۰۰۰۰

فصل ششم

شریعت عیسی و انجیل او ۱۷۰۰۰۰۰۰

شریعت عیسی از نظر قرآن ۱۷۰۰۰۰۰۰

(۲۹۶)

قضاوت و حکم بر اساس انجیل ۱۷۳۰۰۰۰۰

(۲۹۷)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

انجیل، کتاب عیسی علیه‌السلام ●●● ۱۷۶

سه جنبه مشخص انجیل از نظر قرآن ●●● ۱۷۷

انجیل واحد از نظر قرآن ●●● ۱۷۸

قبول انجیل‌های فعلی از نظر قرآن ●●● ۱۸۰

تاریخ انجیل‌های چهارگانه ●●● ۱۸۱

انجیل متی ●●● ۱۸۲

انجیل مرقس ●●● ۱۸۳

(۲۹۸)

انجیل لوقا ●●● ۱۸۴

(۲۹۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

انجیل یوحنا ●●● ۱۸۷

خلاصه دعوت عیسی در انجیل موجود ●●● ۱۹۰

انجیل‌های متروک و مغضوب ●●● ۱۹۵

تورات و انجیل در عصر نزول قرآن ●●● ۱۹۶

چرا تورات و انجیل اجرا نمی‌شود ●●● ۱۹۹

فصل هفتم

معجزات عیسی علیه‌السلام ●●● ۲۰۳

(۳۰۰)

معجزات عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن ●●● ۲۰۳

(۳۰۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

سخن گفتن عیسی در گهواره ●●● ۲۰۶

انواع نعمت‌ها و معجزات اعطائی به عیسی علیه‌السلام ●●● ۲۰۸

نزول مائده آسمانی ●●● ۲۱۲

داستان نان و ماهی مسیح در انجیل یوحنا ●●● ۲۱۴

تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی ●●● ۲۱۷

چگونه حواریون درخواست خود را اصلاح کردند ●●● ۲۲۲

درخواست مائده، و ادب دعای عیسی علیه‌السلام ●●● ۲۲۴

(۳۰۲)

خصوصیات دعای نزول مائده ۲۲۸۰۰۰

تقدیم به

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ
 رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا
 وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ
 الْمُصْطَفَى وَ بِهِجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَتِي
 شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ التَّشَعُّعِ
 الْمُعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لِأَسِيْمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،
 الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدَّمْنَا
 (۴)

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جُنْنَا بِيضَاعِهِ
 مُزْجَاهُ مِنْ وَ لَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ
 فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ
 إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

متن تأییدیه حضرت آیه‌الله محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و رییس شورای عالی مدیریت حوزه علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم این بزرگ‌ترین هدیه آسمانی و عالی‌ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت فر فرستاده است؛ همواره انسان‌ها را دستگیری و راهنمایی نموده و می‌نماید. این انسان‌ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و رحمت

(۵)

ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می‌گیرند. ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خواندن، اندیشیدن، فهمیدن، شناختن اهداف آن شکل می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دستورالعمل‌های آن، سطوح مختلف دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هر کدام به نوبه خود ارزشمند است. کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل جوان با قرآن انجام داده‌اند؛ همگی قابل تقدیر و تشکر و احترام است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند.

توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری ۱/۲/۱۳۸۸

(۶)

متن تأییدیه حضرت آیه‌الله مرتضی مقتدایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توفیق نصیب گردید از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بازدید داشته باشم و مواجه شدم با یک باغستان گسترده پرگل و متنوع که به‌طور یقین از معجزات قرآن است که این ابتکارات و روش‌های نو و جالب را به ذهن یک نفر که باید مورد عنایت ویژه قرار گرفته باشد القاء نماید تا بتواند در سطح گسترده کودکان و جوانان و نوجوانان و غیرهم را با قرآن مجید مأنوس به‌طوری که مفاهیم بلند و باارزش قرآن در وجود آنها نقش بسته و روش آنها را الهی و قرآنی نماید و آن برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمد بیستونی است که این توفیق نصیب ایشان گردیده و ذخیره عظیم و باقیات الصالحات جاری برای آخرت ایشان هست. به امید این که همه اقدامات با خلوص قرین و مورد توجه

(۷)

ویژه حضرت بقیت‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه باشد.

مرتضی مقتدایی

به تاریخ یوم شنبه پنجم ماه مبارک رمضان المبارک ۱۴۲۷

(۸)

متن تأییدیه حضرت آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب‌نمینا‌ینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (۸۹ / نحل)

تفسیر المیزان گنجینه گرانبھائی است که به مقتضای این کریمه قرآنی حاوی جمیع موضوعات و عناوین مطرح در زندگی انسان‌ها می‌باشد. تنظیم موضوعی این مجموعه نفیس اولاً موجب آن است که هر کس عنوان و موضوع مدنظر خویش را به سادگی پیدا کند و ثانیاً زمینه مناسبی در راستای تحقیقات موضوعی برای پژوهشگران و اندیشمندان جوان حوزه و دانشگاه خواهد بود.

این توفیق نیز در ادامه برنامه‌های مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در تنظیم و نشر آثار

(۹)

قرآنی مفیس‌ترین بزرگ و نامی در طول تاریخ اسلام، نصیب برادر ارزشمندم جناب آقای دکتر محمد بیستونی و گروهی از همکاران قرآن‌پژوه ایشان گردیده است. امیدوارم همچنان از توفیقات و تأییدات الهی برخوردار باشند.

سیدعلی اصغر دستغیب

۲۸/۹/۸۶

مقدمه ناشر

براساس پژوهشی که در مؤسسه قرآنی تفسیر جوان انجام شده، از صدر اسلام تاکنون حدود ۱۰/۰۰۰ نوع تفسیر قرآن کریم منتشر گردیده است که بیش از ۹۰٪ آنها به دلیل پرحجم بودن صفحات، عدم اعرابگذاری کامل آیات و روایات و کلمات عربی، نثر و

نگارش تخصصی و پیچیده، قطع بزرگ کتاب و... صرفاً برای «متخصصین و علاقمندان حرفه‌ای»

(۱۰)

کاربرد داشته و افراد عادی جامعه به ویژه «جوانان عزیز» آنچنان که شایسته است نمی‌توانند از این قبیل تفاسیر به راحتی استفاده کنند.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان ۱۵ سال برای ساده‌سازی و ارائه تفسیر موضوعی و کاربردی در کنار تفسیر ترتیبی تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز نموده است که چاپ و انتشار تفسیر جوان (خلاصه ۳۰ جلدی تفسیر نمونه، قطع جیبی) و تفسیر نوجوان (۳۰ جلدی، قطع جیبی کوچک) و بیش از یکصد تفسیر موضوعی دیگر نظیر باستان‌شناسی قرآن کریم، رنگ‌شناسی، شیطان‌شناسی، هنرهای دستی، ملکه گمشده و شیطانی همراه، موسیقی، تفاسیر گرافیکی و... بخشی از خروجی‌های منتشر شده در همین راستا می‌باشد.

کتابی که ما و شما اکنون در محضر نورانی آن هستیم حاصل تلاش ۳۰ ساله «استادارجمند جناب آقای سیدمهدی امین» می‌باشد. ایشان تمامی مجلدات تفسیرالمیزان را به

مقدمه ناشر (۱۱)

دقت مطالعه کرده و پس از فیش برداری، مطالب را «بدون هیچ گونه دخل و تصرف در متن تفسیر» در هفتاد عنوان موضوعی تفکیک و برای نخستین بار «مجموعه ۷۰ جلدی تفسیر موضوعی المیزان» را تدوین نموده که هم به صورت تک موضوعی و هم به شکل دوره‌ای برای جوانان عزیز قابل استفاده کاربردی است.

«تفسیر المیزان» به گفته شهید آیه‌الله مطهری (ره) «بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است». «المیزان» یکی از بزرگ‌ترین آثار علمی علامه طباطبائی (ره)، و از مهم‌ترین تفاسیر جهان اسلام و به حق در نوع خود کم‌نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه است. پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ) و مجمع‌البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ هـ) بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی و از نظر قوت علمی و مطلوبیت روش تفسیری، بی‌نظیر است. ویژگی مهم این تفسیر به کارگیری تفسیر قرآن به

(۱۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

قرآن و روش عقلی و استدلالی است. این روش در کار مفسّر تنها در کنار هم گذاشتن آیات برای درک معنای واژه خلاصه نمی‌شود، بلکه موضوعات مشابه و مشترک در سوره‌های مختلف را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، تحلیل و مقایسه می‌کند و برای درک پیام آیه به شیوه تدبّری و اجتهادی توسل می‌جوید.

یکی از ابعاد چشمگیر المیزان، جامعه‌گرایی تفسیر است. بی‌گمان این خصیصه از اندیشه و گرایش‌های اجتماعی علامه طباطبائی (ره) برخاسته است و لذا به مباحثی چون حکومت، آزادی، عدالت اجتماعی، نظم اجتماعی، مشکلات امت اسلامی، علل عقب ماندگی مسلمانان، حقوق زن و پاسخ به شبهات مارکسیسم و ده‌ها موضوع روز، روی آورده و به‌طور عمیق مورد بحث و بررسی قرار داده است.

شیوه مرحوم علامه به این شرح است که در آغاز، چند آیه از یک سوره را می‌آورد و آیه، آیه،

مقدمه ناشر (۱۳)

نکات لغوی و بیانی آن را شرح می‌دهد و پس از آن، تحت عنوان بیان آیات که شامل مباحث موضوعی است به تشریح آن می‌پردازد.

ولی متأسفانه قدر و ارزش این تفسیر در میان نسل جوان ناشناخته مانده است و بنده در جلسات فراوانی که با دانشجویان یا دانش‌آموزان داشته‌ام همواره نیاز فراوان آنها را به این تفسیر دریافته‌ام و به همین دلیل نسبت به همکاری با جناب آقای

سید مهدی امین اقدام نموده‌ام.

امیدوارم این قبیل تلاش‌های قرآنی ما و شما برای روزی ذخیره شود که به جز اعمال و نیات خالصانه، هیچ چیز دیگری کارساز نخواهد بود.

دکتر محمد بیستونی

(۱۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران - تابستان ۱۳۸۸

مقدمه ناشر (۱۵)

مقدمه مؤلف

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

این قرآنی است کریم

در کتابی مکنون

که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد!

(۷۷ - ۷۹ / واقعه)

این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یافرهنگ معارف قرآن است که از «تفسیر المیزان» انتخاب و تلخیص، و بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده است.

(۱۶)

در تقسیم‌بندی به عمل آمده از موضوعات قرآن کریم قریب ۷۰ عنوان مستقل به دست آمد. هر یک از این موضوعات اصلی، عنوان مستقلی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی، طبقه‌بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد. در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار عنوان یا سرفصل بالغ گردید.

از لحاظ زمانی: کار انتخاب مطالب و فیش‌برداری و تلخیص و نگارش، از

مقدمه مؤلف (۱۷)

اواخر سال ۱۳۵۷ شروع و حدود ۳۰ سال دوام داشته، و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدر سال ۱۳۸۵ پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است.

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه‌بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصاً محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه فقید آیه الله طباطبایی دریافت کنند، و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند.

سال‌های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می‌آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و

شرایع دین مان قرار می‌گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید

(۱۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

جواب می‌دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبایی، قدس‌الله سرّه الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می‌توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتماد فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدهیم. اما آنچه مشکل می‌نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود. لذا این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه‌بندی و خلاصه شود و در قالب یک دائرةالمعارف در دسترس همه دین‌دوستان قرار گیرد. این همان انگیزه‌ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید. بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

مقدمه مؤلف (۱۹)

اصول این مطالب با توضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می‌تواند برای پی‌گیری آن‌ها به خود المیزان مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است.

ذکر این نکته لازم است که چون ترجمه تفسیر المیزان به صورت دو مجموعه ۲۰ جلدی و ۴۰ جلدی منتشر شده بهتر است در صورت نیاز به مراجعه به ترجمه المیزان، بر اساس ترتیب عددی آیات قرآن به سراغ جلد مورد نظر خود، صرف نظر از تعداد مجلدات بروید. و مقدر بود که کار نشر چنین مجموعه آسمانی در مؤسسه‌ای انجام گیرد که با هدف نشر معارف قرآن شریف، به صورت تفسیر، مختص نسل جوان،

(۲۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

تأسیس شده باشد، و استاد مسلم، جناب آقای دکتر محمد بیستونی، اصلاح و تنقیح و نظارت همه‌جانبه بر این مجموعه قرآنی شریف را به عهده گیرد.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان با ابتکار و سلیقه نوین، و به منظور تسهیل در رساندن پیام آسمانی قرآن مجید به نسل جوان، مطالب قرآنی را به صورت کتاب‌هایی در قطع جیبی منتشر می‌کند. این ابتکار در نشر همین مجلدات نیز به کار رفته، تا مطالعه آن در هر شرایط زمانی و مکانی، برای جوانان مشتاق فرهنگ الهی قرآن شریف، ساده و آسان گردد...

و ما همه بندگان هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست، و آنچه انجام شده و می‌شود، همه از جانب اوست! و صلوات خدا بر محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این

مقدمه مؤلف (۲۱)

وظیفه الهی بودند، و بر علامه فقید آیه‌الله طباطبایی و اجداد او، و بر همه وظیفه‌داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد، که مسلمان شایسته‌ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت اسلام واقعی پرورش دادند!

لیله قدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی حبیبی امین

(۲۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

فصل اول: زکریای نبی علیه‌السلام

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم

«هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ...» (۳۸ تا ۴۱ / آل عمران)

از زندگی زکریای پیامبر غیر از مورد کفالت مریم علیها‌السلام و تولد یحیی علیه‌السلام ذکری در قرآن مجید نرفته است. اما تکرار بندهای مختلف شرح زندگی این پیامبر عظیم الشان (۲۳)

در سوره‌های مختلف با نشان دادن وضعیت تولد یحیی، در برگیرنده بسیاری از نکات مهم تاریخ حیات آن بزرگوار، و در عین حال نشان‌گر زمینه سازی خدای متعال برای به دنیا آوردن پیامبری اولوالعزم چون عیسی از مادری باکره و کرامت‌ها و اعجاز مشهور آن حضرت بوده است.

قسمتی عمده از شرح زندگی این پیامبر الهی مربوط می‌شود به زمانی که کفالت مریم را به عهده داشت. و این تکفل بر اساس قرعه کشی بین کسانی اتفاق افتاده بود که بر سر کفالت "مریم دختر عمران" با هم مخاصمه می‌کردند. چنان که از روایات اسلامی برمی‌آید، عمران پدر مریم نیز از پیامبرانی بوده که بر قوم خود مبعوث شده بود.

مرحله حساس زندگی این پیامبر بزرگوار از آنجائی شروع می‌شود که برای

(۲۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سرکشی به مریم به محراب کلیسا رفت نزد مریم رزق شگفت‌انگیزی مشاهده کرد، موقعی که از مریم پرسید این روزی از کجاست؟ پاسخ شنید:

- از نزد خدای متعال و روزی رسان!

در این جا بود که زکریا از خدا فرزندی برای خود خواست و خداوند سبحان نیز دعای او را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید.

مطالب مربوط به تولد یحیی علیه‌السلام را در قسمت‌های دیگر مطالعه خواهید فرمود، این جا آن قسمت از این سرگذشت را به نقل از قرآن شریف پی‌گیری می‌کنیم که بیشتر نمایش‌گر شرح حال زکریا علیه‌السلام می‌باشد:

«زکریا، در آن هنگام که کرامت مریم را مشاهده کرد، گفت:

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۲۵)

- پروردگارا!

مرا به لطف خویش فرزندی پاک سرشت ذریه‌ای طیبه عطا فرما!

همانا، توئی مستجاب کننده دعا!

پس زکریا را هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود،

ملائکه ندا دادند:

- همانا خداوند تو را به ولادت یحیی بشارت می‌دهد،

در حالی که او نبوت عیسی "کلمه خدا" را تصدیق کند،

و خود هم پیشوای مردم و پارسا و پیغمبری از شایستگان باشد!

زکریا عرض کرد:

- پروردگارا!

(۲۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

چگونه مرا پسری تواند باشد،

در حالتی که مرا سن پیری فرا رسیده و عیالم نیز عجزوی نازاست؟

گفت:

- چنین است کار خدا، هر چه بخواهد می‌کند!

عرض کرد:

- پروردگارا! مرا نشانه‌ای مرحمت فرما!

گفت:

- نشانه تو آن است که تاسه روز با کسی سخن گفتن نتوانی و جز بارمزچیزی نگوئی، پیوسته به یاد خدا باش،

و او را در صبح گاه و شام گاهان تسبیح گوی!

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۲۷)

سؤال زکریا از خدا در این آیات سؤال تعجب است، برای فهمیدن حقیقت مطلب، نه این که سؤال استبعاد باشد، زیرا از طرفی

تصریح به بشارت او - و این که خدا دعایش را اجابت فرموده و به زودی فرزندی به او عطا می‌شود - و از طرف دیگر خود

این جهات که منشأ تعجب و پرسش اوست در ضمن دعا و درخواستش بوده است.

قسمتی از این صحنه را در سوره مریم چنین می‌خوانیم:

«خدایا! من استخوانم سست شده،

سرم از پیری سفید گردیده،

و در دعا و خواندن خدایا تیره‌بخت نبوده‌ام،

من بعد از خویش از وارثان می‌ترسم،

و زخم نازاست،

(۲۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

مرا از نزد خویش فرزندی ببخشای!

به نظر می‌رسد که جهت ذکر نمودن پیری خود و نازا بودن عیالش در این مقام روی جریان دیگری می‌باشد.

توضیح این که: زکریا چون کرامت الهی را در حق مریم مشاهده کرد، و متذکر انقطاع نسل خود هم گردید، حالش منقلب شد

و بدون درنگ از خدای متعال درخواست چنان ذریه‌ای کرد.

از طرف دیگر هم در دعا و خواستش چیزهایی را که بیشتر موجب تأثرش می‌شد، یعنی رسیدنش به سن پیری و نازا بودن عیالش را

از باب غمگین بودنش ذکر کرد. چون خدای متعال دعای او را مستجاب نمود و به او بشارت فرزند را داد، گوئی از آن حال

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۲۹)

انقلاب به خویش آمد و از آن بشارت - با در نظر گرفتن پیری خود و نازائی عیالش - اظهار تعجب نمود، چون چیزی که در سابق

وسیله یأس و حزن او شده بود اکنون وسیله تعجب توأم با مسرت برایش می‌شود!

علاوه بر این می‌توان گفت: این که پس از بشارت، جهات نقص مطلب را متذکر می‌شود، و کیفیت رفع آن موانع را

یک یک استعلام می‌کند برای لذتی است که از فهمیدن خصوصیات افاضه آن نعمت می‌برد. آری! هنگامی که

"سید" به بنده خود اقبال کرد، و بنده از آن اقبال قرب و انس مولی را درک نمود، چهره‌اش باز می‌شود و یک نحو خوشحالی او را فرا می‌گیرد که مایل است از هر حدیثی لذتی ببرد، و از هر بابی تمتعی بگیرد!

جمله «وَقَدْ بَلَّغَنِي الْكِبَرُ» (۴۰ / آل عمران) کنایه از نداشتن شهوت نکاح به واسطه (۳۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

شیخوخت و پیری است. از این جمله مراعات ادب شده و زکریا علیه‌السلام نداشتن شهوت نکاح در خودش را در حضور الهی در لباس کنایه عرضه داشته است.

آنچه از ظاهر آیه «وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا» (۵ / مریم) فهمیده می‌شود، آن است که در عیالش پیری و نازائی هر دو بوده است، زیرا اگر تنها نازائی بود نه پیری، باید می‌گفت: زخم نازاست، و نمی‌گفت: زخم نازای بود.

«قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ!» (۴۰ / آل عمران)

پاسخش داده شد، که -چنین است کار خدا، هر چه بخواهد می‌کند!

از ظاهر آیه استفاده می‌شود که این مطلب به واسطه "ملک" گفته شده است. زکریا صوت گوینده را از همان جا شنید که بار اول شنیده بود.

گوینده تصریح کرد آن‌چه به تو بشارت دادم از موهبت‌هایی است

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۳۱)

که حتماً واقع می‌شود. در آن اشاره شده که موضوع مورد نظر از قضایای محتوم است که بدون شک واقع خواهد شد.

«زکریا عرض کرد:

- خدایا، برای من آیت و نشانه‌ای مرحمت فرما! فرمود:

- نشانه تو آن است که تا سه روز با کسی سخن گفتن نتوانی الا به رمز و اشاره...!»

پیش آمدن این آیه و نشانه، یعنی قدرت نداشتن زکریا به سخن گفتن تا سه روز، از وجوه تشابهی است که ولادت یحیی با عیسی دارد، زیرا در داستان عیسی هم ذکر شده که عیسی به مادرش گفت:

«اگر از جنس بشر کسی را دیدی بگو من برای خدا نذر سکوت کرده‌ام،

و با کسی امروز تکلم نمی‌کنم!»

(۳۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا در ابتداء اطمینان پیدا کرد که نداء بشارت یک نداء رحمانی است، سپس کیفیت ولادت بچه را با همان جریان تعجب‌آمیز سؤال نمود و به او هم جوابی اطمینان بخش دادند. در مرتبه آخر آیه و علامتی خواست تا از مرتبه اطمینان به "یقین" برسد و به رحمانی بودن "نداء" قطع حاصل نماید.

در سوره مریم کیفیت این نداء روشن‌تر بیان گردیده است، آن جا که می‌فرماید:

«إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا - آن دم که زکریا خدایش را ندا داد، ندای پنهانی!» (۳ / مریم) در این جا بر تکلم زکریا "نداء" اطلاق شده، به عنایت آن فروتنی و خواری که زکریا در پیشگاه عظمت و جلال حضرتش به خود گرفته و سپس ندایش به خفا و پنهانی توصیف شده است، و از آن فهمیده می‌شود که زکریا "ملکی" را که واسطه بشارت بوده، ندیده است، بلکه تنها صوتی را شنیده که هاتفی به آن سخن می‌گوید،

زکریا علیه‌السلام و کفالت مریم (۳۳)

لذا درخواست آیه و علامت را نمود. (۱)

زکریا علیه السلام و تولد یحیی نبی

«ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا...» (۲ / مریم)

سوره مریم در قرآن مجید با ذکر رحمت پروردگار بر بنده خود زکریا آغاز می‌گردد، و قسمتی از تاریخ زندگی این پیامبر خدا را زمانی که درخواست فرزند از خدا

۱- المیزان، ج ۵، ص ۳۱۴.

(۳۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی می‌کرد، بیان می‌کند، و آن‌گاه به شرح تولد یحیی می‌پردازد: «...آن دم که پروردگارش را ندا داد، ندائی نهانی، گفت: پروردگارا!

من از پیری استخوانم سست و سرم سفید شده است، و در خواندن توای پروردگار بی بهره نبوده‌ام، من از بعد خویش از وارثانم بیم دارم، و زخم نازاست،

مرا از نزد خود فرزندی عطا کن!

تا از من و از خاندان یعقوب ارث برد،

زکریا علیه السلام و تولد یحیی نبی (۳۵)

و او را، پروردگارا، پسندیده گردان!

زکریا سابقه استجابت دعاهای خود را پیش می‌کشد و می‌گوید:

- پروردگارا، من هیچ وقت در دعای خود از ناحیه تو محروم و خائب نبوده‌ام، مرا به اجابت کردنت عادت داده‌ای، هر وقت تو را می‌خواندم قبول می‌نمودی، بدون این که مرا شقی و محروم سازی!

حضرت زکریا می‌ترسیده از این که از دنیا برود و نسلی که از او ارث ببرند نداشته باشد. همسر او علاوه بر این که تا آن روز که این دعا را می‌کرده، فرزندی نیاورده بود، و از سن فرزنددار شدن نیز گذشته بود.

مجموع زمینه چینی‌هایی که آن جناب برای دعای خود کرد، به دو فصل تقسیم شود:

(۳۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

اول، این که خدای عزوجل او را در طول زندگانی اش و تا امروزی که پیری سال‌خورده شده، به استجابت دعا عادت داده است. و این سر در آیه زیبا و به یاد ماندنی «وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ شَاقِيًا» (۴ / مریم) نهفته است. در این آیه چنان بلاغتی است که ممکن نیست با هیچ مقیاسی اندازه‌گیری کرد!

دوم، این که او از ورثه بعد از مرگش می‌ترسد، چون همسرش عاقر و نازاست!

طرز دعای زکریا علیه السلام

زکریا علیه السلام چنین دعا کرد:

«فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا...!»

طرز دعای زکریا علیه‌السلام (۳۷)

«مرا از نزد خود فرزندی عطا کن! تا از من و از آل یعقوب ارث ببرد!» (۵ / مریم)

این همان دعائی است که برای ادای آن زمینه چینی کرد، و در آن موهبت الهیه‌ای را که درخواست کرد، مقید به قید «مِنْ لَدُنْكَ - از جانب خودت» کرد، چون از اسباب عادی مأیوس شده بود. او استعداد فرزنددار شدن را به خاطر پیری از دست داده بود و همسرش نیز استعداد باردار شدن را نداشت، زیرا از جوانی عاقر بود چه رسد به امروز که پیر و سال‌خورده است. او اگر از خدا ولّیّی درخواست کرد بدین جهت بود که ولّی هر کس عبارت است از آن شخصی که متولی و عهده دار کار او باشد.

(۳۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

ارتباط کرامات مریم با دعای زکریا علیه‌السلام

خدای عزوجل در سوره آل عمران در ارتباط مریم با زکریا، که شوهر خواهر مریم بود، و سرپرستی مریم را نیز به عهده داشت، اشاره به مطالبی می‌فرماید که مبنای این دعای زکریاست:

«پروردگارش دختر او را قبول کرد، (اشاره به مریم دختر عمران است)، و او را به طرز نیکوئی نمود،

و زکریا سرپرست او شد،

هر وقت زکریا بر او در محرابش وارد می‌شد،

نزد او رزقی (خوردنی) می‌یافت، و می‌پرسید:

ارتباط کرامات مریم با دعای زکریا علیه‌السلام (۳۹)

- ای مریم، این از کجا برایت فراهم شده است؟

مریم می‌گفت:

- از نزد خداست،

خدا هر که را بخواهد بی‌حساب رزق می‌بخشد!

این جا بود که (امید زکریا به لطف خدا به جوشش در آمد،)

و پروردگار خود را ندا کرد:

- ای پروردگار من! مرا از نزد خودت ذریه پاکی عطا فرما!

که تو شنوای دعائی!»

کسی که در این دو آیه دقت کند جای شکی برایش باقی نمی‌ماند که تنها چیزی که

(۴۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا را به سوی دعایش تشویق کرد و آن دعای مشهور را نمود، همان کرامتی بود که از طرف خدا نسبت به مریم مشاهده کرد، و

عبودیت و خلوصی بود که مریم نسبت به خدایش داشت!

زکریا از مشاهده این وضع لذت برد، و دوست داشت که ای کاش او هم فرزندی این چنین و دارای قرب و کرامتی

این چنین می‌داشت، ولیکن از سوی دیگر متوجه سال‌خوردگی و ناتوانی خود و پیری و نازائی همسرش، و وارثش

که هیچ یک حال و وضع چون مریم را ندارند، افتاده و دچار وجد و عشقی سوزان گردید، و ناگهان جرقه‌ای در دلش شعله

زد و به یاد این معنایش انداخت که خدای تعالی تا آن روز از زندگی‌اش وی را عادت داده بود به استجاب دعا و کفایت همه مهمات، لذا دست به دعا بلند کرد و با دلی سرشار از امید ذریه‌ای طیب ارتباط کرامات مریم با دعای زکریا علیه‌السلام (۴۱) درخواست کرد! (۱)

شرح دعای زکریا علیه‌السلام

«قرآن مشتمل است بر داستان رحمتی که پروردگارت به عبد خود زکریا نمود، موقعی که پروردگار خود را به طور خفی ندا کرد و گفت:

- پروردگارا!

ضعف تا مغز استخوانم را سست کرده،

و سفیدی موی همه سرم را فرا گرفته،

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۱۲.

(۴۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

و تاکنون سابقه ندارد که در دعاها و درخواست‌هایم از درگاه تو نومید و تهی دست برگشته باشم،

من به درستی که از بنی اعمام خود و سایر وراث دور می‌ترسم،

همسرم هم زنی نازاست،

پس از درگاه رحمت خود فرزندی ارزانیم بدار،

تا وارث من باشد،

و از من و از آل یعقوب ارث برد،

و او را ای پروردگار مرضی و فرمانبر خود قرار ده!» (۶ / مریم)

تنها چیزی که آن جناب را وادار و ترغیب کرد تا چنین دعائی بکند و از

شرح دعای زکریا علیه‌السلام (۴۳)

پروردگار خود فرزندی بخواهد مشاهده وضع مریم دختر عمران و زهد و عبادت او بود، و هم‌چنین ادب عبودیت و رزق غیبی

آسمانی بود که خداوند سبحان به مریم کرامت کرده بود. «زکریا مریم را تحت تکفل گرفت، و هر وقت که بر

محراب او وارد می‌شد نزد او رزقی می‌یافت، می‌پرسید:

- ای مریم این غذا از کجا به تو رسیده است؟ می‌گفت:

- این از ناحیه خداست،

زیرا خداوند به هر که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد!

این جا بود که زکریا پروردگار خود را خوانده و گفت:

- پروردگارا! از ناحیه خود ذریه طیبه‌ای ارزانیم دار،

(۴۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

تو شنوای دعائی!» (۳۸ / آل عمران)

وقتی زکریا مژده استجاب دعایش را شنید از خود بی‌خود شد و از غرابت درخواستی که کرده بود و جوابی که شنیده بود

به حیرت فرو رفت تا حدی که به صورت استبعاد از این استجابت پرسش نمود و برای اطمینان خاطر درخواست نشانه و دلیلی بر آن نمود که آن هم به استجابت رسید.

ادبی که آن جناب در دعای خود به کار برده همان بیان حالی است که از اندوه درونی‌اش و حزنی که عنان را از کفش ربوده بود، کرده است. برای این که خود را در موقفی قرار دهد که هر بیننده دل‌سوزی بر او رقت کند مقدم بر دعا این جهت را ذکر کرد که حالش در راه عبادت به کجا انجامیده است، و چه‌طور تمامی عمر خود را در سلوک

شرح دعای زکریا علیه‌السلام (۴۵)

طریقه انابه و مسئلت سپری کرده است، آن‌گاه درخواست فرزند نمود، و آن را به این که پروردگارش شنوای دعاست موجه کرد!

غرضش از این مقدمه دعا این بود، نه این که خواسته باشد با عبادت‌های سالیان دراز خود بر خدا منت گذارد - حاشا از مقام نبوت او - لذا عرض کرد:

- پروردگارا تو شنوای دعای بندگانت هستی،

و پذیرای دعوت سائلین مضطر!

و اینک از ترس خویشاوندان بازمانده‌ام،

و هم‌چنین علاقه شدیدم به داشتن ذریه‌ای طیب،

که تو را بندگی کند،

مرا به چنین درخواستی واداشت! (۱)

(۴۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

داستان زکریا در قرآن و تحلیل آن

خدای تعالی زکریا علیه‌السلام را در کلام خود به صفت نبوت و وحی توصیف فرموده، و نیز در اول سوره مریم او را به عبودیت، و در سوره انعام در عداد انبیاء خود شمرده و از صالحین و مجتبین خوانده است، که عبارتند از مُخْلِصُونَ، و هم‌چنین او را از مهدیون دانسته است.

قرآن کریم از تاریخ زندگی آن حضرت غیر از دعای او در طلب فرزند و استجابت

۱- المیزان، ج ۱۲، ص ۱۵۸.

داستان زکریا در قرآن و تحلیل آن (۴۷)

دعای او و تولد فرزندش یحیی علیه‌السلام، چیزی نیاورده است.

این قسمت از زندگی آن جناب را بعد از نقل سرگذشتش با مریم که چگونه عبادت می‌کند و چگونه خدا کرامت‌ها به او داده، نقل کرده است.

در این قسمت فرموده که زکریا متکفل امر مریم شد، و چون مریم پدرش عمران را از دست داده بود، و وقتی بزرگ شد از مردم کناره‌گیری کرد و در محرابی که در مسجد به خود اختصاص داده بود، مشغول عبادت شد، و تنها زکریا به او سر می‌زد، و هر وقت به محراب او می‌رفت می‌دید نزد او رزقی آماده است، و می‌پرسید: این غذا را چه کسی برایت آورده است؟ می‌گفت:

- این از ناحیه خدای تعالی است،

که خدای تعالی به هر که خواهد بدون حساب روزی می‌دهد!

(۴۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

در این لحظه بود که طمع زکریا به رحمت خدای مهربان تحریک شد، و خدای خود را خواند، و از او فرزندی از همسرش درخواست کرد، و ذریه‌ای مسئلت نمود، با این که او خود مردی سال‌خورده، و همسرش زنی نازا بود، دعایش مستجاب شد، و در حالی که در محراب نماز ایستاده بود، ملائکه ندایش دادند:

- ای زکریا! خدای تعالی تو را به فرزندی که اسمش یحیی است بشارت می‌دهد!

زکریا برای این که قلبش اطمینان یابد و بفهمد این ندا از ناحیه خدا بوده و یا از جای دیگر پرسید: پروردگارا، آیتی به من ده که بفهمم این ندا از جانب تو بود!

خطاب آمد: آیت و نشانه تو این است که سه روز زبانت از تکلم با مردم می‌بندد، و سه روز جز با اشاره و رمز نمی‌توانی سخن گوئی! و همین‌طور هم شد، از محراب خود بیرون شد و نزد مردم آمد و به ایشان اشاره کرد که صبح و شام تسبیح خدا گوئید! خدا همسر او را اصلاح نمود و یحیی را بزائید.

داستان زکریا در قرآن و تحلیل آن (۴۹)

قرآن کریم درباره مال کار و چگونگی درگذشت زکریا علیه‌السلام چیزی نفرموده است، ولی در اخبار بسیاری از طریق شیعه و سنی آمده که قومش او را به قتل رساندند، بدین صورت که وقتی تصمیم گرفتند او را بکشند، او فرار کرد و به درختی پناهنده شد، و درخت شکافته شد و او داخل درخت قرار گرفت، و درخت به حال اولش برگشت. شیطان ایشان را از نهانگاه وی خبر داد و گفت که باید درخت را اره کنید و ایشان هم همین کار را کردند و آن جناب را با اره دو نیم کردند و بدین وسیله از دنیا رفت.

در بعضی روایات آمده که سبب کشتن وی این بود که او را متهم کردند که (نعوذبالله با حضرت مریم عمل منافی عفت انجام داده و از این راه مریم

(۵۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

به عیسی علیه‌السلام حامله شده است، و دلیلشان این بود که غیر از زکریا کسی به مریم سر نمی‌زد. جهات دیگری نیز روایت شده که از نقل آن صرف نظر می‌شود. (۱)

هم‌زمانی پیامبری زکریا و یحیی و عیسی علیه‌السلام

در کافی به سند خود از برید کناسی روایت کرده که گفت: من از امام جعفر الصادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا عیسی بن مریم در آن هنگامی که در گهواره بود با مردم سخن گفت حجت خدا بر مردم زمان خود بود؟

فرمود: آن روز نبی و حجت خدا بود، ولی هنوز مرسل نبود، مگر کلام

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۴۳.

هم‌زمانی پیامبری زکریا و یحیی و عیسی علیه‌السلام (۵۱)

خود او رانشینده‌ای که می‌گوید:

«من بنده خدایم، به من کتاب داده و نبی‌ام کرده، و مبارکم گردانیده،

هر جا که باشم، و به نماز و زکات، مادام که زنده باشم، سفارشم فرموده است.»

عرض کردم: بنابراین، در همان کودکی و در آن حال، حجت خدا بر زکریا نیز بوده است؟

فرمود: عیسی در آن حال آیت خدا و رحمتی از او بر مریم بود، آن‌گاه که سخن گفت و از مریم دفاع کرد، و نسبت به هر کس که

کلام او را می‌شنید نبی و حجت بود. البته تا سخن می‌گفت حجت بود، و بعد از سکوت او تا مدت دو سال که زبان باز کرد زکریا علیه‌السلام حجت بر مردم بود.

بعد از درگذشت زکریا، فرزندش یحیی کتاب و حکمت را از او به ارث برد، در حالی

(۵۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

که او نیز کودکی صغیر بود. مگر نشنیده‌ای کلام خدای تعالی را که می‌فرماید: «یا یحیی خذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَّءَاتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا!» (۱۲ / مریم)

و بعد از آن که به هفت سالگی رسید به نبوت و رسالت سخن گفت، چون در آن هنگام خداوند بر وی وحی فرستاد، و بنابراین عیسی علیه‌السلام حتی بر یحیی هم حجت بود، و در حقیقت بر همه مردم حجت بود.

- ای اباخالد!

از آغاز خلقت که خدا آدم را در روی زمین جای داد،

زمین حتی یک‌روز هم از حجت خدا بر مردم خالی نبود...!(۱)

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۷۸.

هم‌زمانی پیامبری زکریا و یحیی و عیسی علیه‌السلام (۵۳)

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل

انجیل لوقا در اصحاح اول می‌گوید: - در ایام سلطنت هرودوس پادشاه یهودیان کاهنی بود به نام زکریا، و از فرقه ابیاء و همسر او زنی بود از دختران هارون به نام ایصابت. این زن و شوهر هر دو نسبت به خدای تعالی فرمانبر و هر دو اهل عبادت و عمل به سفارشات رب و احکام او بودند، ایصابت زنی نازا بود، علاوه بر این عمری طولانی پشت سر گذاشته بودند.

روزی که سرگرم کهانت برای فرقه خود بود بر حسب عادت کاهنان قرعه به نامش اصابت کرد که آن روز بخوردادن هیکل رب (کلیسا) را عهده بگیرد. رسم مردم این بود که در موقع بخوردادن تمامی نمازگزاران از هیکل بیرون می‌آمدند.

(۵۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

وقتی زکریا داخل هیکل شد، فرشته پروردگار در حالی که طرف دست راست قربان‌گاه بخور ایستاده بود، برایش ظاهر شد. زکریا از دیدن او وحشت کرد و مضطرب شد. فرشته گفت: ای زکریا مترس که من خواهش تو و همسرت ایصابت را شنیدم، به زودی فرزندی برایت می‌آورد و باید او را "یوحنا" بنامی و از ولادت او فرحی و مسرتی به تو دست می‌دهد، و بسیاری از ولادت او خوشحال می‌شوند، زیرا او در برابر پروردگار مردی عظیم خواهد بود، نه خمیری می‌نوشد، و نه مسکری، و از همان شکم مادر، با روح القدس به دنیا می‌آید، و بسیاری از بنی‌اسرائیل را به درگاه رب معبودشان برمی‌گرداند، و پیشاپیش او روح "ایلیا" و نیروی او در حرکت است، تا دل‌های پدران را به فرزندان، و عاصیان را به فکرت ابرار و نیکان برگرداند، تا حزبی مستعد و قوی برای رب فراهم شود.

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۵۵)

زکریا به فرشته گفت:

- چگونه اطمینان پیدا کنم؟ چون من مردی سال‌خورده و همسر من زنی نازا و پیر است. فرشته پاسخ داد:

- من جبرئیلم که همواره در برابر خدا گوش به فرمانم، خدا مرا فرستاده تا با تو گفتگو کنم و تو را بدین مژده نوید دهم، و تو از همین الان لال می‌شوی و تا روزی که این فرزند متولد شود نمی‌توانی با کسی سخن گوئی، و این شکنجه به‌خاطر

این است که تو کلام مرا که به زودی صورت می‌بندد تصدیق نمودی!

مردم بیرون هیکل منتظر آمدن زکریا بودند و از دیر کردنش تعجب می‌کردند، و وقتی بیرون آمد، دیدند که نمی‌تواند حرف بزند، فهمیدند که در هیکل خوابش برده و خوابی دیده است. زکریا با اشاره با ایشان حرف می‌زد و هم‌چنین ساکت بود.

(۵۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

پس از آن که ایام خدمتش در هیکل تمام شد و به خانه‌اش رفت، چیزی نگذشت که همسرش ایصابات حامله شد، و مدت پنج ماه خود را پنهان می‌کرد و با خود می‌گفت: پروردگار من این طور با من رفتار کرد، و در ایامی که نظری به من داشت مرا از عار و ننگ که در مردم داشتم نجات داد.

انجیل سپس می‌گوید:

مدت حمل ایصابات تمام شد و پسری آورد. همسایگان و خویشان وقتی شنیدند که خدا رحمتش را نسبت به او فراوان کرده با او در مسرت شرکت کردند، و در همان روز دلاک آوردند تا او را ختنه کنند، و او را به اسم پدرش زکریا نامیدند، ولی مادرش قبول نکرد و گفت: نه، باید "یوحنا" نامیده شود. گفتند: در میان قبیله و عشیره تو چنین نامی نیست. لذا از پدرش زکریا پرسیدند که میل دارد چه اسمی بر او بگذارد؟ او که تا آن

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۵۷)

روز قادر به حرف زدن نبود لوحی خواست تا در آن بنویسد. لوح را آوردند و در آن نوشت: "یوحنا!" همه تعجب کردند و در همان حال زبان زکریا باز شد و خدای را شکر گفت: همسایگان همه و همه دچار دهشت و ترس شدند، و همه عجایی را که دیده بودند به یکدیگر می‌گفتند تا در تمامی کوه‌های یهودی نشین پر شد، و همه در دل می‌گفتند تا عاقبت این بچه چه باشد! و قطعاً دست پروردگار با اوست، چون زکریا هم پر از روح القدس بود و ادعای نبوت می‌کرد....

و باز در انجیل لوقا اصحاب سوم آمده که در سال پانزدهم از سلطنت طیریوس قیصر که بیلاطس نبطی والی بر یهودیان، و هیروُدس رئیس بر ربع حلیل، و فیلیپس برادرش رئیس بر ربع ایطوریه و کوره تراخوتینیس، و لیسانیوس رئیس بر ربع ابلیه بودند و در ایام ریاست حنان و قیافا بر کاهنان کلمه خدا بر یوحنا فرزند

(۵۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا در صحرا صورت گرفت.

و به همین مناسبت فرمانی به تمامی شهرهای پیرامون اردن رسید که مردم معمودیه توبه و مغفرت گناهان را انجام دهند، و این قصه در سفر اقوال اشعیا پیغمبر نیز آمده که (آوازی از صحرا برآمد که آماده راه خدا باشید، و راه او را هموار سازید، و بدانید که همه بیابان‌ها پر می‌شود و همه کوه‌ها و تل‌ها به فرمان در می‌آید، و همه کجی‌ها راست می‌شود، و همه دره‌ها راه هموار می‌گردد، و بشر خلاصی خدای را به چشم می‌بیند....)

در همان موقعی که مردم منتظر و همه در دل‌هایشان درباره یوحنا فکر می‌کردند که نکند او همان مسیح باشد، یوحنا به همه چنین جواب گفت:

- من شما را به آب تعمید می‌دهم، ولیکن بعد از من کسی نزد شما می‌آید که از من

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۵۹)

قوی‌تر است، کسی است که من خود را قابل آن نمی‌دانم که بند کفشش را باز کنم.

- او به زودی شما را به روح القدس و آتش غسل خواهد داد که طبقتش در دست اوست، و به زودی خرمن خود را پاکیزه کرده و گندم‌ها را در انبار خود جمع کنید و گاه را به آتشی که هرگز خاموش نشود و به چیزهای دیگر آتش می‌زند. او همین طور مردم

راموعظه می‌کرد و بشارت می‌داد.

و اما هیروودس رئیس ربع به خاطر این که آبرویش در میان مردم در مسئله هیروودیا همسر برادر فیلیپس و نیز به خاطر شرارت هائی که داشت، به مخاطره افتاده بود، یک خطائی بزرگ‌تر از همه مرتکب شد و آن این بود که یوحنا را به زندان افکند. در انجیل مرقس اصحاب ششم آمده که هیروودس خودش به دست خود یوحنا را به زندان می‌برد و بند بر او می‌نهد و این کار را به خاطر هیروودیا همسر

(۶۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

برادرش فیلیپس می‌کرد. چون خودش با او ازدواج کرده بود، و یوحنا با این عمل وی مخالفت می‌کرد که ازدواج تو با همسر برادرت حلال نیست. از همین روی هیروودیا کینه او را در دل داشت و می‌خواست او را بکشد و نمی‌توانست. چون هیروودس از یوحنا حساب می‌برد و می‌دانست که او مردی نیکوکار و مقدس است و همواره او را محافظت می‌کرد، و کلامش را شنیده و اعمال بسیاری به جا می‌آورد و سخنش را به خوشی می‌شنید، تا آن که روزی چنین اتفاق افتاد که هیروودس برای جشن میلادش شامی تهیه کرده و بزرگان مملکت و افسران ارتش و هزاره‌های لشکر را دعوت کرده بود. موقعی که همه جمع شده بودند دختر هیروودیا وارد شده و در مجلس رقصی کرد که هیروودس و کرسی نشینان او همه خوشحال شدند، شاه به او گفت: هر چه می‌خواهی بخواه تا به تو بدهم، و سوگند یاد کرد که هر چه از من بخواهی می‌دهم هر چند نصف مملکت باشد!

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۶۱)

دختر بیرون آمد و به مادرش گفت چه بخواهم؟ گفت: سر بریده یوحنا معمدان را بخواه! دختر در همان لحظه نزد شاه شد و سر بریده یوحنا معمدان را خواست و شاه در اندوه شد ولی زود جلادی را فرستاد تا سر از بدن جدا شده یوحنا را بیاورد. او رفت و در زندان سر یوحنا را از بدن جدا کرد و در طبقی گذاشت و آورد نزد دختره و او هم آن را به مادرش داد. شاگردان یوحنا این بشنیدند و آمدند و بدن بی سر او را برداشته و دفن کردند.

این بود آنچه که در انجیل آمده است و البته در انجیل‌ها اخبار دیگری نیز راجع به یحیی علیه‌السلام هست که از نقل آن خودداری می‌شود، و خواننده متدبر خود می‌تواند این نقل‌ها را با آنچه قبلاً ما گفتیم تطبیق کند و موارد اختلاف

(۶۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

را به دست آورد. (۱)

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۴۵.

تاریخ زکریا و عیسی در انجیل (۶۳)

(۶۴)

فصل دوم: حضرت یحیی علیه‌السلام (معجزه‌های مقدمه تولد عیسی علیه‌السلام)

خلاصه تاریخ زندگی یحیی علیه‌السلام در قرآن

تاریخ حضرت یحیی در قرآن از لحاظ شخصی و شخصیتی او، همراه با شرح مختصری از زندگی و نحوه تولدش بیان گردیده است. (۶۵)

خدای عزوجل یحیی علیه‌السلام را در چند جای قرآن کریم یاد فرموده و او را به ثنای جمیلی ستوده‌است، از آن جمله او را «تصدیق‌کننده کلمه‌ای از خدا» (نبوت مسیح علیه‌السلام) خوانده، و او را «سَیِّد» و «مایه آبروی قوم» و «حَصُور» (بدون همسر) معرفی

کرده و هم‌چنین او را «پیغمبری از صالحین» ذکر فرموده است.

در جای دیگر قرآن، یحیی علیه‌السلام را از «مُحَبِّتین» یعنی مُخْلِصین و راه یافتگان خوانده و نام او را خودش انتخاب کرده و او را «یحیی» نامیده است، که قبل از وی هیچ کس بدین نام مسمی نشده بود، و او را مأمور به «اخذ کتاب به قوت» کرده، و در کودکی به او «حکم» داده است.

خداوند متعال بر یحیی علیه‌السلام در سه روز از زندگی اش سلام فرستاده:

روزی که متولد شد،

(۶۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

روزی که از دنیا می‌رود،

و روزی که دوباره زنده می‌شود!

قرآن مجید به طور کلی دودمان زکریا علیه‌السلام را مدح کرده و فرموده: «آنها افرادی بودند که در خیرات پیش دستی می‌کردند و ما را به رغبت و از رهبت و خشوع می‌خواندند...» (مقصود از آنها - یحیی و پدر و مادر اوست).

شرح زندگی و مرگ یحیی علیه‌السلام در روایات

یحیی علیه‌السلام به طور معجزه آسا و خارق‌العاده برای پدر و مادرش متولد شد. چون پدرش پیری فوت و مادرش زنی نازا بود، و هر دو از فرزنددار شدن مأیوس

شرح زندگی و مرگ یحیی علیه‌السلام در روایات (۶۷)

بودند. در چنین حالی خدای تعالی یحیی را به ایشان ارزانی داشت، و یحیی از همان کودکی مشغول عبادت شد، خدای تعالی از کودکی او را حکمت داده بود. او تمام عمر خود را به زهد و انقطاع گذرانید، و هرگز با زنان آمیزش نکرد و هیچ یک از لذایذ دنیا او را از خدا به خود مشغول نساخت.

یحیی علیه‌السلام معاصر حضرت عیسی بن مریم علیها‌السلام بود، و نبوت او را تصدیق کرد. او در میان قوم خود سید و شریف بود، به طوری که دل‌ها همه به او توجه نمود و به سویش میل می‌کرد. مردم پیرامون او جمع می‌شدند، و او ایشان را موعظه می‌کرد، و به توبه از گناهان دعوت می‌نمود، و به تقوی دستور می‌داد تا روزی که کشته شد.

در قرآن کریم درباره کشته شدن یحیی چیزی نیامده است، ولی در اخبار آمده که سبب شهادت او این بود که زنی زناکار در عهد او می‌زیست و پادشاه بنی‌اسرائیل

(۶۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

مفتون او شد و با او مراوده کرد و یحیی علیه‌السلام وی را از این کار نهی نمود و ملامتش کرد، و چون او در قلب شاه عظیم و محترم بود، لذا پادشاه ناگزیر از اطاعتش بود.

این معنا باعث شد که زن زانیه نسبت به آن جناب کینه توزی کند، و از آن به بعد به پادشاه اعتنا نمی‌کرد مگر بعد از آن که سر یحیی را از بدنش جدا نموده و برایش هدیه بفرستد.. پادشاه نیز چنین کرد و آن جناب را به قتل رسانید و سر مقدسش را برای زن هدیه فرستاد.

در بعض دیگر اخبار آمده که سبب قتل او این بود که پادشاه عاشق برادرزاده خود شد و می‌خواست که با او ازدواج کند یحیی علیه‌السلام او را نهی می‌کرد و مخالفت می‌نمود، تا آن که وقتی همسر برادرش دختر را آن چنان آرایش کرد که تمام قلب شاه را

مسخر کند

شرح زندگی و مرگ یحیی علیه‌السلام در روایات (۶۹)

و با چنین وضعی دخترش را نزد پادشاه فرستاد. زن به او گفته بود که چون شاه خواست از تو کام بگیرد مخالفت کن و بگو شرطش این است که سر یحیی را برایم حاضر کنی. او نیز بی‌درنگ سر یحیی را از بدن جدا نمود و در طشتی طلا گذاشت و برای دختر برادر حاضر ساخت.

در روایات احادیث بسیاری درباره زهد و عبادت و گریه یحیی علیه‌السلام از ترس خدا، و همچنین در مواعظ و حکمت‌های او وارد شده است. (۱)

یحیی پیامبر و اعجاز زندگی او

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۴۳.

(۷۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«یا زَکْرِيَا اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيٰى...»

«ای زکریا! ما تو را مژده پسری می‌دهیم که نامش یحیی است، و از پیش همنامی برای وی قرار نداده‌ایم!» (۷ / مریم)

خداوند دعای زکریا را مستجاب کرد و او را ندا داد که ای زکریا...

این زمانی بود که زکریا از داشتن فرزند ناامید و از نازائی و پیری زنش آگاه بود، ولی با دیدن کیفیت اداره زندگی مریم به دست خدا و کرامات او دلش به وجد آمد و برای خود نیز پسری از خدا درخواست کرد و خداوند پاسخش را با مژده تولد یحیی و شرح شخصیت و اعجاز زندگی او داد.

آیه مورد بحث دلالت دارد که خدای تعالی خودش فرزند زکریا را به نام یحیی نام

یحیی پیامبر و اعجاز زندگی او (۷۱)

نهاد و فرمود: «اسمش یحیی است و ما قبل از او احدی را بدین نام ننمایدیم، و کسی در این نام شریک او نیست.»

اوصافی که خداوند سبحان در کلام خود برای یحیی شمرده اوصافی است که در هیچ پیغمبری قبل از او نظیرش نیست، مثل: دارا شدن حکم در کودکی و سیادت، ترک ازدواج، (سَيِّدًا وَ حَصُورًا) سلام کردن خدا بر او در روز ولادت و روز مرگ و روز قیامت! حضرت مسیح علیه‌السلام پسر خاله حضرت یحیی بود و او هر چند در این اوصاف با او شریک است لکن او بعد از یحیی متولد شده است، پس تا روز بشارت به ولادت یحیی هیچ پیغمبری در این اوصاف نظیر او نبوده است.

اعجاز تولد در غیر موقع

(۷۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا با شنیدن مژده الهی مبنی بر تولد یحیی علیه‌السلام با تعجبی که ناشی از خاصیت بشر است، عرض کرد:

- پروردگارا! کجادیگر توانم پسری داشته‌باشم،

با این که همسرم نازاست و خودم از پیری به فرتوتی رسیده‌ام؟

با این که زکریا از همان اول یقین داشت که این بشارت راست است، شروع کرد به پرسش از خصوصیات آن تا بدین وسیله آن اضطراب درونی را ساکن و آرام سازد.

پاسخ شنید:

- پروردگار تو چنین است، و در این بشارت هیچ شکی نیست!
همو فرموده که این بر من آسان است،
اعجاز تولد در غیر موقع (۷۳)
از پیش نیز تو را که چیزی نبودی خلق کرده‌ام!

نشانه‌ای که زکریا از خدا خواست؟

زکریا درخواست نشانه‌ای کرد تا حق را از باطل تمیز دهد و بفهد که ندائی که شنیده وحی ملائکه، بوده نه القائات شیطانی، و لذا در جواب به او گفته شد:

- نشانه الهی بودن آن که شیطان در آن راهی ندارد، این است که:
سه روز زبانت جز به ذکر خدا به چیز دیگر باز نشود!

چون انبیاء معصوم به عصمت الهی هستند، دیگر شیطان نمی‌تواند در نفوس آنان تصرفی بکند.

(۷۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

این که گفت: «خدایا برایم نشانه‌ای قرار بده!» درخواست نشانه‌ای است برای تمیز و جمله «نشانه تو این است که سه روز تمام با مردم حرف نزن!» اجابت آن درخواست است، که سه روز هر چه جز ذکر خدا بخواهد بگوید زبانش به کار نیفتد، در عین این که زبانش سالم است و به مرضی مبتلا نشده است.
مراد به حرف نزدن این است که نتواند حرف بزند.

زکریا در این سه شبانه روز سرگرم عبادت و ذکر خدا بود ولی نمی‌توانست با مردم حرف بزند مگر با رمز و اشاره.

«پس از عبادت گاه نزد قوم خود شد،

و با اشاره به آنان دستور داد که -

صبح و شام خدا را تسبیح بگوئید!»

نشانه‌ای که زکریا از خدا خواست؟ (۷۵)

دستور الهی اخذ کتاب

«بعد از آن که یحیی را به زکریا دادیم به وی گفتیم:

- ای یحیی! کتاب را در دو ناحیه علم و عمل محکم بگیر!»

منظور از «اخذ کتاب به قوت» تحقق دادن به معارف آن و عمل به دستورات و احکام آن است، با عنایت و اهتمام! و مراد به کتاب، تورات است و یا تورات و سایر کتب انبیاء زیرا کتابی که در آن روز مشتمل بر شریعت بوده همان تورات بوده است.

علم یحیی در سن کودکی

(۷۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خداوند تعالی می‌فرماید:

«وَأَتَيْنَاهُ الْهُكْمَ صَبِيًّا، وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً»

«ما به یحیی علم به معارف حقیقی دادیم،

در حالی که او کودکی نابالغ بود.

خدا به او لطف و عنایت دارد، و امور او را خودش اصلاح می‌کند، و به شأن او عنایت می‌ورزد،

و او هم در زیر سایه عنایت خدا رشد می‌کند،

او نسبت به خدا عشق می‌ورزد، و مجذوب پروردگار خویش است!» (۱۲ و ۱۳ / مریم)

علم یحیی در سن کودکی (۷۷)

بر همین اساس جذبه و عشق رشد و نمو می‌کند، و این نمو، نمو روح است. می‌بینیم خداوند متعال کلمه «حنان» را مقید

به «مِنْ لَدُنَّا» کرده است، با در نظر گرفتن این که این کلمه به کار نمی‌رود جز در مواردی که اسباب طبیعی و

عادی مؤثر نیست و یا در نظر گرفته نشده است، لذا مراد از «حنان» یک نوع عطف الهی و انجذاب مخصوصی است

بین یحیی و پروردگارش، که در غیر او سابقه و مانند ندارد!

تقوی یحیی و صفات عالیه او

خداوند متعال در ادامه توصیف یحیی علیه‌السلام می‌فرماید:

(۷۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«وَكَانَ تَقِيًّا وَبَرًّا بَوْلِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا!» (۱۳ و ۱۴ / مریم) این سه عبارت بیان کلیات احوال یحیی

علیه‌السلام است نسبت به خالق و مخلوق:

- عبارت «وَكَانَ تَقِيًّا» حال او را نسبت به پروردگارش بیان می‌کند،

- عبارت «بَرًّا بَوْلِدَيْهِ» وضع او را نسبت به پدر و مادرش حکایت می‌کند،

- و عبارت «وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا» رفتار او را نسبت به سایر مردم شرح می‌دهد.

حاصل معنای جمله این است که آن جناب رؤف و رحیم به مردم، و خیرخواه و متواضع نسبت به آنها بوده است. او ضعفای آنها

را یاری می‌کرده و آنها را که آمادگی هدایت و رشد داشته‌اند، هدایت می‌نموده است.

سلام خدا بر یحیی علیه‌السلام

سلام خدا بر یحیی علیه‌السلام (۷۹)

خدای سبحان برای یحیی علیه‌السلام چنین سلام می‌کند:

«سلام بر او روزی که تولد یافت،

و روزی که مرد،

و روزی که زنده برانگیخته می‌شود!»

در این سه روز، خداوند سبحان سلامی فخیم و عظیم بر او می‌فرستد، در این ایام که هر کدامش ابتداء یکی از عوالم است، و آدمی

در آن زندگی می‌کند، از هر مکروهی قرین سلامت باشد، روزی که متولد می‌شود به هیچ مکروهی که با سعادت زندگی او

ناسازگار باشد دچار نگردد، و روزی که می‌میرد و زندگی برزخی‌اش را شروع می‌کند قرین سلامت باشد، و روزی که دوباره زنده

می‌شود و به حقیقت حیات می‌رسد،

(۸۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سلامت باشد، و دچار تعب و خستگی نگردد!

اختلاف تعبیر قرآن مجید در بیان «وُلِدَ، يَمُوتُ و يُبْعَثُ»، که اولی را در صیغه ماضی و دومی و سومی را به صیغه آینده آورده برای این بوده که بفهماند این سلام را خداوند در حال حیات دنیوی یحیی به او فرستاده است نه این که در عصر رسول الله صلی الله علیه و آله و زمان نزول قرآن. (۱)

جزئیات تولد یحیی در قرآن

«هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً...»

(۳۸ / آل عمران)

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۲۵.

جزئیات تولد یحیی در قرآن (۸۱)

یکی از معجزات در تاریخ ادیان، تولد یحیی علیه السلام و مشابهت همه جانبه تولد و نام گذاری و زندگی او نسبت به عیسی علیه السلام است.

ظاهراً تولد یحیی علیه السلام قبل از تولد عیسی علیه السلام بوده و این پیامبر الهی در خانواده زکریا علیه السلام پیامبر گرامی خدا، در سن پیری و فرتوتی او به دنیا می‌آید، در حالی که تا آن زمان مادر او به سن پیری رسیده بود و در عین حال نیز زنی عاقر و نازا بوده است.

یحیی از زمره اتباع و پیروان «عیسی بن مریم» و از اوصیاء و جانشینان آن حضرت بوده است.

به نظر می‌رسد معجزات تولد یحیی علیه السلام و شخصیت و کیفیت رشد او زمینه ساز تولد اعجاب‌انگیز عیسی علیه السلام بوده است و مشاهده معجزاتی مشابه اعجاز تولد عیسی علیه السلام

(۸۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

ذهن مردم زمان آن حضرت را آماده قبول تولد اعجاز آمیز عیسی علیه السلام نموده است.

آیات قرآنی در سوره فوق تولد یحیی علیه السلام را چنین توصیف می‌کند:

«زکریا مریم را کفالت می‌کرد،

او هر وقت وارد محراب عبادت مریم می‌شد،

در نزد او رزق شگفت‌انگیزی می‌یافت،

گفت: - ای مریم! این روزی از کجا به تو رسیده است؟

پاسخ داد: - از جانب خداست، که خدا به هر که خواهد روزی بی حساب دهد!»

در آن هنگام که زکریا کرامت مریم را مشاهده کرد، گفت:

«پروردگارا! مرا به لطف خود ذریه‌ای طیبه عطا فرما!

همانا توئی مستجاب کننده دعا!»

جزئیات تولد یحیی در قرآن (۸۳)

پس زکریا را هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، ملائکه ندا دادند:

«همانا خداوند تو را به ولادت یحیی بشارت می‌دهد!

تا او کلمه خدا نبوت عیسی علیه‌السلام را تصدیق کننده باشد،
و همو پیشوای مردم، پارسا، و پیغمبری از شایستگان باشد!»
زکریا عرض کرد:

«پروردگارا! چگونه مرا پسری تواند شد در حالی که مرا سن پیری فرا رسیده و عیالم نیز عجزوی
نازاست؟

گفت: - چنین است کار خدا! هر چه بخواهد می‌کند!

عرض کرد: - پروردگارا! مرا نشانه‌ای مرحمت فرما!

(۸۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

گفت: - نشانه تو آن است که تا سه روز با کسی سخن گفتن نتوانی، و جز با رمز چیزی نگوئی، و پیوسته به
یاد خدا باش، و او را صبح و شام تسبیح گوی!»

ارتباط زندگی مریم با تولد یحیی علیه‌السلام

سبب اصلی دعای زکریا و گفتن «پروردگارا از جانب خودت ذریه‌ای طیبه به من عطا فرما!» دیدن کرامت و عظمت «مریم» در نزد
خدای تعالی بود.

«طیب بودن ذریه» اش در آن است که برای فرزند او هم همان مقامات و کراماتی که برای مریم مشاهده می‌کرد، باشد، لذا
خداوند متعال هم به او «یحیی» را داد، که شبیه‌ترین انبیاء بود نسبت به عیسی علیه‌السلام و از هر جهت در صفات
ارتباط زندگی مریم با تولد یحیی علیه‌السلام (۸۵)

کمالیه شباهت تام و تمامی به «مریم» و فرزندش «عیسی» داشت.

لذا خداوند سبحان او را به نام «یحیی» نامید و او را «مُصَدِّق» و تصدیق کننده کلمه و آیت خدا و «آقا» و «حَصِیور - بدون اهل» و
«پیغمبری» از شایستگان قرار داد.

این‌ها خود بالاترین چیزی است که ممکن است یک انسان در آن‌ها به مریم و عیسی علیه‌السلام شباهت داشته باشد.

نام‌گذاری یحیی علیه‌السلام

از فرمایش خداوندی که می‌فرماید:

«أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى!» (۳۹ / آل عمران) استفاده می‌شود که نام‌گذاری فرزند زکریا به «یحیی» از طرف خداوند
متعال بوده است. چنان

(۸۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

که از آیات سوره مریم استفاده می‌شود، که در آن سوره خدای سبحان می‌فرماید:

«ای زکریا! ما تو را به فرزندی که نامش یحیی است بشارت می‌دهیم که قبلاً کسی به این نام نبوده است»، و این که نام
آن مولود «یحیی» نهاده شده، و بشارت به آن هم قبل از خلقتش بوده است.

شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام

آن چه در حق مریم و عیسی علیه‌السلام رعایت شده، در حق یحیی علیه‌السلام هم رعایت شده است. روشن است که آن چه خداوند

متعال از صفات کمالیه و فضایل برای مریم قرار داده، شبیه و نظیر آن را عیناً برای عیسی علیه‌السلام مقرر داشته است. پس بنابراین شباهت و

شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام (۸۷)

محاذات کامل بین یحیی و عیسی وجود دارد، و در آن چه ممکن بوده به یکدیگر شباهت رسانیده‌اند.

ناگفته نماند که در همه اوصاف، حق تقدم با عیسی است، زیرا وجود آن حضرت پیش از دعای زکریا مقدر شده بود، لذا او را فضایل بخصوصی است که در آن‌ها یحیی را حظی نیست، مانند آن که عیسی از پیغمبران اولوالعزم شده و دارای کتاب آسمانی است.

تدبر در آیات وارده در قرآن کریم در سوره‌های زیر مطالب بالا را بیشتر روشن می‌کند:

سوره مریم آیه ۱۰ درباره یحیی علیه‌السلام

- ای زکریا! ما تو را به فرزندی که نامش یحیی است بشارت می‌دهیم

(۸۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

که هم‌نامی در سابق نداشته - ای یحیی! تو کتاب الهی را به قوت فراگیر!

- ما به یحیی در سن کودکی مقام نبوت بخشیدیم،

- و به او از نزد خود برکت و طهارت عطا کردیم،

- و او شخصی پرهیزکار بود،

- او را به پدر و مادرش مهربان نمودیم،

- او اصلاً به کسی ستم نکرد،

- و معصیت خدا را مرتکب نشد،

- سلام حق بر او باد در روز ولادت، در روز رحلت، و در روز بعثت!

سوره مریم آیه ۳۳ درباره عیسی علیه‌السلام

- ما روح القدس را به سوی مریم فرستادیم....

شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام (۸۹)

- روح القدس به مریم گفت:

«من فرستاده پروردگار توام که به فرمان او برای بخشیدن فرزندی پاک به تو آمده‌ام!

....پروردگارت فرمود: - این کار بر من آسان است!

ما آن فرزند را نشانه‌ای برای مردم،

و رحمتی از جانب خود قرار می‌دهیم!»

....مریم اشاره به طفل کرد و به ملامت گران فهماند که با طفل سخن گویند: گفتند: «چگونه با طفل گهواره‌ای سخن

گوئیم؟»

در این هنگام طفل (به امر خدا گفت):

- «همانا من بنده خاص خدایم، که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود!

(۹۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

هر کجا باشم مرا "مبارک" قرار داده است،

و تا زنده‌ام به نماز و زکات دستور داده است،

هم‌چنین به نیکوئی با مادرم مرا سفارش فرموده است،

مرا ستم کار و شقی قرار نداده است.

درود حق در روز ولادت و در روز مرگ و در روز قیامت بر من است! چنان که از آیات بالا استفاده می‌شود:

۱- خداوند سبحان نام فرزند زکریا علیه‌السلام را یحیی نهاده، و در مقابل فرزند مریم را "عیسی" که به معنای "زندگی می‌کند" است، نام‌گذاری کرده است.

۲- به یحیی در عهد صباوت و بچگی مقام نبوت و علم کتاب کرامت فرمود، چنان که "عیسی" را هم در کوچکی و طفولیت مقام نبوت کرامت فرمود.

شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام (۹۱)

۳- خدایحیی را از نزد خود "برکت و طهارت" داد و او را به پدر و مادرش نیکوکار قرار داد، چنان که به عیسی هم "برکت و طهارت" بخشید و او را نسبت به مادرش نیکوکار مقرر فرمود.

۴- خدای سبحان در موطن و مراحل سه‌گانه به یحیی سلام و درود فرستاد - روز تولد، روز وفات، و روز قیامت - چنان که به عیسی هم در همان موطن سه‌گانه درود و سلام فرستاد.

۵- خداوند متعال یحیی را "سید" یعنی بزرگ قوم و "حضور" یعنی کسی که از روی زهد زن اختیار ننماید، و "پیغمبر" قرار داد، چنان که تمام آن‌ها را به عیسی علیه‌السلام هم مرحمت فرمود.

تمام این شباهت‌هایی که یحیی علیه‌السلام به عیسی علیه‌السلام داشت برای اجابت نمودن دعای

(۹۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا بوده است، در آن جا که ذریه طیبه و خلف پسندیده و شایسته‌ای طلب کرد، در آن هنگامی که از مشاهده وضع مریم و کرامتی که در پیشگاه خدا پیدا کرده بود، دلش لبریز گشت.

۶- از این که خدای تعالی درباره یحیی می‌فرماید: «مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ» (۳۹ / آل عمران)

روشن می‌شود که یحیی از زمره اتباع و پیروان عیسی بن مریم علیهاالسلام و از اوصیاء و جانشینان آن حضرت بوده، زیرا کلمه‌ای را که یحیی مصدق اوست، همانا عیسی بن مریم، می‌باشد: (۱)

۱- المیزان، ج ۵، ص ۳۱۴.

شباهت‌های یحیی و عیسی علیه‌السلام (۹۳)

«يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ...!» (۴۵ / آل عمران)

(۹۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

(۹۵)

فصل سوم: حضرت مریم علیهاالسلام صدیقه قانته

خلاصه تاریخ زندگی مریم علیهاالسلام در قرآن

آیات سوره‌های آل عمران، مریم، انبیاء و تحریم شامل مطالبی است درباره تاریخ زندگی مریم علیهاالسلام که مشروح آن در مباحث زیرین نقل خواهد شد، و

(۹۶)

خلاصه آن‌ها به شرح زیر است:

مادر عیسی علیه‌السلام «مریم» دختر عمران است. هنگامی که مادر مریم به او حامله شد، به خیال این که آن‌چه در شکم دارد پسر است، نذر کرد که او را پس از به دنیا آمدن در راه خدا آزاد کند، تا پسرش به خدمت مسجد مشغول شود. چون بار خود را به زمین نهاد و روشن شد که او دختر است، غم و حزن او را فراگرفت، لیکن دخترش را به نام "مریم" که به معنی "خادمه" است، نامید، تا او را به خدمت مسجد وادارد.

"عمران" پدر مریم پیش از ولادت او از دنیا رخت بر بسته بود. مادرش او را به مسجد آورد تا به کاهنان آن که "زکریا" هم جزو آنان بود، تسلیم کند. کاهنان راجع به کفالت مریم با یکدیگر نزاع و گفتگو کردند، تا بالاخره بنا را بر قرعه نهادند و قرعه به خلاصه تاریخ زندگی مریم در قرآن (۹۷)

نام "زکریا" اصابت کرد. زکریا کفالت مریم را به عهده گرفت، و او هم به خدمت مسجد مشغول بود، تا هنگامی که مریم به سن بلوغ رسید. آن زمان زکریا برای مریم حجابی بر پا کرد تا مریم در میان آن مشغول عبادت خداوند شود. جز زکریا کس دیگری داخل آن حجاب نمی‌شد. هر وقت زکریا وارد محراب مریم می‌شد، رزق حاضری در محراب او می‌دید، از او پرسید: ای مریم این روزی از کجاست؟ مریم گفت: از نزد خدائی است که بدون حساب به هر که خواهد روزی بخشد!

مریم علیهاالسلام "صدیقه" و "معصومه" و "طاهره" و "برگزیده" بود.

او "محدثه" ای است که ملائکه با او سخن گفتند و به او خبر دادند که:

«خدا وی را برگزیده و پاکیزه نموده، و از عبادت کاران قرار داده، و او را برای جهانیان از آیات و نشانه‌های خود مقرر داشته است.»

(۹۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سپس خدای متعال "روح" را به سوی مریم - در حالی که در حجاب مستور بود - فرستاد. "روح" به صورت بشر کاملی برای مریم مجسم شد، و به او گفت: من فرستاده پروردگار توام، و برای بخشیدن پسری که پدر ندارد به اذن الهی به سوی تو آمده‌ام. به او بشارت داد که به زودی از فرزندش معجزات باهره‌ای ظاهر خواهد شد، و خداوند او را به "روح القدس" تأیید می‌کند. و هم‌چنین "کتاب و حکمت و تورات و انجیل" را به او می‌آموزد، و او را با آیات و نشانه‌های آشکار به سوی "بنی اسرائیل" خواهد فرستاد.

"روح" داستان عیسی را برای مریم گفت و سپس در او "دمید" و مریم در حال مانند سایر زنانی که حامله می‌شوند، به فرزند خود حامله شد.

مریم در مکانی دور خلوت گزید، و چون او را درد زائیدن فرارسید زیر شاخ درخت خرمائی رفت و از شدت حزن و اندوه با خود می‌گفت: کاش پیش از این مرده بودم، و از خلاصه تاریخ زندگی مریم در قرآن (۹۹)

صفحه دل‌ها نامم فراموش شده بود. در آن حال (روح القدس یا فرزندش عیسی) او را ندا داد: غمگین مباش که خدا از زیر قدمت چشمه آبی جاری نمود، و تو خود تنه درخت راتکان بده تا از آن برایت رطب تازه فرو ریزد. از این رطب تناول کن و از آن چشمه بیاشام، و چشم خود به "عیسی" روشن دار، و اگر از جنس بشر کسی را دیدی به "اشاره" به او بگو: من برای خدا نذر "روزه سکوت" کرده‌ام، و با هیچ کس تا روزه هستم سخن نمی‌گویم!

مریم فرزند خود را گرفته و به سوی قومش روان شد. (موضوع "حمل" و "بارنهادن" و "سخن گفتن" و سایر شئون وجودی او، تماما از سنخ آن‌چه نزد دیگران یافت می‌شود، بوده است.) چون قومش او را بدان حال دیدند مشغول طعن و سرزنش او شدند و گفتند: ای مریم عجب کار منکر و شگفت‌آوری کردی! ای خواهر هارون تو را نه پدر ناصالح و

(۱۰۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
 نه مادر بدکار بود، (که خودت چنین کاری را مرتکب شدی؟!)
 مریم پاسخ آنان را به اشاره حواله طفل کرد. آن‌ها گفتند:
 - ما چگونه با طفل گهواره‌ای سخن گوئیم؟
 طفل به امر خدا به زبان آمد و گفت:

- من بنده خاص خدایم، که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطاء فرموده است، من هر کجا که باشم، مرا مبارک گردانیده، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش نموده، و هم‌چنین به نیکوئی با مادرم توصیه فرموده، و مرا ستم کار و شقی نگردانیده است. روز ولادت و مرگ و هم‌چنین روزی که برانگیخته شوم، سلام و درود حق بر من است! این جملات خود اشاره‌ای بود به آینده عیسی که علیه بیدادگری‌ها و ستم‌کاری‌ها قیام می‌کند، و برای زنده کردن دین موسی و از بین بردن کجی‌ها که در آن پدید آمده و

خلاصه تاریخ زندگی مریم در قرآن (۱۰۱)

تجدید معارف و حقایقش و برافکندن اختلافات و مشاجرات، به پا می‌خیزد.

عیسی رشد و نمو کرد تا به سن جوانی رسید. او و مادرش مریم هر دو روی عادت جاری در زندگی بشر - از خوردن و آشامیدن و سایر عوارض وجودی - تا آخر عمرشان زندگی می‌کردند.
 سپس عیسی مبعوث به رسالت شد.

(جزئیات زندگی عیسی علیه‌السلام بعد از رسیدن به رسالت را در مباحث بعدی خواهیم آورد.) (۱)

شرح ولادت حضرت مریم در قرآن

۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۴۷.

(۱۰۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«اذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا!»
 «یاد کن زمانی را که زوجه عمران گفت:

- پروردگارا عهد کردم فرزندی را که در رحم دارم در راه تو آزاد گردانم!

- نذر مرا بپذیر! که تو دعای بندگان بشنوی و به اسرار و احوال همه آگاهی! چون فرزند بزاد، از روی حسرت گفت:

- پروردگارا! فرزندی که زاده‌ام دختر است!؟

خدا به آن‌چه زائیده داناتر است،

و می‌داند که چه حکمت‌ها در وجود آن دختر نهان است!؟

و پسری که او می‌خواست مثل این دختر نیست.

شرح ولادت حضرت مریم در قرآن (۱۰۳)

سپس زن عمران گفت:

- من این دختر را "مریم" نام نهادم!

و "او" و "فرزندش" را از شر شیطان رجیم در پناه تو آوردم!

پس خداوند او را به نیکوئی پذیرفت،

و او را به ترتیبی نیکو پرورش داد...» (۳۵ / آل عمران)

پدر و مادر مریم

اولین عبارتی که "همسر عمران" بیان کرد - پروردگارا عهد کردم فرزندی را که در رحم دارم در راه تو آزاد گردانم! دلالت دارد که آن سخن را زمانی گفته که حامله بوده،

(۱۰۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

و حملش هم از "عمران" بوده است.

آن سخن اشعاری بر وفات "عمران" و رحلت او دارد، زیرا اگر "عمران" در قید حیات بود، زوجه‌اش چنین استقلالی در آزاد نمودن بچه داخل شکمش را نداشت. دلیل دیگر بر وفات "عمران" قبل از تولد "مریم" مطلبی است که قرآن کریم می‌فرماید: «زمانی برای کفالت مریم قرعه می‌کشیدند...» نشان می‌دهد که مریم قبل از تولد خود پدرش را از دست داده بود و نیاز به کفالت داشت.

در قرآن مجید اسم پدر مریم "عمران" در چند جا ذکر شده و اسم مادر او را روایات اسلامی "حئه" و برخی آن را "مرثار" ذکر کرده‌اند. بر اساس این روایات "عمران" پیغمبری بوده که به قوم خود مبعوث شده بود.

پدر و مادر مریم (۱۰۵)

مفهوم "آزاد ساختن"

در عصر تولد مریم، وقتی پدر و مادری فرزند خود را "آزاد" می‌کرد، بدین معنی نبود که او را از قید بندگی آزاد می‌کردند بلکه منظور آزاد نمودن از "قید سرپرستی و ولایت خود پدر و مادر" بود که نسبت به اولاد خود داشتند.

پس او را به واسطه "تحریر و آزاد سازی" از تحت ولایت خود خارج می‌کردند. این آزادگی اگر برای خدا بود به معنی این بود که او را تحت ولایت خداوندی وارد می‌کردند، یعنی او را مخصوص بندگی و پرستش خدا و خدمت نمودن کنیسه‌ها و پرستش گاه‌های کردند.

گویند آنان وقتی فرزند خود را در راه خدای تعالی آزاد می‌کردند، دیگر او را در

(۱۰۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

منافع خودشان و ادار به کار نمی‌کردند، و از فرزندان خود استفاده شخصی نمی‌بردند، بلکه آن‌ها به خدمت و تمیز کردن "کنیسه" و امثال آن مشغول می‌شدند. این کار ادامه داشت تا آن که آن‌ها به مرحله بلوغ می‌رسیدند و اختیار با بچه بود که اگر می‌خواست به کار خودش ادامه می‌داد و گرنه از آن دست برداشته و به کاری که دل‌خواه خودش بود، مشغول می‌شد.

چگونه انتظار تولد پسر تبدیل به دختر شد؟

از عبارتی که مادر مریم گفت: - پروردگارا نذر کردم که فرزندی که در رحم دارم در راه تو آزاد گردانم - این نکته نیز برمی‌آید که او به طور قطع عقیده داشت که بچه‌ای که در شکم دارد "پسر" است!

چگونه انتظار تولد پسر تبدیل به دختر شد؟ (۱۰۷)

آیه شریفه سخن زوجه عمران را بدون قید و شرط و تعلیق ذکر فرموده است. از این که خدای متعال سخنی را که "زوجه عمران" از روی قطع به پیشگاه خداوندی عرضه داشته، حکایت فرموده است، روشن می‌شود، که اعتقاد او از روی قرائنی حدسی که

به ذهن مادران - به وسیله تجربه و امثال آن - می‌رسد، نبوده است، زیرا از آن حدسیات جز "گمان" حاصل نخواهد شد، و پرواضح است که کلام الهی از اشمال بر این گونه حدسیات دور می‌باشد.

اعتقادی که زوجه عمران راجع به "پسر بودن" چنین خود داشته از جهتی منتهی به "وحی" بوده است، و لذا پس از وضع حمل و روشن شدن مطلب باز مایوس از "پسر" نشده و با کمال صراحت و قطعیت می‌گوید:

«او و فرزندش را از شر شیطان رجیم در پناه تو می‌آورم!»

(۱۰۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

بدین ترتیب، برای آن دختر "ذریه" ثابت می‌نماید، با این که به حسب ظاهر راهی برای علم و دانائی بدان نبوده است. در این کلام که زوجه عمران بدون هیچ قید و شرطی به خداوند متعال می‌گوید، (با این که موضوع فرزند پیدا کردن آن دختر داخل در علم غیب و مربوط به آینده بوده)، روشن می‌شود که او به وجهی از روی "وحی" می‌دانست که از "عمران" خدا به او پسری کرامت می‌کند. "عمران" وفات کرد و او از عمران حمل داشت، روی آن حساب قطعیت پیدا کرد که حتما آن‌چه در شکم دارد، همان پسر است، لکن پس از وضع حمل و فهمیدن اشتباه خود، دانست که حتما آن پسر از نسل این دختر است، لذا بدون تردید و قید و شرط برای آن دختر "ذریه" و فرزند ثابت نمود و آن را به خدای متعال سپرد!

این بود آن‌چه که از تدبر در کلام الهی به دست آمد.

چگونه انتظار تولد پسر تبدیل به دختر شد؟ (۱۰۹)

امتیازات مریم علیها السلام

قرآن کریم با عبارت - خدا به آن‌چه زوجه عمران زائیده داناتر است، و پسری که او می‌خواست چون این دختر نیست - از قول خدای تعالی نکات ظریفی را بیان فرموده که شامل امتیازات مریم بر دیگران و حتی بر پسر خود "عیسی" علیها السلام نیز می‌باشد.

آن جا که جمله - خدایا فرزندی که زاده‌ام دختر است؟! زوجه عمران برای اظهار تحسر به پیشگاه خداوندی عرضه داشت، خداوند متعال با فرمودن جمله - خدا داناتر است به آن‌چه او زائیده - می‌خواهد بیان دارد که ما هم می‌دانستیم که او دختر است لکن خواستیم آرزوی او را به وجه احسن و طریق بهتری عملی سازیم، و اگر زوجه

(۱۱۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

عمران منظور ما را در آن قسمت می‌دانست، ابدا اظهار تحسر و حزن نمی‌نمود، با این که پسری که او آرزویش را می‌داشت، ممکن نبود که چون این دختر، و آن‌چه بر وجود او مترتب است، باشد.

زیرا بالاترین چیزی که در حق آن پسر امکان داشت، آن بود که چون عیسی پسری شود که کور مادرزاد را بینا و کر مادرزاد را شنوا سازد، و مرده را زنده نماید.

لکن بر وجود این دختر آثار بالاتر از آن مترتب است:

۱- وجود این دختر وسیله‌ای است که از او پسری بدون پدر به وجود آید،

۲- خود مریم و پسرش دو "آیت" الهی برای جهانیان باشند،

۳- کودک او در گهواره با مردم تکلم کند،

۴- کودک او "روح الله" و "کلمه الله" باشد، و مثل او در نزد خدا مثل آدم شود!

امتیازات مریم (س) (۱۱۱)

این‌ها و سایر آیات و علامات، همان قسمت‌هایی است که بر وجود این دختر و فرزند مبارکش "عیسی علیه‌السلام" مترتب شده است.

نام‌گذاری مریم

"مریم" در لغت عبری به معنی "عابده و خادمه" است. از این جا روشن می‌شود که به چه دلیل زوجه عمران اسم دختر خودش را مریم گذاشت.

او وقتی وضع حمل نمود، و از پسر بودن حمل خود مأیوس شد. فوراً این نام را به دختر نوزاد خود نهاد، تا او را به کاری که از پسر انتظار داشت، وادارد. پس جمله «إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ» (۳۶ / آل عمران) به منزله آن است که گفته باشد من (۱۱۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

دختر خود را "محرره" نمودم، یعنی نذر کردم که این دختر را در راه خدا آزاد نمایم، که به عبادت و بندگی حق مخصوص شود.

روشن‌ترین دلیلی که می‌رساند سخن او افاده "نذر" می‌کند، عبارت قرآن مجید است که می‌فرماید: «خداوند او را به نیکوئی پذیرفت و او را به تربیتی نیکو پرورش داد.» سپس دختر و ذریه‌اش را به خداوند متعال سپرد تا از شر شیطان در امن و در کار عبادت و خدمت ثابت قدم باشند و اسم با مسمی مطابق باشد.

عبارت اول یعنی: «خداوند او را به نیکوئی پذیرفت»، قبول و پذیرفتن سخن اول زوجه عمران است که گفت: «من او را مریم نام نهادم» و عبارت دوم، یعنی: «او را به پرورش نیکو پرورش داد»، قبول و اجابت نمودن سخن دوم اوست که گفت: «من او و ذریه‌اش را از شر شیطان رجیم، در پناه تو آوردم»، در عبارت اول منظور پذیرفتن و نام‌گذاری مریم (۱۱۳)

قبول کردن خود آن دختر یعنی "مریم" می‌باشد، زیرا قرآن نسبت "قبول" را به دختر داده نه به "نذر". بنابراین قبول نمودن "مریم" عبارت است از "إِصْطِفَاء" و اختیار نمودن او، و مراد از «أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (۳۷ / آل عمران) بخشیدن رشد و طهارت به او و ذریه او، و افاضه نمودن یک رقم حیات و زندگی است که وسوسه شیطان در آن راه پیدا نکند، و آن عبارت است از "طهارت"

این دو، یعنی "اصطفاء" و "طهارت" همان است که در آیه شریفه دیگر خداوند متعال می‌فرماید:

«وَأَذَقْنَا لِكُلِّ نَفْسٍ مِمَّا كَسَبَتْ وَاسْطِفَاءً يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفِيكِ وَطَهَّرَكِ...» (۴۲ / آل عمران)

از بیانات بالا روشن می‌شود که "اصطفاء" و برگزیدن مریم، و هم‌چنین "تطهیر" و پاک نمودن او از پلیدی معصیت، هر دو اجابت و پذیرفتن دعای مادر

(۱۱۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

او می‌باشد. چنان که در برگزیدن مریم بر زنان عالم از نظر ولادت عیسی علیه‌السلام از او و آیت شدن این مادر و فرزند برای عالمیان، تصدیق قول خدای تعالی است که می‌فرماید: - پسر مانند دختر نیست! (۱)

زندگی مریم قبل از تولد عیسی علیه‌السلام

«وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا...» (۳۷ / آل عمران)

قرآن مجید دوران اولیه زندگی مریم علیها‌السلام از زمان تولد خودش تا زمان تولد پسرش عیسی علیه‌السلام را، در

چند جمله بیان فرموده است. با همین جمله‌های

۱- المیزان، ج ۵، ص ۳۰۶.

زندگی مریم قبل از تولد عیسی علیه‌السلام (۱۱۵)

کوتاه عظمت و امتیازی را برای این بانو نشان داده که حتی پسرش عیسی علیه‌السلام به آن امتیازات مفتخر نشده است. قسمتی از این مطالب را در مورد "نام‌گذاری" و "امتیازات مریم" ذکر کردیم. اینک آن قسمت از زندگی این بانوی عظیم الشان را که در آیات فوق بدان اشاره شده، شرح می‌دهیم، و خاطر نشان می‌سازیم که از زندگی مریم بعد از تولد عیسی علیه‌السلام در قرآن ذکری نرفته است، زیرا آنچه لازمه ذکر این تاریخ ممتاز حیات بشری است، در همان حیات قبل از تولد و زمان تولد فرزند گرانمایه‌اش، نهفته است.

آیات قرآنی در این سوره در این زمینه به شرح زیر است:

«- پس خداوند او را به نیکوئی پذیرفت،

و او را به تربیتی نیکو پرورش داد.

(۱۱۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

زکریا او را کفالت کرد.

هر وقت زکریا وارد محراب عبادت مریم می‌شد نزد او رزق شگفت‌آوری می‌یافت. گفت:

- ای مریم این روزی از کجا به تو می‌رسد؟ پاسخ داد:

- از جانب خداست! که خداوند به هر که خواهد روزی بی‌حساب دهد!

مراد از "تربیتی نیکو" که خداوند با عبارت «وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» از آن یاد می‌کند، بخشیدن رشد و "طهارت" به او ذریه او، و افاضه نمودن یک نوع زندگی است که وسوسه شیطان در آن راه پیدا نکند... و "پذیرفتن به نیکوئی" همانا "إِضْطِفَاءً" و برگزیدن و انتخاب نمودن او بوده که در قرآن کریم از آن با عبارت «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ» (۳۷ / آل عمران) یاد می‌کند. زندگی مریم قبل از تولد عیسی علیه‌السلام (۱۱۷)

زندگی مریم تحت تکفل زکریا علیه‌السلام

از آیه زیر استفاده می‌شود که کفالت "زکریا" از مریم به واسطه اصابت نمودن قرعه به نام او بوده است:

«تو حاضر نبودی زمانی که آنان برای کفالت و نگهداری مریم قرعه می‌کشیدند؟ و نبودی که چگونه با یکدیگر مخاصمه می‌کردند؟»

آنان در موضوع تکفل و نگهداری مریم با یکدیگر مخاصمه کردند تا آن که بنا را به قرعه کشیدن گذاشتند و قرعه به نام "زکریا" اصابت نمود.

در روایات اسلامی آمده که: «مریم طبق نذر مادرش آزاد شده بود. آن زمان رسم بر این بود که فرزندی که آزاد می‌شد در "کنیسه" یعنی کلیسا بود و از آن خارج نمی‌شد. و

(۱۱۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

همین بود که زوجه عمران پس از وضع حمل گفت: خدایا فرزند من دختر است، و پسر چون دختر نیست، زیرا دختر وقتی حائض می‌شود از مسجد بیرون می‌آید... .

زوجه عمران فرزندش را نذر کنیسه نمود تا در آن جا خدمت "عابدان" را نماید... مریم خدمت آن‌ها را می‌کرد تا به سن بلوغ

رسید، در آن هنگام زکریا دستور داد تا برایش حجابی قرار دادند تا از "عابدان" جدا شود....»
(نقل از امام باقر و صادق علیه‌السلام در تفسیر عیاشی و قمی)

محراب عبادت مریم، محل نزول مائده آسمانی

روایات اسلامی چنین نقل می‌کنند که:

محراب عبادت مریم، محل نزول مائده آسمانی (۱۱۹)

«چون مریم بالغ شد به محراب رفت و حجابی بر خود انداخت، دیگر کسی او را نمی‌دید. زکریا به محرابش وارد می‌شد و در نزد او میوه تابستانی را در زمستان و میوه زمستانی را در تابستان می‌دید، به او گفت:

– ای مریم این از کجاست؟

مریم گفت:

– از نزد خداست! خدا به هر که خواهد روزی بی حساب دهد.»

(نقل از امام باقر و صادق علیه‌السلام در تفسیر عیاشی و قمی)

ذکر عبارت "رِزْقًا" در قرآن مجید (به صورت نکره) دلیل بر آن است که آن "رزق" رزق غیر معهودی بوده است. چنان که در روایات دیدیم زکریا نزد مریم میوه تابستانی

(۱۲۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

را در زمستان و میوه زمستانی را در تابستان می‌دید، اگر این رزق یک رزق معمولی بود قطعاً زکریا به جوابی که مریم به او داد و گفت "این از نزد خداست" فناعت نمی‌کرد، زیرا ممکن بود که آن را برخی از مردمی که به مسجد می‌آمدند برایش آورده باشند.

علاوه بر این، آیه شریفه بعدی دلالت دارد بر این که زکریا وجود آن رزق را در نزد مریم از کرامات الهی و خارق عادت تلقی کرده بود، لذا از خدای تعالی برای خودش نیز درخواست ذریه طیبه‌ای نمود که مقامش چون مقام مریم باشد. ضمناً از سیاق آیه فهمیده می‌شود که زکریا آن پرسش را از مریم بیش از یک بار ننموده است، و به همان جوابی که از او شنیده قانع شد و یقین به صدق گفتارش پیدا کرد.

جائی که مریم در کلیسا اتخاذ کرده بود، یعنی "محراب" همان است که اهل کتاب به آن "مذبح" گویند، و آن "مقصوره" یعنی خانه کوچکی است که در مقدم معبدشان درست

محراب عبادت مریم، محل نزول مائده آسمانی (۱۲۱)

می‌کنند، و دارای دری است که به وسیله نردبان کوچکی وارد آن می‌شوند. کسی که در آن باشد اهالی میان معبد او را نمی‌بینند. (۱)

مریم، مادر عیسی علیه‌السلام

«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ...» (۱۶ تا ۴۰ / مریم)

سوره مریم با ذکر جریان‌های مهم زندگی دو تن از پیامبران بزرگ

۱- المیزان، ج ۵، ص ۳۱۲.

(۱۲۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

بنی اسرائیل، یعنی زکریا و یحیی علیه‌السلام آغاز شده و سپس شرح روزگاری را می‌دهد که مریم علیها‌السلام از اهل خود کناره می‌گیرد و در مکان شرقی اعتزال می‌جوید و سپس به عیسی علیه‌السلام حامله می‌شود، و عیسی متولد می‌شود. میان دو داستان تولد یحیی و عیسی علیه‌السلام شباهت تمامی هست، چون ولادت هر دو بزرگوار به طور خارق‌العاده صورت گرفته است، و این هر دو در کودکی حکم و نبوت داده شدند، آن یکی خبر داد که مأمور به احسان به مادر شده و جبار و شقی نیست، و برخود در روز ولادتش و روز مرگش و روز مبعوث شدنش سلام داده است، این یکی نیز همین مطالب را گفته و قرآن هم از آن دو نقل کرده است. شباهت‌های دیگری نیز آن دو داشته‌اند.

یحیی علیه‌السلام نبوت عیسی علیه‌السلام را تصدیق کرده و به او ایمان آورده است. در این مریم، مادر عیسی علیه‌السلام (۱۲۳)

سوره خداوند سبحان به رسول گرامی خود حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:
«ای محمد!

در این کتاب ذکر کن: داستان مریم را در آن زمان که از مردم اهل خود کناره گرفت و در مکان شرقی (که گویا همان سمت شرقی مسجد باشد)، اعتزال جست. مریم در مقابل آنان حجابی آویخت، پس ما روح خود نزد او فرستادیم که به صورت انسانی تمام عیار بر او مجسم گشت.»
از این آیه چنین برمی‌آید که گویا مریم خود را از اهل خویش پوشیده داشت تا قلبش فارغ‌تر برای اعتکاف و عبادت باشد. این مطلب را آیه دیگر تأکید می‌کند که می‌فرماید: «هر وقت که زکریا وارد محراب او می‌شد می‌دید نزد او رزقی هست.»
روحی که به سوی مریم فرستاده شده بود به صورت بشر مثل شد.

(۱۲۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

معنای تمثیل و تجسم به صورت بشر این است که در حواس بینائی مریم به این صورت محسوس شود، و گرنه در واقع باز همان روح است نه بشر!

روحی که به سوی مریم فرستاده شده بود از جنس بشر و جن نبود بلکه از جنس ملک و نوع سوم مخلوقات صاحب شعور بود که خدا او را در کتابش وصف نموده و "ملک" نامیده است. آن فردی را که مأمور وحی است "جبرئیل" خوانده است. و جای دیگر قرآن او را روح "رُوحُ الْقُدُسُ یا رُوحُ الْأَمِين" خوانده، و در یک جا نیز او را "رسول" نامیده است. لذا از همه این‌ها می‌توان فهمید که آن روحی که برای مریم مجسم شد همان "جبرئیل" بوده است. اگر در آیه فوق روح را به خدا نسبت داده و فرموده: "روح ما" به منظور تشریف و احترام بوده است.

مریم، مادر عیسی علیه‌السلام (۱۲۵)

کلمه "تمثیل" در قرآن کریم جز در داستان مریم در جای دیگر نیامده است، و آیت بعدی که در آن جبرئیل خود را برای مریم معرفی می‌کند بهترین شاهد است بر این که وی در همان حال هم که به صورت بشر مجسم شده بود، باز فرشته بود، نه این که بشر شده باشد، بلکه فرشته‌ای بود به صورت بشر و مریم او را به صورت بشر دید، یعنی در حاسه و ادراک مریم به آن صورت محسوس شد، ولی در خارج از ادراک وی صورتی غیر صورت بشر داشت.

برخورد اولیه مریم با فرشته وحی و رسول پروردگار

مریم همین که ملک را بدید بترسید و گفت:

(۱۲۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- اگر مردی پرهیزکاری من از سوء قصد تو به خدای رحمان پناه می‌برم! مریم علیها السلام از شدت وحشتی که از حضور جبرئیل عارضش شده بود مبادرت به سخن کرد. او خیال می‌کرد که وی بشری است که به قصد سوء بدان جا وارد شده است، لذا خود را به پناه رحمان سپرد تا رحمت عام الهی را که هدف نهائی منقطعین عباد است متوجه خود سازد!

و اگر این پناهندگی خود را مشروط به تقوای طرف نمود بدین دلیل بود که هر انسانی کراهت دارد از این که وصف جمیل تقوی را از خود نفی کند و بر هر انسانی گران است که به نداشتن آن اعتراف نماید! مریم نیز خواست بگوید که اگر تو تقوی داشته باشی من از تو به رحمن پناه می‌برم، و چون باید با تقوی باشی، پس همان تقوایت باید تو را از سوء قصد به من و متعرض من شدت باز دارد!

برخورد اولیه مریم بافرشته وحی و رسول پروردگار (۱۲۷)

روح به مریم جواب داد:

- من رسول پروردگار تو هستم،

تا فرزند شایسته‌ای را به تو عطا نمایم!

(از لطافت هائی که در سوره مریم در نقل داستان‌های زکریا و مریم و ابراهیم و موسی به کار رفته، همه جا فرموده: «وَهَبْ» یعنی یحیی را به زکریا، عیسی را به مریم، اسحاق و یعقوب را به ابراهیم، و هارون را به موسی "عطا" کردیم!)
مریم گفت:

- چگونه برای من فرزندی آید که قبل از این با هیچ مردی نیامیخته‌ام، نه از راه حلال و ازدواج و نه از راه حرام!؟
سیاق آیه این معنا را می‌رساند که مریم از کلام جبرئیل که گفت:

(۱۲۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«تا به تو پسری ببخشم!» فهمیده بود که این پسر را در همین حالا می‌بخشد، و لذا گفت: «هیچ بشری با من تماس نگرفته و زناکار هم نبوده‌ام!» و در این جمله فهماند که فرزنددار شدن من در الان منوط به این است که چند ماه قبل از نکاح و یا نصاحی صورت گرفته باشد، و حال این که نگرفته است:

روح بدو گفت: - مطلب از همین قرار است، که به تو گفتم!

پروردگارت گفته: که آن برای من آسان است،

تا آن را برای مردم از جانب خویش آیتی و رحمتی کنیم،

و کاری است مقرر شده!

این جمله، بدین وسیله، بعضی از اغراض خلقت مسیح علیه السلام را به این طرز خارق العاده خاطر نشان می‌سازد، و معنایش این است که ما او را با نفخ روح، و بدون پدر، به خاطر

برخورد اولیه مریم بافرشته وحی و رسول پروردگار (۱۲۹)

این منظور، خلق کردیم، و نیز به خاطر این که آیتی باشد برای مردم، و رحمتی باشد از ما، با خلقتش آیتی باشد، و با رسالتش و معجزاتش رحمتی!

این تعبیرها اشاره به این معناست که غرض‌های الهی اموری نیست که فهم بشر بدان احاطه یابد و الفاظ گنجایش همه آن‌ها را داشته باشد.

«وَ كَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا - کاری است مقرر شده!» (۲۱ / مریم)

این عبارت اشاره به حتمی بودن قضائی است که خدا درباره ولادت این غلام زکی رانده، و دیگر نه امتناع مریم جلو آن را می‌گیرد و نه دعایش!

باردار شدن مریم

(۱۳۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
سپس قرآن کریم بیان می‌کند که:
«مریم باردار شد به فرزند،
پس انفراد و اعتزال جست،
و او را به محل دوری از خانواده‌اش برد.»

بعد از آن که از اهل خود اعتزال جست و به محل دوری آمد، درد زائیدن او را مجبور نمود، و به کنار تنه درخت خرمائی آمد تا در آن جا حمل خود را بزاید، (از این که تعبیر به تنه درخت کرد نه خود درخت، فهمیده می‌شود که درخت مزبور خشکیده بود.)
مریم از خجالتش و شرم از مردم گفت: - ای کاش قبل از این مرده بودم و چیزی غیرقابل اعتنا بودم، و فراموش می‌شدم، تا مردم درباره حرف نمی‌زدند، که به زودی خواهند زد.
باردار شدن مریم (۱۳۱)

به سخن در آمدن عیسی نوزاد

«فَنَادِيهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي!» (۲۴ / مریم)
«عیسی نوزاد از طرف پائین مریم را ندا داد که غم مخور!
که پروردگارت جلوی تو نهی جاری ساخت،
تنه درخت را به سوی خود تکان بده که خرماي تازه بر تو افکند،
بخور و بنوش، و چشمت را روشن دار!
اگر از آدمیان کسی را دیدی، بگو!
- من برای خدا روزه (کلام) نذر کرده‌ام،
و امروز با بشری سخن نکنم!»
(۱۳۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

عبارت "غم مخور" تسلیتی است به مادرش، از آن اندوه و غم شدیدی که به وی دست داده بود. آری برای زنی عابد و زاهد هیچ مصیبتی تلخ‌تر و سخت‌تر از این نیست که او را در ناموسش متهم کنند، آن هم زنی باکره، آن هم از خاندانی که در گذشته و حال معروف به عفت و پاکی است، و مخصوصاً تهمتی که بچسبد، و هیچ راهی برای انکار نباشد، بلکه حجت و دلیل همه در دست خصم باشد، لذا عیسی علیه‌السلام به اشاره سفارش کرد که با احدی حرف نزن و در مقام دفاع برنیا، چون حجت خصم آن قدر سست نبود که چیزی بتواند آن را دفع کند.

یکی از معجزات تولد عیسی در عبارت "تنه درخت را به سوی خود تکان بده که خرماي تازه بر تو افکند"، می‌باشد، که در آن تکان دادن را به ساقه درخت، و خرما
به سخن در آمدن عیسی نوزاد (۱۳۳)

ریختن را به نخله نسبت داده است. و این خود خالی از اشعار به این نکته نیست که نخله خشک بوده، و در همان ساعت سبز شده و برگ و بار آورده و رطب داده است که خرما می‌پخته و رسیده از آن ریخته است. عیسی علیه‌السلام به مادرش چشم روشنی می‌دهد و می‌گوید:

- از رطب تازه بخور، و از جوی آبی که زیر پایت جاری شده بیاشام، و بدون این که اندوهی به خود راه دهی، خوشنود باش!

(اگر عیسی علیه‌السلام مادرش را به خوردن و آشامیدن سفارش کرد بدین جهت بوده که این دو از نشانه‌های مسرت و خوشوقتی است، و کسی که گرفتار مصیبت است دیگر نمی‌تواند از غذای لذیذ و آب گوارا لذت ببرد، و مصیبت شاغل او از این کارهاست.)

عیسی گفت:

(۱۳۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- اما این که می‌ترسی مردم به تو تهمت بزنند و از تو بازخواست کنند که این فرزند را از کجا آورده‌ای، در پاسخ آن‌ها سکوت کن و با احدی حرف مزن، و من جوابشان را می‌دهم!
(در آن دوره روزه سکوت مرسوم بوده است و مریم نیز این را پذیرفت.)

مریم در مقابل تهمت مردم

مریم مولود را در بغل گرفته بود و نزد کسان خود آورد.

گفتند: - ای مریم حقا که چیزی شگفت‌انگیز آورده‌ای!؟

ای خواهر هارون! آخر پدرت مرد بدی نبود و مادرت زناکار نبود!

مریم در مقابل تهمت مردم (۱۳۵)

مریم به مولود اشاره کرد:

گفتند: - چگونه با کسی که در گهواره و نوزاد است، سخن کنیم؟

در این جا عکس‌العمل مردم را نشان می‌دهد که به مریم می‌گویند چیز نوظهور و عظیمی آورده‌ای؟ مردم در نظر خود کار مریم را تقبیح می‌کردند و منشأ آن همان امر عجیبی است که با آن سابقه زهد و محجوبی، از مریم دختر عمران و آل هارون قدیس مشاهده کردند.

(این هارون که قرآن کریم از او اسم می‌برد و مردم مریم را "خواهر هارون" می‌خوانند به قولی مردی صالح در بین بنی اسرائیل بوده که هر صالح دیگری را به او نسبت می‌دادند، و به قول دیگر، مریم برادر تنی پدری داشته به نام هارون.

دو قول دیگر نیز گفته‌اند که مراد به او همان هارون برادر موسی علیه‌السلام

(۱۳۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

است، و این نامیدن صرف انتساب بوده است، نه خواهر واقعی، و قول آخر این که مردی در آن زمان بوده که معروف به فساد و زنا بوده است.)

ولی مریم هم‌چنان که عیسی به او یاد داده بود، مردم را اشاره به عیسی کرد تا جواب خود را از او بگیرند، و او حقیقت امر را برایشان روشن نماید. مردم نیز تعجب زده پرسیدند: چگونه با کودکی که در گهواره است یعنی واقعا کودک و نوزاد

است گفتگو کنیم!؟

گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود

در این جا عیسی نوزاد به پاسخ در می آید و بدون این که متعرض مسئله ولادت

گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود (۱۳۷)

خود شود، سخن خود را با عبارت:

«أَنتِ عَبْدُ اللَّهِ - منم بنده خدا!»

آغاز می کند، تا به عبودیت خود برای خدا اعتراف کند و از غلو غلو کنندگان جلوگیری نماید، و حجت را بر آنان تمام سازد.

با این که مشکل مردم مسئله تولد او بود آن جناب بدان جهت به آن موضوع اشاره نکرد که سخن گفتن مولود خود معجزه است، و معجزه‌ای که هر چه بگوید جای تردیدی نمی گذارد در این که حق است. در آخر کلامش بر خود سلام کرد یعنی بر نزاهت و ایمنی خود از هر قذارت و خباثتی شهادت داد و از پاکی و طهارت مولود خبر داد:

«گفت:

- من بنده خدایم!

(۱۳۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

مرا کتاب داده،

و پیغمبر کرده است،

هر جا که باشم بابرکتتم کرده است،

و به نماز و زکات، مادام که زنده باشم، سفارش فرموده است،

نسبت به مادرم نیکوکارم کرده، و گردن کش و نافرمان نکرده است،

سلام بر من روزی که تولد یافته‌ام و روزی که بمیرم،

و روزی که زنده برانگیخته شوم!»

عیسی در این آیات، اول از " کتاب " دادن خدا به خود خبر داد که ظاهراً همان انجیل است، و سپس به " نبوت " خود تأیید کرد.

(عیسی علیه السلام در آن روز فقط نبی بوده که نبوتش در همان روز به او داده شده بود و بعدها خداوند سبحان او را به رسالت برگزید.)

گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود (۱۳۹)

آن گاه عیسی ادامه داد که: «من هر جا که باشم خدای تعالی آن جا را با برکت کرده است.» معنای مبارک بودنش، هر جا که باشد، این است که محل برای هر برکتی باشد. برکت به معنای نمو خیر است، یعنی او برای مردم بسیار منافع دارد و علم نافع به ایشان می آموزد، و به عمل صالحشان دعوت می کند، و به ادبی پاکیزه تربیتشان می کند، و کور و پیس را شفا می دهد، و اقویا را اصلاح و ضعف را تقویت و یاری می نماید.

عبارت «أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ» (۳۱ / مریم) اشاره به این است که در شریعت او نماز و زکات تشریح شده است. نماز عبارت است از: توجه بندگی مخصوص به سوی خدای سبحان. زکات عبارت است از: «انفاق مالی» و این دو حکم در بیست و

(۱۴۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

چندجای قرآن مجید قرین هم ذکر شده است.

عیسی علیه‌السلام در سه موطن تکون و هستی‌اش به خودش سلام کرده است. بر یحیی نیز در این موطن سلام شده است، ولی سلام عیسی دلالت بر نوعی سلام خاص ندارد و سلام عمومی است. در داستان یحیی علیه‌السلام سلام کننده خدای سبحان بود، ولی در این داستان خود عیسی بوده است.

«ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ!» (۳۴ / مریم)

این جا اشاره به سراپای داستانی است که قرآن کریم از سرگذشت و اوصاف عیسی آورده است، و می‌گوید:

«این شخصی که ما درباره ولادتش سخن گفتیم،

او خود را به عبودیت و نبوت و کتاب معرفی کرد،

گواهی عیسی نوزاد به پیامبری خود (۱۴۱)

همان عیسی بن مریم است!

این همان عیسی بن مریم است که درباره‌اش شک و نزاع می‌کنند،

نشاید که خداوند فرزندی بگیرد!

او منزله است، چون کاری را اراده فرماید،

فقط به او گوید: باش! و وجود یابد!

خدای یک‌تا پروردگار من و پروردگار شماست!

او را بپرستید! راه راست این است!

در این آیات گفتار نصاری راجع به فرزند بودن مسیح برای خدا ابطال و نفی شده است. (۱)

۱- المیزان، ج ۲۷، ص ۵۱.

(۱۴۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

دیدار و گفتگوی مریم با ملک

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ...»

«آن‌گاه که فرشتگان گفتند:

— ای مریم...» (۴۲ / آل عمران)

آیه شریفه فوق در قرآن مجید دلالت بر آن دارد که مریم علیها‌السلام «محدّثه» بوده است، یعنی «کلام ملائکه» را می‌شنیده است. در سوره مریم در همین قسمت، گوینده کلام با مریم «روح» نامیده شده است، و گفتگوی زیر بین آنان در قرآن مجید نقل شده است:

دیدار و گفتگوی مریم با ملک (۱۴۳)

«گفت:

— من رسول پروردگارت هستم که برای بخشیدن فرزندی پاک به سوی تو نازل شده‌ام!

مریم گفت:

— کجا مرا پسری پدید آید با آن که دست بشری به من نرسیده است،

و من کار ناشایسته‌ای نکرده‌ام؟! »

روح القدس گفت:

- این کار خواهد شد!

پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است!

همان گونه که ملاحظه می‌شود، مریم علاوه بر شنیدن صدای

(۱۴۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

روح القدس با او صحبت نیز کرده است.

از آیه شریفه زیر در سوره مریم نیز برمی‌آید که مریم علاوه بر گفتگو با ملک، خود آن را هم مشاهده نموده است.

قرآن مجید چگونگی این رؤیت را بدین شرح بیان می‌فرماید:

«پس، ما روح خود را بر او فرستادیم،

که به صورت بشر کاملی برای او متمثل گردید.»

وظایف و مقامات مریم علیها السلام

قبل از نقل واقعه تولد عیسی علیه السلام در قرآن مجید، خداوند متعال

وظایف و مقامات مریم (۱۴۵)

مقام و وظایف مریم را از طرق ملائکه به شرح زیر به او تذکر می‌دهد:

«آن گاه که فرشتگان گفتند:

ای مریم!

- خدای تعالی تو را برگزید!

- پاکیزه گردانید!

- و بر زنان جهان برتری بخشید!

ای مریم!

- ملازم اطاعت خدایت باش!

- سجده نما!

- و نماز را با اهل طاعت به جای آر!

(۱۴۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

ملائکه با این بیان، اخباری را که به مریم داده‌اند، مقام و منزلت و وظایف او را در قبال خدای تعالی شرح داده‌اند:

"برگزیدن" عبارت از قبول نمودن او برای عبادت است.

"تطهیر" عبارت از داشتن عصمت، و معصومه بودن اوست.

برگزیدن و اصطفا و اختیار نمودن مریم بر زنان عالم، تقدیمی است که او بر آنان پیدا کرده است. اینک در مقابل، این سؤال پیش

می‌آید که "آیا تقدم مریم بر زنان جهان در جمیع جهات بوده یا در بعضی آن"؟ آنچه از آیات مربوط به ولادت حضرت عیسی

ظاهر می‌شود، این "تقدم" در شأن عجیبی است، که راجع به ولادت عیسی علیه السلام نصیب او شده است، زیرا آیات

مزبور از موضوعات راجع به زنان، غیر از آن قسمت و مطلب را ذکر نکرده است.

وظایف و مقامات مریم (۱۴۷)

اما موضوعات دیگری که در ضمن آیات مربوطه ذکر گردیده، مانند: پاک بودن، تصدیق کلمات الهی و کتب آسمانی، و هم‌چنین محدثه بودن و غیره، اموری است که اختصاصی به مریم ندارد بلکه برای غیر او هم پیدا شده است. این که می‌گویند، مریم بر زنان جهان عصر خود تقدم پیدا کرده بود، مطلق بودن آیه آن را دفع می‌کند. اما، وظایف مریم را در قبال این مقام و درجه‌ای که از طرف الهی اعطاء شده، آیات چنین شرح می‌کنند:

«ای مریم!

اکنون که خدا چنین مقامی به تو کرامت کرده است،

تو هم "قنوت" و "سجده" و "رکوع" برای خداوند را ترک مکن!

(۱۴۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

بعید نیست که هر یک از این سه نحوه عمل به ترتیب در برابر یکی از آن سه منزلتی است که خدایش ارزانی داشته است. یعنی:

- چون خدایت برگزید، ملازم عبودیت و بندگی او باش!

- و چون تو را پاک گردانید، سجده‌اش کن!

- و چون بر زنان جهان برتری دادت، باراکعان رکوعش کن! (۱)

مریم، و نام و ذکر او در قرآن

«وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا...»

(۱۲/ تحریم)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۳.

مریم، و نام و ذکر او در قرآن (۱۴۹)

از زنانی که خداوند سبحان در قرآن شریف مثل می‌زند، به خاطر ایمان خالص‌شان به خدا و رسول و قنوتشان و حسن اطاعتشان، در تاریخ، دو زن هستند: یکی آسیه زن فرعون، و دومی مریم دختر عمران.

مریم "صدیقه و قانته" بود، که خدا به کرامت خود گرامی‌اش داشت، و از روح خود در او دمید:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا...» (۱۱ / تحریم)

«مریم است دختر عمران که بانوئی پاک بود،

ما در رحم او از روح خود بدمیدیم،

و او کلمات پروردگار خود را،

(۱۵۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

و کتب او را تصدیق داشت،

و از خاشعان بود!

در خصوص مریم علیها السلام می‌بینیم که به نام مبارکش در آیه فوق تصریح فرموده است. اصولاً در قرآن کریم جز "مریم" نام هیچ زنی برده نشده است، و تنها آن صدیقه قانته است که در حدود بیست و چند سوره و در سی و چند آیه نام او را برده است.

خداوند سبحان مریم را به خاطر عفتش می‌ستاید و می‌فرماید:

«الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا!» (۹۱ / انبیاء)

ستایش مریم علیهاالسلام در قرآن مکرر آمده است، و شاید این به خاطر رفتار ناپسندی باشد که یهودیان نسبت به آن جناب روا داشته‌اند، و تهمت‌هایی باشد که به وی زده‌اند، و قرآن کریم در حکایت آن می‌فرماید:

مریم، و نام و ذکر او در قرآن (۱۵۱)

«وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا!» (نساء / ۱۵۶)

سپس، قرآن مجید از تصدیق او به کلمات پروردگارش ستایش می‌کند و می‌فرماید: «وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا!» (۱۲ / تحریم)

یعنی مریم کلمات پروردگار خود را که به قول بعضی همان وحی انبیاء باشد، تصدیق کرد. بعضی دیگر گفته‌اند که مراد به کلمات خدای تعالی در این جا وعده و تهدید و امر و نهی خداست، ولی این وجه درست نیست زیرا بنا بر این دیگر احتیاج نبود نام کتب خدا را ببرد، چون کتب آسمانی همان وعد و وعید و امر و نهی است.

سپس، قرآن مجید از تصدیق مریم نسبت به کتب الهی یاد و ستایش می‌کند. منظور از کتب الهی همان کتب است که شرایع خدای تعالی در آن‌هاست، شرایعی که از آسمان نازل شده است، مانند: کتاب تورات و انجیل، و در اصطلاح قرآن کریم هم کتب

(۱۵۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

آسمانی همین است، و شاید منظور از تصدیق کلمات پروردگارش و تصدیق کتب الهی این باشد که مریم علیهاالسلام صدیقه بوده است، که در آیه دیگر قرآن (۷۵ / مائده) می‌فرماید:

«مسیح پسر مریم غیر از فرستاده‌ای نبود،

فرستاده‌ای که قبل از او هم فرستادگانی بودند،

و مادرش صدیقه و راست گو بود.»

یکی دیگر از تعریف‌هایی که قرآن مجید از مریم علیهاالسلام می‌فرماید، قانت بودن اوست، یعنی مریم از زمره مردمی بود که مطیع خدا و خاضع در برابر اویند، و دائما بر این حال هستند.

اگر مریم علیهاالسلام را با این که زن بود فردی از قانتین خواند (با این که کلمه قانتین جمع مذکر است)، بدین جهت بود که بیشتر قانتین مردان هستند.

مریم، و نام و ذکر او در قرآن (۱۵۳)

در جای دیگر قرآن (۴۳ / آل عمران) آمده که ملائکه به مریم ندا دادند و گفتند:

«ای مریم! برای پروردگارت قنوت و سجده کن و با راکعان رکوع نما!» در مجمع‌البیان از ابی موسی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که فرمود:

– از مردان بسیاری به حد کمال رسیدند ولی از زنان به جز چهار نفر به حد کمال نرسیدند: اول آن‌ها آسیه زن فرعون بود، دومی مریم دختر عمران، سومی خدیجه دختر خویلد، چهارمی فاطمه دختر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله!

در درمثور این روایت از طریق ابن عباس به نحو دیگر نقل شده که در آن جا از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که افضل زنان اهل بهشت این چهار زن هستند. (۱)

۱- المیزان، ج ۳۸، ص ۳۴۰.

(۱۵۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ...»
(۳۳ / آل عمران)

آیه مبارکه فوق می‌فرماید:

«خدا، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید!»
به حسب ظاهر به نظر می‌رسد که منظور از عمران، همان پدر مریم است، نه پدر آل عمران کیستند؟ (۱۵۵)

موسی علیه‌السلام. چنان که ذکر نمودن داستان "زن عمران" و "مریم دختر عمران" پس از دو آیه فوق‌الذکر در سوره آل عمران در قرآن مجید اشعار به آن دارد.

در قرآن شریف چند جا که نام "عمران" برده شده، همه‌اش منظور "عمران پدر مریم" است ولی حتی در یک مورد هم صراحتاً نام "عمران پدر موسی" ذکر نگردیده است.

این‌ها خود مؤید این است که: مقصود از "آل عمران" عبارتند از "مریم" و "عیسی" و یا آن دو با "زوجه عمران."

(اما این که گفته می‌شود، نصاری معترف به این که پدر مریم "عمران" باشد، نشده‌اند، لزومی ندارد که قرآن شریف تابع هوس‌ها و گفته‌های بی‌پایه آن‌ها باشد.) (۱)

۱- المیزان، ج ۵، ص ۳۰۳.

(۱۵۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

هدف سوره مریم، و سرگذشت‌های مذکور در آن

«إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِی بَطْنِي مُحَرَّرًا!»
(۳۵ تا ۳۷/آل عمران)

شرح زندگی مریم در سوره مریم از آن جا آغاز می‌شود که زکریا از خدا درخواست فرزندی کرد که از او و از خاندان یعقوب ارث ببرد و خداوند متعال یحیی را به او داد.

هدف کلی سوره مریم، به طوری که در آخرش بدان اشاره شده، عبارت است از بشارت و انذار:

هدف سوره مریم، و سرگذشت‌های مذکور در آن (۱۵۷)

- «این قرآن را به زبان تو جاری ساختیم،

تا پرهیزکاران را نوید دهی و سخت سران را انذار نمائی!»

چیزی که هست این است که همین غرض را در سیاقی بدیع و بسیار جالب ریخته است. نخست به داستان زکریا و یحیی، قصه مریم و عیسی، سرگذشت ابراهیم و اسحاق و یعقوب، ماجرای موسی و هارون، داستان اسماعیل و حکایت ادریس علیهم‌السلام پرداخته و سهمی را که به هر یک از ایشان از نعمت ولایت داده - که یا نبوت بوده و یا صدق و اخلاص - خاطر نشان ساخته، و آن گاه علت این عنایت را چنین تبیین فرموده است که این بزرگواران خصلت‌های برجسته‌ای داشته‌اند، از آن جمله: نسبت به پروردگار خود خاضع و خاشع بودند.

ولی متأسفانه اخلاف ایشان از یاد خدا اعراض نمودند، و به مسئله توجه به

(۱۵۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

پروردگار به کلی بی‌اعتناء شدند، و به جای آن دنبال شهوت را گرفتند، و به همین جهت به زودی حالت "غی" را که همان از دست دادن رشد بوده باشد، دیدار می‌کنند، مگر آن که کسی از ایشان توبه کند و به پروردگار خود بازگشت داشته باشد، که او سرانجام به "اهل نعمت" می‌پیوندد.

سپس نمونه‌هایی از لغزش‌های اهل غی و زورگوئی‌های آنان و آراء خارج از منطق‌شان را از قبیل: نفی معاد، و نسبت داشتن فرزند به خدا دادن، و بت پرستی، و آنچه که از لوازم این لغزش‌هاست از نکبت و عذاب، خاطر نشان می‌سازد. این سوره، مردم را به سه طائفه تقسیم می‌کند:

۱- آن‌هایی که خداوند انعامشان کرد، که یا انبیاء بودند و یا اهل اجتهاد و هدایت، هدف سوره مریم، و سرگذشت‌های مذکور در آن (۱۵۹)

۲- اهل غی، یعنی آن‌هایی که مایه و استعداد رشد خود را از دست دادند،

۳- آن کسانی که توبه نموده و ایمان آوردند، و عمل صالح کردند، که به زودی به اهل نعمت و رشد می‌پیوندند. (۱)

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی

اعتقاد به الوهیت مریم از نیاکان مسیحیت به اخلاف آنان رسیده و اینک در میان آنان مشهور است.

خدای متعال در قرآن شریف می‌فرماید:

۱- المیزان، ج ۵، ص ۳۰۶.

(۱۶۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«ای عیسی!»

آیا توبه مردم گفته‌ای که مرا و مادرم را به غیر از خدا دو معبود دیگر اتخاذ کنید؟»

از برخی از نصاری حکایت کرده‌اند که در قرون گذشته قومی بودند به نام "مریمیه" که معتقد بودند به الوهیت حضرت مریم علیها السلام (نقل از روح المعانی)

این که مسیحیان حضرت مسیح را خدا اتخاذ کرده‌اند در آیات قرآنی به وفور بیان گردیده است، اما پرستش مادر مسیح، در کلیساهای شرقی و غربی بعد از قسطنطنین متفق علیه بوده است. تنها فرقه پروتستان، که پس از چند قرن بعد از اسلام پیدا شده است، این موضوع را انکار کرده است. کما این که در این اواخر اعتقاد به "رسالت" مسیح و این که او "خدا" نیست، روز به روز در میان مسیحیان آمریکا رو به انتشار

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۱)

و توسعه است.

"اچ، جی، ولز" نویسنده مشهور انگلیسی در "مجموعه تاریخ" می‌نویسد: این عبادتی که امروزه عامه مسیحیان برای مسیح و مادرش انجام می‌دهند، با تعلیمات خود مسیح مغایر است، برای این که خود مسیح در انجیل "مرقس" نهی کرده از این که غیر خدای یکتا را عبادت و پرستش کنند.

(رجوع شود به صفحه ۵۲۶ و صفحه ۵۳۹ کتاب نام‌برده)

این عبادت که گفتیم مسیحیان نسبت به مریم مادر عیسی علیه السلام انجام می‌دهند چند قسم است:

۱- بعضی از آن‌ها نمازی است مشتمل بر دعا و ثنا و استغاثه و استشفاء

(۱۶۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

۲- بعض دیگر عبارت است از روزه‌ای که آن را نسبت می‌دهند به خود مریم، و به نام وی نامیده می‌شود. همه این عبادات توأم با خضوع و خشوع در برابر صورت و مجسمه و بلکه صورت خیالی مریم انجام می‌شود. معتقدند به این که مریم دارای سلطنتی است غیبی که با داشتن این قدرت می‌تواند (البته به اعتقاد آنان) خودش، بدون وساطت فرزندش، نسبت به امور دنیا و آخرت مردم نفع و ضرر برساند. آنان تصریح کرده‌اند به این که پرستش مریم واجب است. لازم به تذکر است که از هیچ یک از فرق آن‌ها دیده نشده که کلمه "اله" را بر مریم اطلاق کنند، بلکه همه از مریم تعبیر می‌کنند به: "مادر اله!؟"

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۳)

و بعضی از فرقه‌هایشان تصریح دارند به این که این اطلاق "مادر خدا" اطلاق مجازی و از باب "مبالغه در تعظیم" نیست، بلکه اطلاق حقیقی است حقیقی؟!

البته اگر چه هم مریم را "اله" نامند به طور قطع در عمل با مریم معامله "اله" می‌کنند. و هم چنین است که آن‌ها در حلال و حرام پیروی "احبار" و "رهبان" خود می‌کنند، و طوری عمل می‌نمایند که با آنان عملاً معامله "ارباب" - خدایان "می‌نمایند، هر چند که آنان را "ارباب" نخوانند. صریح‌ترین مطلبی که از علمای مسیحیت راجع به این مطلب که نصاری به حقیقت مریم را می‌پرستند، دیده شده، عبارتی است در کتاب "السواعی" از کتاب‌های روم ارتدکس، که در "دیر تلمید" نگهداری می‌شود. البته، طوائف کاتولیک هم به این معنی تصریح دارند و به آن افتخار می‌کنند.

(۱۶۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

در شماره نهم سال هفتم مجله "المشرق" چاپ بیروت، عکس مریم را با نقش و نگارهای رنگارنگ زینت داده و آن را یادبودی برای پنجاهمین سالی که پاپ "پیوس نهم" عصمت مریم را اعلام کرده بود، قرار دادند - وی گفته بود که "آبستنی مریم بدون هیچ خطا و تبه کاری صورت گرفته است!"

علاوه بر احترام وی، عبادت‌های کلیساهای مریم را در شرق مانند کلیساهای غرب در عدد "پنجاه" تثبیت نموده‌اند. (پیوس "نام عده‌ای از پاپ هاست، و یکی از یادگارهای نهمین" پاپ پیوس "برای مسیحیت این بود که "روم" را عاصمه مملکت ایتالیا اعلام نمود، و همین باعث شد که در عهد پاپ پیوس یازدهم، روحانیت مسیح به طور کلی و در تمامی شئون استقلال یافته و "واتیکان" را عاصمه روحانیت اعلام نمودند. یکی از یادگارهای همین پاپ پیوس نهم "اعلام عصمت مریم" است) اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۵)

"پدر لوئیز شنجو" ضمن مقاله‌ای که راجع به کلیساهای شرقی نوشته، چنین می‌گوید: «عبادتی که در کلیساهای ارمنی برای بتول طاهره "مادر خدا" انجام می‌شود، معروف است.»

و نیز می‌گوید: «کلیساهای قبطیه به همین امتیاز که در آن‌ها برای آن بتوله مغبوطه "مادر خدا" عبادت هائی انجام می‌شود، ممتاز می‌گردد.»

"پدر انستاس کرملی" در شماره چهاردهم سال پنجم مجله "المشرق" الکاتولیکه البیروتیه "تحت عنوان (پرستش عذرا عبادتی است قدیمی) عباداتی را ذکر کرده و پس از نقل عبارتی از "سفر تکوین" درباره دشمنی مارها با زن و نسل زن، و این که مراد از زن در این کتاب "مریم عذرا" است، گفته است:

(۱۶۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«... مگر نمی‌بینی که قبل از ظهور "ایلیا" که هنوز هم زنده است، در هیچ جا از کتاب آسمانی اشاره و تصریحی به این که مقصود از زن "مریم" است، دیده نمی‌شود. و تنها پس از ظهور این نبی اعظم پرده از روی این راز نهانی برداشته شد و او بود که این معنا را صریح و روشن بیان نمود؟!»

سپس "پدر انستاس" صاحب مقاله مزبور، این پرده‌برداری را عبارت دانسته از مطلبی که در "سفر ملوک سوم (برحسب تقسیم کاتولیک‌ها)" است، و با آن تطبیق نموده، و آن این است که: «ایلیا موقعی که با غلامش در بالای کرمل ایستاده بود، هفت مرتبه به غلامش گفت: به دریا مشرف شو، و نگاه کن بین در دریا چه می‌بینی؟ در مرتبه هفتم، غلام پس از آن که به دریا مشرف شد و به آن جا نگریست، خبر داد: اینک لکه ابری می‌بینم به قدر کف دست، یک مرد که از دریا طلوع کرده است.»

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۷)

سپس صاحب مقاله گفته است: «همین "پاره ابر" صورت مریم بود. کما این که مفسرین هم این حدس ما را محقق دانسته‌اند، بلکه هم صورت مریم بوده، و هم صورت طناب پاکیزه از پلیدی‌های اصلی.» آن‌گاه گفت: «سبب اصلی پرستش مریم در شرق عزیز همین مطلب بوده است. و این حادثه تقریباً در حدود ده قرن قبل از میلاد مسیح رخ داده است. و برگشت این فضیلت در حقیقت به این پیغمبر عظیم یعنی "ایلیا" است.» آن‌گاه گفته: «و از همین جهت، اجداد "کرملی‌ها" اولین طایفه‌ای بوده‌اند که بعد از پیغمبران و شاگردان آن‌ها به الوهیت مسیح ایمان آورده‌اند؟! و اولین طایفه‌ای بودند که برای مریم بعد از عروج جان و تنش به آسمان معبدها به پا کردند.» (نقل از کتاب المنار)

این بود شواهدی از کلمات علمای مسیحیت بر این که بسیاری از ایشان مریم را نیز می‌پرستند، و این چنین در دین به گزافه گوئی مبتلا شده‌اند!!!! (۱)

(۱۶۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

۱- المیزان، ج ۱۲، ص ۸۵.

اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۶۹)

فصل چهارم: حضرت عیسی علیه السلام از تولد تا رسالت

عیسی قرآن کیست؟

- عیسی "بنده خدا" و هم "پیغمبر" بود.

- او از جانب خدای تعالی به سوی "بنی اسرائیل" "مبعوث" شد.

(۱۷۰)

- او یکی از پیامبران پنج‌گانه است که "اولوالعزم" و "صاحب شریعت و کتاب" بودند. کتاب او "انجیل" نام دارد.

- خدای تعالی او را به "مسیح عیسی" نامیده است.

- او کلمه الله و "روح الله می‌باشد.

- او "امام و پیشوا" و از "شهادی اعمال" است.

- عیسی علیه السلام آمدن رسول گرامی اسلام را "بشارت" داده است.

- او در دنیا و آخرت "وجیه" و "آبرومند" است.

- او از "مقریین" و از "برگزیدگان" است.

- خدا او را "اختیار" نمود، و از "صالحین" است.
- او در هر حال "مبارک" و هم‌چنین از "پاکیزگان" است.
- اعتقاد به الوهیت مریم در فرق مسیحی (۱۷۱)
- خدا او را "نشانه‌ای" برای مردم قرارداد، و او "رحمتی" از جانب خدای سبحان است.
- عیسی نسبت به مادرش "نیکوکار" بود، و هم‌چنین خدا بر او "درود" فرستاده است.
- او از کسانی است که خدا به او "کتاب و حکمت" آموخت.
- این‌ها بیست و دو وصف از مقامات "ولایت" است که خدای تعالی در قرآن شریف پیغمبر مکرّمش "عیسی" را به آن‌ها توصیف فرموده است. چنان که ملاحظه می‌شود صفات فوق‌الذکر بر دو دسته‌اند:
- ۱- صفات اکتسابی: مانند "بندگی خدا" و "قرب حق" و "نیکوکار شدن".
 - ۲- صفات اختصاصی که در قسمتی از لیست بالا آن‌ها را شرح دادیم. (۱)
- ۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۵۰.
- (۱۷۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه‌السلام در قرآن

- آیات سوره‌های مریم، آل عمران، احزاب، شوری، مائده، نساء، صف، انعام، انبیاء و تحریم شامل مطالبی است درباره تاریخ زندگی مریم علیها‌السلام و فرزندش عیسی علیه‌السلام که مشروح آن در مباحث بعدی نقل خواهد شد. خلاصه‌ای از این مطالب که مربوط به زندگی مریم بود در اول فصل سوم همین بخش ذکر گردید، و ذیلاً خلاصه قسمتی که مربوط به زندگی عیسی علیه‌السلام است با تکرار مواردی از مبحث قبلی دنبال می‌شود:
- خلاصه زندگی عیسی علیه‌السلام را از لحظه تولد او ذکر می‌کنیم، زمانی که مریم طفل خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه‌السلام در قرآن (۱۷۳)
- نوزاد را به خانه آورد، و مردم از شنیدن این که دختر عمران دارای نوزادی شده او را مورد شماتت قرار دادند، و مریم بدون این که حرف بزند اشاره به کودکی کرد که در گهواره بود، و در این لحظه ...
- طفل به امر خدا به زبان آمد و گفت:
- من بنده خاص خدایم، که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطاء فرموده است، من هر کجا که باشم، مرا مبارک گردانیده، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش نموده، و هم‌چنین به نیکوئی با مادرم توصیه فرموده، و مرا ستم‌کار و شقی نگردانیده است. روز ولادت و مرگ و هم‌چنین روزی که برانگیخته شوم، سلام و درود حق بر من است!
- این جملات خود اشاره‌ای بود به آینده عیسی که علیه بیدادگری‌ها و ستم‌کاری‌ها قیام می‌کند، و برای زنده کردن دین موسی و از بین بردن کجی‌ها که در آن پدید آمده و
- (۱۷۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
- تجدید معارف و حقایقش و برافکندن اختلافات و مشاجرات، به پا می‌خیزد.
- عیسی رشد و نمو کرد تا به سن جوانی رسید. او و مادرش مریم هر دو روی عادت جاری در زندگی بشر - از خوردن و آشامیدن و سایر عوارض وجودی - تا آخر عمرشان زندگی می‌کردند.
- سپس عیسی علیه‌السلام مبعوث به رسالت شد.

عیسی بنی اسرائیل را به دین توحید دعوت می نمود، و به آنان می گفت:

«... من از طرف خدای تعالی معجزه‌ای آورده‌ام، و آن معجزه این است که: از گل مجسمه مرغی می‌سازم و در آن می‌دمم تا به امر خدای سبحان مرغی گردد. من کر مادرزاد و مبتلای به پیسی را به امر خدا شفا می‌دهم، و مردگان را به امر خدا زنده می‌کنم، و به شما از غیب خبر می‌دهم که در خانه‌هایتان

خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه‌السلام در قرآن (۱۷۵)

چه می‌خورید و چه ذخیره می‌کنید.

این معجزات برای شما حجت و نشانه حقانیت من است.

همانا پروردگار من و شما خداست، پس او را پرستید!

عیسی علیه‌السلام آنان را به شریعت جدید خود - که عبارت از تصدیق شریعت موسی علیه‌السلام بود، و تنها بعضی از چیزهایی را که بر یهود در تورات حرام شده بود، حلال فرمود - دعوت می‌کرد، و به بنی اسرائیل می‌فرمود:

«من برای شما حکمت آورده‌ام. آمده‌ام تا بعض چیزهایی که در آن‌ها با یکدیگر اختلاف دارید، رفع اختلاف نمایم.» هم‌چنین به آنان می‌گفت:

«ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شمایم.

(۱۷۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

تورات را تصدیق می‌نمایم،

و به رسولی که بعد از من می‌آید، و نامش "احمد" است، بشارت می‌دهم!»

عیسی علیه‌السلام معجزاتی را که بر آنان ذکر نمود، (از آفریدن پرنده، زنده کردن مردگان، بینا کردن کوران مادرزاد، شفا دادن مبتلایان به پیسی و خیر دادن از غیب)، همه را به اذن الهی برایشان عملی کرد.

او پیوسته آنان را به یگانگی خدا و شریعت جدید خود دعوت می‌کرد، تا در اثر دشمنی بنی اسرائیل و تکبر ورزیدن علمای آنان، از ایمان آوردنشان مأیوس شد، و پس از مأیوس شدن، از عده کمی که به او ایمان آورده بودند (حواریون) را انتخاب کرد تا در راه خدا و دعوت به دین یار و انصار او باشند.

سرانجام، یهود بر آن حضرت هجوم آورده و خواستند او را به قتل برسانند،

خلاصه تاریخ زندگی عیسی علیه‌السلام در قرآن (۱۷۷)

خداوند سبحان او را از دست یهودیان نجات داد و به آسمان بالا برد.

موضوع او برای یهودیان مشتبه شد. بعضی گمان کردند او را کشته‌اند، و برخی دیگر گمان بردند که او را به دار آویخته‌اند.

این بود خلاصه مطالبی که قرآن شریف در آیات سوره‌های مبارک خود درباره داستان حیات و زندگی عیسی علیه‌السلام بیان فرموده است. و مشروح آن‌ها در مباحث بعدی شرح داده خواهد شد. (۱)

جزئیات تولد عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن

۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۴۷.

(۱۷۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«أَذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (۴۵ تا ۵۱ / آل عمران)

«آن گاه که ملائکه به مریم گفتند:

- ای مریم! خدا تو را به کلمه‌ای از خود، که نامش مسیح، عیسی بن مریم است، بشارت می‌دهد.

او در دنیا و آخرت دارای وجاهت است،
و از مقربان در گاه الهی است.

فرزند تو در گهواره، و در سن کهولت، با مردم سخن گوید،
و او از جمله صالحین است!

جزئیات تولد عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن (۱۷۹)
مریم عرض کرد:

- پروردگارا!

چگونه مرا فرزندی تواند بود،

با این که دست بشری به من نرسیده است؟!
گفت:

- چنین است کار خدا!

که او هر چه را بخواهد می‌آفریند،

و چون مشیتش به خلقت چیزی تعلق گیرد،

به محض گفتن: موجود باش!

هماندم موجود می‌شود!

(۱۸۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

شرح این گفتگوی مریم با ملائکه در سوره مریم آمده که، متعاقباً شرح داده خواهد شد، اما نکته‌ای که این جا قابل ذکر است، این است که در سوره مریم خدای تعالی می‌فرماید:

«ما روح خود را بر او فرستادیم، که به صورت بشر کاملی برای او مجسم شد.
مریم گفت:

- من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، اگر پرهیزکار باشی؟! روح القدس گفت:

- من رسول پروردگارت هستم، که برای بخشیدن فرزندی پاک به سوی تو نازل شده‌ام!

از این که "ملائکه" و "روح" با مریم تکلم نموده‌اند روشن می‌شود که مریم "محدثه"

جزئیات تولد عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن (۱۸۱)

بوده و از آن بالاتر ملک به صورت انسانی کامل عیار بر مریم متمثل شده، و مریم او را دیده است.

این که مریم علیها‌السلام پروردگارش را مخاطب قرار داده و سخنش را با او چنین گفت:

«پروردگارا! چگونه مرا فرزندی تواند بود،

با این که دست بشری به من نرسیده است؟!»

با این که متکلم با او به حسب ظاهر "روحی" است که به صورت انسان مجسم شده، و اگر چه از ناحیه روح خطاب متوجه مریم شده، لکن چون کلام ملائکه و روح و جبرئیل تماماً کلام خدای تعالی است، حضرت مریم می‌دانست کسی که با او سخن می‌گوید در واقع خداست، لذا رسماً خطاب را به حضرت او متوجه نمود و گفت:

- پروردگارا...! (۱)

(۱۸۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

نام و نام‌گذاری عیسی علیه‌السلام

«...بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ...»

«... ای مریم! خدا تو را به "کلمه‌ای" از خود، که نامش "مسیح، عیسی بن مریم" است، بشارت می‌دهد!» (۴۵ / آل عمران)

۱ - کلمه

"کلمه" در اصطلاح قرآن، کلمه‌ای است که منسوب به خداست، و آن عبارت است از

۱- المیزان، ج ۵، ص ۷.

نام و نام‌گذاری عیسی علیه‌السلام (۱۸۳)

چیزی که اراده الهی با آن ظاهر می‌شود. مانند: "کلمه ایجاد" و "کلمه وحی..."

مراد از "کلمه" در این آیه خود "عیسی" است، از آن جهت که عیسی "کلمه ایجاد" می‌باشد.

و این که تنها عیسی را به کلمه ایجاد اختصاص داده، با این که هر انسان، بلکه هر شیئی دیگر در عالم "کلمه ایجاد" در حقش صادق است، برای این است که سایر افراد انسانی ولادتشان روی اسباب عادی و از طریق مراحل زناشویی است، لکن چون در مورد عیسی علیه‌السلام بعض اسباب عادی و تدریجی، مفقود بوده، و تنها وجودش به وسیله "کلمه تکوین" صورت گرفته است، نفس کلمه تکوین شده است، چنان که آیات زیر آن را تأیید می‌کنند:

«عیسی کلمه الهی و روحی از عالم الوهیت است که به مریم القاء شده است!»

(۱۸۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

«مثال خلقت عیسی در نزد خدا، مثال خلقت آدم است، که او را از خاک بساخت و سپس به آن گفت، بشری تمام عیار و کامل باش، همانند موجود گردید!»

۲ - مسیح

"مسیح" عبارت است از "ممسوح" یعنی "مسح شده"، و این که عیسی را مسیح گویند وجوه زیادی در توجیه آن گفته شده است:

- برای آن است که با "یمن و برکت" مسح شده،

- یا به روغن زیتونی است که انبیاء را با آن مسح می‌کردند، او هم مسح شده است،

- یا جهتش مسح نمودن جبرئیل اوراست در موقع ولادت با بال خود، تا از وسوسه شیطان در امان باشد.

- یا به جهت مسح نمودن عیسی سر یتیمان، یا مسح نمودن چشم کور و شفا دادن

نام و نام‌گذاری عیسی علیه‌السلام (۱۸۵)

آن، یا مسح نمودن بیماران را با دست خود و بهبودی پیدا کردن آن‌ها، می‌باشد.

این‌ها وجوهی است که برای تسمیه عیسی به "مسیح" ذکر شده، لکن آنچه در این باره قابل اعتماد است، آن است که لفظ

"مسیح" در ضمن بشارتی که جبرئیل به مریم داده، واقع شده است، آن جا که می‌فرماید:

«خدا بشارت می‌دهد تو را به کلمه‌ای از خود،

که نامش "مسیح عیسی بن مریم" است!»

و این لفظ "مسیح" به عینه معرب "مشیحا" است که در کتب عهدین نام برده شده است. و از طرفی هم عادت بنی اسرائیل بر آن بوده که چون پادشاهی از ایشان می‌خواست به امر پادشاهی قیام کند، کهنه مقدس "او را مسح می‌کردند تا پادشاهی برایش مبارک باشد، و او را هم "مشیحا" می‌گفتند.

(۱۸۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

بنابراین معنی مسیح یا "مبارک" است و یا "ملک".

از کتب اهل کتاب هم چنان استفاده می‌شود که جهت نام نهادن او به "مشیحا" آن بوده که در بشارت دادن به مریم تصریح به دوام "ملک عیسی" شده، و وی را "ملک منجی بنی اسرائیل" شمرده است.

در انجیل لوقا باب اول دارد که:

"و ملک وی را گفت که مترس ای مریم! زیرا که تو یافته‌ای نعمت خداداد را - و اینک تو آبستن خواهی شد، و خواهی زائید، و او را عیسی خواهی نامید - و او شخص بزرگی خواهد بود، و فرزند خدای تعالی خوانده خواهد شد، و خداوند تخت پدرش داود را به وی خواهد داد - و بر دودمان یعقوبی تا ابد سلطنت رانده و سلطنتش را نهایت نخواهد بود. (انجیل لوقا - ۳۴)

نام و نام‌گذاری عیسی علیه‌السلام (۱۸۷)

بعید نیست نام نهادن آن حضرت در ضمن بشارت به "مسیح" برای افاده مبارک بودن اوست، زیرا تدهین و مسح نمودن با روغن زیتون هم در نزد آنان برای مبارک شدن بوده است. و آیه زیر آن را تأیید می‌کند:

«آن طفل به امر خدا زبان گشود و گفت:

- من بنده خاص خدایم!

که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرموده،

و مرا هر کجا که باشم "مبارک" قرار داده است!»

۳- عیسی پسر مریم

"عیسی" اصلش "یشوع" است که به منجی یعنی شخص نجات دهنده تفسیر شده، و در بعض اخبار "عیسی" را به معنی "یعیش" یعنی "زندگی می‌کند" تفسیر نموده‌اند.

(۱۸۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

واضح است که به واسطه نامیده شدن فرزند زکریا به "یحیی" و مشابهت داشتن آن دو با یکدیگر، این تفسیر در مورد کلمه "عیسی" مناسب‌تر است. این که در ضمن بشارت، "عیسی" را به "بن مریم" مقید نمود، برای آگاهی به این مطلب است که او بدون پدر آفریده خواهد شد، و با این وصف هم معروف شده، و مادرش "مریم" نیز در آیت بودن او شریک است.

«وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ!» (۹۱/انبیاء) (۱)

اعلام مقام و منزلت عیسی در زمان تولد

۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۰.

اعلام مقام و منزلت عیسی در زمان تولد (۱۸۹)

«مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ!»

(۴۵ / آل عمران)

زمانی که ملائکه بشارت تولد عیسی علیه‌السلام را از جانب خدا به مریم دادند، مشخصاتی برای این نوزاد شمرده‌اند که مقام و منزلت او را در دنیا و آخرت نشان می‌دهد:

«او کلمه‌ای است از خدا، و اسمش مسیح عیسی پسر مریم است،
او دارای جاهت دنیوی و اخروی است،
و همو از مقربین است!»

"جاهت" عبارت است از مقبولیت، و مقبولیت حضرت عیسی در دنیا روشن است، و در آخرت نیز با نص این آیه شریفه قرآن ثابت می‌شود.

(۱۹۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

عیسی "مقرب" درگاه خدای تعالی نیز بوده، و داخل در صف اولیاء خدا و هم‌چنین از مقربین از ملائکه از نظر تقرب می‌باشد. آیه زیر در قرآن مجید آن حضرت را در صف مقربین از ملائکه شمرده است:

«هرگز مسیح از بنده خدا بودن استکاف نداشته،
و فرشتگان مقرب هم‌چنینند!»

معنی "مقرب بودن" یا مقرب شدن بنده‌ای به خدای سبحان، آن است که در سلوک و پیمودن راه بازگشت و رجوع الی الله بر سایر افراد نوع خود پیشی گیرد و سبقت پیدا کند، راهی که همه افراد، خواه و ناخواه، آن را طی می‌کنند. این معنی را خداوند متعال در آیات سوره واقعه و انشقاق شرح داده است.

انسان، اگر در این که "مقربین" صفت یک دسته از افراد انسان و هم‌چنین اعلام مقام و منزلت عیسی در زمان تولد (۱۹۱)

صفت یک دسته از ملائکه می‌باشد، تأملی کند، خواهد فهمید که آن مقام، یک مقام اکتسابی حتمی نیست، زیرا روشن است که ملائکه مقاماتی که دارند با اکتساب پیدا نکرده‌اند، پس ممکن است آن مقام را به ملائکه به طور بخش عطا کنند، و به انسان به واسطه عمل و اکتساب! (۱)

تشبیه ولادت عیسی علیه‌السلام با خلقت آدم علیه‌السلام

«إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ...» (۵۹ / آل عمران)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۴.

(۱۹۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

در آیه فوق تولد عیسی علیه‌السلام را به خلقت آدم تشبیه می‌فرماید تا روشن سازد که این طرز ولادت (یعنی بدون واسطه پدر آفریده شدن)، به بیشتر از بشر بودن و مخلوق بودن عیسی علیه‌السلام دلالت ندارد.
خدای متعال می‌فرماید:

«کیفیت خلق عیسی در نزد خدا، شبیه کیفیت خلق آدم است،

که اجزایش را از خاک جمع نمود،

و با گفتن کلمه "باش" بدون واسطه پدری او را آفرید!»

آیه شریفه فوق دارای دو دلیل بر نفی الوهیت و خدائی عیسی است:

۱- عیسی را خدا بدون پدر خلق کرد، کسی هم که مخلوق باشد به ناچار بنده خدا خواهد بود، نه آن که مقام

الوهیت داشته باشد!؟

تشبیه ولادت عیسی علیه‌السلام با خلقت آدم علیه‌السلام (۱۹۳)

۲- آفریدن عیسی بالاتر از آفریدن آدم نیست. پس اگر سنخ خلقتش مقتضی الوهیتش باشد، باید مسیحیان برای آدم هم مقام الوهیت قائل شوند، با این که درباره آدم چنان عقیده‌ای ندارند!

پس باید درباره عیسی هم قائل به خدائی او نشوند، زیرا هر دو در این که بدون پدر آفریده شده‌اند، شبیه یکدیگرند.

از آیه شریفه مطلب دیگری هم استفاده می‌شود، و آن این که: خلقت عیسی مانند خلقت آدم خلقتی طبیعی است، گرچه از نظر سنت جاری در نسل (که نیازمندی پدر باشد)، خارق العاده است. (۱)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۴۱.

(۱۹۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

(۱۹۵)

فصل پنجم: وظایف اصلی رسالت عیسی علیه‌السلام

دو وظیفه اصلی رسالت عیسی

«وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ!»

(۵۰ / آل عمران)

عیسی علیه‌السلام رسولی است که بر بنی‌اسرائیل فرستاده شده و خدای تعالی در

(۱۹۶)

اول این سلسله آیات این وظیفه را با عبارت: «وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ» (۴۹ / آل عمران) بیان فرموده است.

در آیات فوق از زبان خود آن بزرگوار می‌فرماید:

«کتاب تورات را تصدیق می‌کنم،

و برای شما بعض چیزهایی که تاکنون حرام بود، حلال می‌کنم،

برای شما معجزه و نشانه "نبوت" آوردم،

پس از خدا بترسید، و مرا هم اطاعت کنید،

همانا خداست پروردگار من،

و شما او را پرستید!

که راه راست همین است!»

دو وظیفه اصلی رسالت عیسی (۱۹۷)

۱- تصدیق تورات

تصدیق نمودن عیسی علیه‌السلام تورات متداول در زمان خودش را، به آن اندازه‌ای بوده که خدا از تورات حقیقی نازل بر موسی

علیه‌السلام به او تعلیم کرده است. پس در تصدیق او دلالتی بر عدم تحریف توراتی که در آن زمان بین یهودیان متداول بوده،

نیست. (چنان که تصدیق نمودن پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هم تورات را، دلالتی بر عدم تحریف تورات متداول

زمان خود ندارد.)

۲- حلال کردن برخی حرام‌ها

خدای متعال به واسطه ظلم یهود، بعضی از طیبات و روزی‌های حلال را بر آنان

(۱۹۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

حرام کرده بود، تا این که عیسی علیه‌السلام آمد و آن‌ها را نسخ کرده و برایشان طیبات حرام را حلال فرمود. این مطلب را خدای تعالی در سوره نساء چنین فرموده است: «به جهت ظلمی که یهودیان (درباره پیغمبران و نفس خود) کردند، ما نعمت‌های پاکیزه خود را که بر آنان حلال بود، حرام کردیم!»
آیه شریفه دلالت دارد که عیسی علیه‌السلام احکام مذکور در تورات را امضاء فرموده و به غیر از احکام شاقی را که نسخ فرمود، بقیه احکام آن را قبول داشته است. (۱)

عیسی مبعوث به بنی اسرائیل و کل مردم

«وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ!﴾ (۴۹ / آل عمران)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۲۴.

عیسی مبعوث به بنی اسرائیل و کل مردم (۱۹۹)

آن‌چه از ظاهر آیه فوق استفاده می‌شود آن است که عیسی علیه‌السلام تنها مبعوث بر بنی اسرائیل بوده است، اما با توجه به تفسیر آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ...» (۲۱۳ / بقره) روشن است که عیسی علیه‌السلام هم مانند موسی علیه‌السلام از پیغمبران اولوالعزم بوده، و مبعوث به تمام مردم دنیا گردیده است.

البته با توجه به فرق و امتیاز بین "رسول" و "نبی"، داشتن رسالت به یک قوم، با مبعوث شدن به آنان و غیر آنان، منافات ندارد. یعنی ممکن است شخصی نسبت به عده خاصی "رسول" باشد و در عین حال نسبت به آن‌ها و غیر آن‌ها منصب "نبوت" را داشته باشد، مانند موسی و عیسی علیه‌السلام.

(نبوت، منصب بعث و تبلیغ است. رسالت، سفارت خاصی است که پیرو حکم و

(۲۰۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

قضاوت بین مردم می‌باشد. یعنی "نبی" انسانی است که برای بیان نمودن دین مبعوث شده، لکن "رسول" برای ادا کردن پیام خاصی است که رد آن به هلاکت منجر می‌شود، و پذیرفتن آن موجب بقاء و سعادت مردم است.)

بنابراین، وقتی قبل از بعثت پیغمبر اکرم، اهل روم و عده‌ای بی‌شمار از غربی‌ها و شرقی‌ها به عیسی علیه‌السلام ایمان آوردند، با این که از بنی اسرائیل نبودند. در خطاب‌های قرآن نیز نسبت به مسیحیان تنها مسیحیان بنی اسرائیل مورد نظر نیست، بلکه مسیحیان کل جهان مورد خطاب است! (۱)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۲۰.

عیسی مبعوث به بنی اسرائیل و کل مردم (۲۰۱)

(۲۰۲)

فصل ششم: شریعت عیسی و انجیل او

شریعت عیسی از نظر قرآن

«وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ...» (۴۶ / مائده)

خداوند متعال در قرآن مجید درباره تفصیل نزول انجیل و مشخصات آن چیزی نفرموده است. همین قدر برابر با بیان نزول تورات بر موسی علیه السلام در این سلسله آیات،
(۲۰۳)

و نزول قرآن بر محمد صلی الله علیه و آله نزول آن را هم تذکر داده است.

این می‌رساند که آن هم کتابی در عرض آن دو کتاب است:

«به دنبال آنان (یهود) عیسی بن مریم را آوردیم،

که تورات را که پیش از او بود، تصدیق می‌کرد.

و به او انجیل دادیم،

در آن هدایت و نوری است،

و تورات را که پیش از آن است، تصدیق می‌کند،

و برای پرهیزکاران هدایت و پندی است.

انجیلیان باید طبق آنچه خدا در آن فرستاده، حکم کنند،

و کسانی که به آنچه خدا فرستاده حکم نکنند، آنان همان فاسقانند!»

(۲۰۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

منظور از جمله "به دنبال آنان عیسی بن مریم را آوردیم"، این است که عیسی هم همان مسلکی را که انبیاء پیش از او رفته‌اند، پیموده است، که همان راه دعوت به توحید و تسلیم به خداست.

"انجیل" که در آیه ذکر شده است، و معنایش به حسب لغت "بشارت" است، کتابی است که بر مسیح علیه السلام نازل شده است، نه این که صرفاً یک بشارت بدون کتاب باشد، ولی خداوند تعالی آن طور که درباره نزول تورات و قرآن به تفصیل سخن گفته، کیفیت نزول انجیل را در کلمات خود بیان نموده است.

این که خداوند سبحان در برابر توصیف تورات به داشتن "هدایت و نوری است"، منظور آن معارف و احکامی است که در آن است. ولی این که دوباره در این

شریعت عیسی از نظر قرآن (۲۰۵)

آیه می‌فرماید! هدایت و پندی برای پرهیزکاران"، می‌رساند که هدایتی که در اول گفته شده، غیر از هدایتی است که کلمه "موعظه و پند" آن را تفسیر کرده و در مرتبه دوم ذکر شده است.

هدایتی که اول ذکر شده، نوعی از معارف است که در باب عقاید باعث هدایت یافتن و ره‌بردن است، و هدایت دوم نوعی از معارف است که به طرف تقوی در دین سوق می‌دهد و رهبری می‌کند.

روی این حساب کلمه "نور" مصداق و فردی جز احکام و قوانین فرعی نخواهد داشت. این‌ها اموری هستند که از نورشان استفاده شده و در نور و روشنایی آن‌ها راه زندگی پیموده می‌شود.

از این‌ها به دست می‌آید که منظور از "هدی" در توصیف تورات و بار اول ذکر انجیل

(۲۰۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

نوعی معارف اعتقادی چون "توحید و معاد" است، و منظور از "نور" در هر دو جای نوعی احکام و قوانین است، و منظور از "هدی" دوم که در وصف انجیل بیان شده، نوعی پندها و نصیحت‌هاست.

این که در وصف انجیل تکرار شده "تصدیق کننده کتاب قبلی تورات" منظور تبعیت انجیل از شریعت تورات است. در انجیل چیزی جز امضاء شرع تورات و دعوت به آن نیست، مگر آن مقداری که عیسی علیه السلام استثنا کرده و خداوند سبحان هم فرموده است: «تا برخی چیزها که برایتان حرام بود، حلال کنم!»

عبارت «هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ!» (۱۳۸ / آل عمران) می‌رساند که در انجیلی که بر مسیح علیه السلام نازل شده، علاوه بر آن معارف اعتقادی و احکام عملی که در تورات است، عنایت مخصوصی به تقوای در دین شده است. شریعت عیسی از نظر قرآن (۲۰۷)

دقت در توراتی که امروز میان اهل کتاب رایج است، با این که قرآن به طور کامل قبولش ندارد، و نیز توجه به انجیل‌های چهارگانه که منصوب به "مَتَّى و مَرْقَس و لُوقا و یُوْحَنَّا" است، گرچه غیر از آن انجیلی است که بر مسیح نازل شده است، نیز این معنی را تأیید می‌کند.

قضاوت و حکم بر اساس انجیل

خداوند متعال در انجیل تصدیق شرایع و احکام تورات را نموده، مگر آن مقدار از احکامی که نسخ شده، و در انجیل نازل بر عیسی علیه السلام تذکر داده است.

انجیل چون احکام تورات را تصدیق کرده و قدری از محرمات آن را حلال کرده

(۲۰۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

است، عمل به تورات (در غیر آن چه که انجیل حلال کرده است)، خود عمل به آنچه خدا در انجیل فرستاده، می‌باشد، و منظور از حکم به آنچه در انجیل نازل شده، همین است. و از این جا سستی دلیل پاره‌ای از مفسرین که به آیه «اهل انجیل باید طبق آنچه خدا در آن نازل کرده، حکم کنند!» استدلال کرده‌اند که انجیل خود احکامی مفصل مانند تورات دارد، روشن می‌شود.

اما برای تحکیم این مطلب، خداوند متعال می‌فرماید: «هر کس که حکم نکند بدان چه خدا نازل کرده، آن‌ها فاسقانند!» این عبارت را خداوند تعالی برای تشدید مطلب سه بار تکرار کرده است. دوبار راجع به یهود و یک‌بار راجع به نصاری، البته با اندکی اختلاف: یک‌بار فرموده: «آن‌ها فاسقانند»، بار دیگر فرموده: «آن‌ها ستم‌گرانند»، و بار سوم فرموده: «آن‌ها کافرانند!»

قضاوت و حکم بر اساس انجیل (۲۰۹)

در مورد نصاری کلمه "فَشِيق" را به کار می‌برد، و در مورد یهود کلمه "کفر" و "ستم" را، و این شاید بدان دلیل باشد که نصاری توحید و یگانگی خدا را به عقیده "ثلیث - سه خدا: پدر و پسر و روح القدس"، تبدیل کردند، و پیروی "پولس" که دین مسیح را یک دین مستقل و جدا از دین موسی قرار داد. و با "فدا شدن" عیسی، احکام شرع را برداشته دانست، دست از شرع موسی برداشتند و بدین وسیله و باین تأویل‌ها از توحید و شریعت توحید خارج شدند، و از دین حق پروردگار فاسق گشتند. (فسق در لغت به معنی خارج شدن چیزی از محل خود است.) ولی یهود جریانات و احکام دین موسی برایشان مشتبه نبود، و آنان با علم به احکام و معارف الهی که در تورات اصلی بود، دست برداشتند، و از آن‌ها روی گردان شدند، و این کفر و ستم به آیات الهی است. (۱)

(۲۱۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

انجیل، کتاب عیسی علیه السلام

«... وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرِيَةَ وَ الْإِنْجِيلَ ...» (۴۸ تا ۵۰ / آل عمران)

در این قسمت از آنچه در قرآن شریف درباره "انجیل" بیان شده، و از آنچه از نظر تحول تاریخی "انجیل امروزی" در دست پیروان عیسی علیه‌السلام می‌باشد، بحث خواهد شد.

آیه فوق عباراتی را نشان می‌دهد که در لحظه بشارت تولد عیسی علیه‌السلام به مریم، از طرف ملائکه الهی بیان گردیده:
 ۱- المیزان، ج ۱۰، ص ۲۱۵.

انجیل، کتاب عیسی علیه‌السلام (۲۱۱)

«و خداوند به عیسی تعلیم کتاب و حکمت کند،

و تورات و انجیل آموزد،

و او را به رسالت بنی‌اسرائیل فرستد.

... کتاب تورات را تصدیق می‌کنم،

و برای شما بعض چیزهایی که تاکنون

حرام بود حلال می‌نمایم!»

قرآن مجید در آیه دیگر در سوره زخرف چنین می‌فرماید:

«چون عیسی با ادله روشن آمد، گفت:

- برای شما حکمت آورده‌ام!

و می‌خواهم بعضی از احکامی که از تورات در آن اختلاف دارید،

برایتان بیان سازم...!»

(۲۱۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سه جنبه مشخص انجیل از نظر قرآن

قرآن کریم برای انجیل دو جنبه نسخ و اثبات قائل است:

۱- از طرفی می‌فرماید: احکام در تورات است، و در انجیل تنها مقداری از احکام ناسخه ذکر شده است، مانند آنچه در آیه اولی اشاره شد.

۲- از طرف دیگر علاوه بر احکام ناسخ، بعض احکام اثباتی هم قائل است، مانند آیه «انجیل را نیز بر او فرستادیم که در آن هدایت و روشنی دل‌هاست، تصدیق به درستی تورات نموده، و وسیله راهنمایی و اندرز پرهیزکاران است - اهل انجیل باید بر طبق آنچه خدا در آن کتاب فرستاده، حکم کنند.»

سه جنبه مشخص انجیل از نظر قرآن (۲۱۳)

۳- قرآن هم چنین انجیل و تورات را کتاب هائی می‌شناسد که مشتمل بر بشارت به نبوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشند: «آنان که رسول نبی امی را پیروی کنند، آن که را در تورات و انجیل در نزد خود نوشته می‌یابند.» (اعراف / ۱۵۷)

انجیل واحد از نظر قرآن

قرآن شریف "انجیل" را کتاب واحدی که به عیسی علیه‌السلام نازل شده، و وحی مختص به او بوده، معرفی می‌کند. پس انجیل‌های چهارگانه که به "متی، مرقس، یوحنا و لوقا" منسوبند، کتاب هائی است که بعد از عیسی علیه‌السلام تألیف شده‌اند.

کتاب هائی که بین نصاری موجود است به شرح زیر است:

(۲۱۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- انجیل‌های چهارگانه (به شرح فوق)

- کتاب اعمال حواریون

- نامه‌های متعدد مانند چهارده نامه از پولس، نامه یعقوب، دو نامه از پطرس، سه نامه از یوحنا، و نامه یهودا.

- رؤیای یوحنا (مکاشفات یوحنا)

همان طور که قبلاً گفتیم قرآن شریف هیچ یک از کتاب‌های مخصوص به نصاری را نام نبرده، تنها متذکر شده که کتاب آسمانی

نازل بر عیسی بن مریم همانا "انجیل" است. آن هم یک انجیل بیشتر نبوده است.

طایفه نصاری گرچه "انجیل" نازل شده بر عیسی علیه‌السلام را با خصوصیات نام‌برده نمی‌شناسند، و اعتراف به وجودش نمی‌کنند،

لکن در کلمات رؤسای آن‌ها جملاتی یافت

انجیل واحد از نظر قرآن (۲۱۵)

می‌شود که متضمن اعتراف به این حقیقت است، چنان که در نامه پولس حواری به "گلستان" باب اول آیه ۶ چنین دارد:

«و من تعجب می‌نمایم که شما به این زودی برگشتید از آن کس که شما را به فضل مسیح خوانده بود به مژده دیگر - که فی

الحقیقه مژده دیگر نیست، مگر این که بعضی هستند که شما را مضطرب می‌سازند، و می‌خواهند که "انجیل مسیح" را منحرف

نمایند.»

"نجار" نویسنده کتاب "قصص الانبیاء" به آیه فوق از نامه "پولس" و هم‌چنین به موارد دیگری از کلمات "پولس" در نامه هایش

استشهاد کرده که - غیر از انجیل‌های چهارگانه، انجیلی بوده که به "انجیل مسیح" معروف بوده است.

قبول انجیل‌های فعلی از نظر قرآن

(۲۱۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

قرآن مجید با این وصف اشعار دارد، هم چنان که قسمتی از تورات حقیقی در کتب مقدسه فعلی یهود موجود است. هم‌چنین

از "انجیل واقعی" در "کتب مقدسه فعلی" نصاری آورده شده است.

دو آیه در قرآن شریف دلالت روشنی بدین مطلب دارد:

۱- درباره یهود می‌فرماید: «چگونه به حکم تو سر فرود آرند در صورتی که تورات نزد آن‌هاست، و در آن حکم خدا مذکور

است!» (۴۳/ مائده)

۲- درباره مسیحیان می‌فرماید: «از نصاری پیمان گرفتیم، پس آنان نصیب بزرگی را از انجیل از دست دادند!» (۱۴ /

مائده) (۱)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۸ و ۱۸۹.

قبول انجیل‌های فعلی از نظر قرآن (۲۱۷)

تاریخ انجیل‌های چهارگانه

آن‌چه مسیحیان درباره مسیح و انجیل و بشارت قائلند، مدرک تمام سخنانشان نوشته‌های کتب مقدس انجیل متی، انجیل مرقس،

انجیل لوقا، و انجیل یوحنا، و نامه‌های پولس و پطرس و یعقوب و یوحنا و یهودا است: و چون اعتبار تمام کتب مقدس منتهی به

اعتبار انجیل‌های چهارگانه می‌شود، اکنون راجع به وضع هر یک از آن‌ها بحث می‌کنیم.

انجیل متی

(۲۱۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

انجیل متی قدیمی‌ترین انجیلی است که تاریخ تصنیف و انتشارش از همه جلوتر بوده است. بعضی تاریخ تصنیف آن را سال ۳۸ میلادی، بعضی دیگر بین ۵۰ تا ۶۰ نوشته‌اند. با توجه به این که عمر حضرت عیسی علیه‌السلام حدود ۳۳ سال بوده است، روشن می‌شود که این انجیل بعد از آن حضرت تألیف یافته است. (رجوع شود به مبحث مدت عمر حضرت عیسی علیه‌السلام در همین بخش).

محققین از قدما و متأخرین مسیحی عقیده دارند که انجیل متی اصلاً به لغت عبری نوشته شده و سپس به یونانی و غیر آن ترجمه شده است. نسخه اصلی آن مفقود گردیده و وضع ترجمه‌اش روشن نیست. گذشته از این مترجمش نیز شناخته نشده است.

انجیل متی (۲۱۹)

انجیل مرقس

مرقس شاگرد پطرس بوده، و خود از حواریین نیست. گویند وی انجیلش را به توصیه و دستور پطرس نوشت. او عقیده به خدائی مسیح نداشت.

روی این حساب که او قائل به الوهیت مسیح نبود، بعضی از متعصبین مسیحی به انجیلش اهمیت نداده، و گفته‌اند: مرقس انجیلش را برای عشایر و چادرنشینان نوشته، لذا مسیح را به عنوان پیغمبری که رساننده شرایع الهی می‌باشد، معرفی کرده است. در هر حال مرقس انجیل خود را در سال ۶۱ میلادی تألیف کرده است.

(مستر هاکس در "قاموس کتاب مقدس" گوید: - آن‌چه از اخبار متواتر پیشینیان صریحاً به دست می‌آید آن است که "مرقس" انجیلش را در رومیه نوشته، و پس از وفات

(۲۲۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

پطرس و پولس آن را انتشار داده است، لکن چندان اعتباری ندارد، زیرا چنان پیدا است که وی انجیلش را برای اهل قبایل و دهاتیان نوشته، نه برای شهرنشینان، و بالخصوص اهل روم!) در گفته‌های این شخص خوب دقت فرمائید!!

انجیل لوقا

"لوقا" نه خود از حواریین بوده، و نه مسیح علیه‌السلام را دیده است. او کسی است که مسیحیت را از "پولس" گرفته است. "پولس" از یهودیان متعصبی است که در ابتداء علیه پیروان عیسی سخت می‌کوشید و وضع آنان را آشفته می‌ساخت، تا این که یک‌باره مدعی شد که وی بی‌هوش شده و در

انجیل لوقا (۲۲۱)

عالم بی‌هوشی مسیح او را لمس کرده و از آزار کردن مسیحیان منع فرموده است.

او گفت به مسیح ایمان آوردم و مسیح مرا برای بشارت دادن به انجیلش فرمان داد. همین "پولس" کسی است که ارکان مسیحیت کنونی را محکم کرد.

از تعلیمات "پولس" می‌توان نکات زیر را شمرد:

۱- ایمان به مسیح را برای نجات کافی دانست!

۲- خوردن مردار و گوشت خوک را برای نصاری مباح کرد!

۳- از ختنه کردن واحکام دیگری که در تورات بود، نهی نمود!

(با این که انجیل برای تصدیق تورات بوده، و جز اشیاء معدود چیز دیگری را حلال نکرد، و آمدن عیسی علیه‌السلام برای تقویت شریعت تورات، و توجه دادن منحرفین به آن کتاب آسمانی است، نه این که عمل به احکام الهی رباطل و ساعات و نیک بختی

(۲۲۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

را تنها و تنها در سایه ایمان خالی بدانند!

به هر حال، لوقا انجیلش را بعد از انجیل "مرقس" نوشت، و پس از مرگ "پطرس" و "پولس" انتشار داد. عده‌ای از دانشمندان مسیحی تصریح کرده‌اند که "انجیل لوقا" مانند انجیل‌های دیگری که جنبه کتاب الهامی دارند، یک کتاب الهامی نیست، چنان که جملات اولیه انجیل لوقا خود شاهد صادقی بر این مطلب است: انجیل لوقا با این جملات شروع می‌شود:

«... از آن جا که جمعی شروع نموده‌اند آن وقایعی را که در میان ما به یقین پیوسته است تبیین نمایند - به نهجی که آنان که از آغاز به چشم خود می‌دیدند و خادمان کلام بوده و به ما رسانیده‌اند - من نیز مصلحت چنان دیدم که آن وقایع را تماما من البدایه کمال تبعیت نموده و بر حسب

انجیل لوقا (۲۲۳)

اتصالشان تحریر نمایم برای تو ای ثیوفلس گرامی!» چنان که ملاحظه می‌فرمائید جملات فوق به طور آشکار می‌رساند که انجیل لوقا یک کتاب نظری بیش نیست، و در رساله "الالهام" هم همین مطلب از "مستر کدل" نقل شده است. "جیروم" صریحا نوشته: بعضی قدماء در دو باب اول انجیل لوقا نظر شک و تردید داشته‌اند. آن دو در نسخه فرقه "مارسیونی" نبوده است.

"اکهارن" نیز در کتاب خود در صفحه ۹۵ به طور قطع اظهار نظر می‌کند که از فصل ۴۳ تا ۴۷ از باب بیست و دوم انجیل لوقا، به آن کتاب الحاق شده، و هم چنین در صفحه ۶۱ همان کتاب گوید: معجزاتی که "لوقا" در انجیلش نقل کرده، بادروغ‌های روایتی مخلوط است و معلوم می‌شود که "لوقا" آن‌ها را با یک نظر شاعرانه اضافه کرده است. متأسفانه در این زمان تشخیص صدق و کذب آن بسی دشوار است.

(۲۲۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

(مطالب فوق از کتاب قصص العلماء - نجار نقل گردید.)

انجیل یوحنا

بسیاری از علمای مسیحی نوشته‌اند: یوحنا نام‌برده، یوحنا پسر زیدی صیاد است، که یکی از شاگردان دوازده گانه عیسی علیه‌السلام و مورد محبت شدید وی بوده است.

(قاموس کتاب مقدس ماده "یوحنا")

و نیز تذکر داده‌اند که چون "شیرینطوس" و "ایسون" و پیروانشان درباره عیسی علیه‌السلام عقیده مخلوقیت داشته، و معتقد بودند که وجود عیسی بر وجود مادرش سبقت ندارد. روحانیون واسقفهای آسیا و غیر آن که با عده گذشته مخالف بودند، در

انجیل یوحنا (۲۲۵)

سال ۹۶ میلادی نزد یوحنا رفته و از او درخواست کردند که انجیل جدیدی برایشان بنویسد، و به طرز مخصوصی لاهوت مسیح، یعنی مخلوق نبودن او را توضیح دهد. یوحنا درخواست آنان را پذیرفت و انجیلش را به همین منظور نوشت، (این مطلب در "قصص الانبیاء" از کتاب "جرجس زدین فتوحی لبنانی" نقل شده است).

در هر صورت کلمات نصاری در تاریخ تألیف آن مختلف است، بعضی تألیفش را در سال ۶۵ و بعضی دیگر ۹۶ و دسته سوم در سنه ۹۸ میلادی دانسته‌اند.

عده دیگر از مسیحیان اساساً مؤلف انجیل یوحنا را خود "یوحنا" نمی‌دانند. بعضی آن را تألیف یکی از طلبه‌های مدرسه اسکندریه دانسته و برخی دیگر گویند تمام انجیل یوحنا و نامه‌های منسوب به او، هیچ یک از تألیفات خود یوحنا نیست، بلکه آن‌ها را یکی از نصاری در اوائل قرن دوم میلادی نوشته، و برای مقبولیت عامه به یوحنا نسبت داده

(۲۲۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

است. بعضی دیگر عقیده دارند که انجیل یوحنا در اصل بیش از بیست باب نبوده، و کنیسه "افاس" پس از مرگ یوحنا باب بیست و یکم را به آن اضافه کرد.

این بود داستان انجیل‌های چهارگانه:

اما اگر قدر متیقن طرق آن‌ها را حساب کنیم، به هفت نفر (متی، مرقس، لوقا، یوحنا، پطرس، پولس و یهوذا) بیشتر منتهی نمی‌شوند.

تمام اتکاء نصاری به این چهار انجیل است، و پایه اصلی آن چهار نیز "انجیل متی" می‌باشد، که از همه قدیمی‌تر است. متأسفانه چنان که بیان شد، آن هم ترجمه مفقود الاصلی بیش نیست. نمی‌دانیم چه کسی آن را ترجمه کرده، و روش تعلیم مدرک اصلی، روی رسالت مسیح بوده یا خدائی او!! (۱)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۹۵.

انجیل یوحنا (۲۲۷)

خلاصه دعوت عیسی در انجیل موجود

انجیل موجود دعوت عیسی علیه‌السلام را چنین شرح می‌دهد:

«در بنی‌اسرائیل مردی که معروف به عیسی پسر یوسف نجار بود ظاهر شد و مردم را به خدا دعوت کرد. او مدعی شد که پسر خداست، و از غیر پدر بشری به وجود آمده است.

می‌گفت: - پدر مرا فرستاد تا کشته شده و به دار آویخته شوم تا فدائی مردم گشته و آنان را از گناهانشان نجات دهم.

(۲۲۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

او مرده را زنده کرد، کور مادرزاد و مبتلای به پستی را شفا داد، دیوانگان را با خارج کردن جن از بدنشان سالم کرد.

دوازده شاگرد داشت که "متی" صاحب انجیل، یکی از آنان است. عیسی شاگردانش را مبارک گردانید، و برای دعوت و تبلیغ دین مسیحی فرستاد!

این خلاصه چیزی است که دعوت مسیحی با همه توسعه‌ای که به شرق و غرب عالم پیدا کرده، به آن منتهی می‌شود.

چنان که در مباحث قبلی ملاحظه شد، مدرک اصلی، یعنی "انجیل متی" خبر واحدی بیش نیست، و آن هم واحدی که نه از نام صاحبش اطلاع قطعی در دست است، و نه کسی بر احوال او شناسائی پیدا کرده است!

سستی عجیبی که در اصل و مبدأ داستان وجود دارد، یکی از بحث‌کنندگان آزاد

خلاصه دعوت عیسی در انجیل موجود (۲۲۹)

اروپائی را وادار کرد تا صریحاً مدعی شود که مسیح عیسی بن مریم جز یک فرد افسانه‌ای بیش نیست، که دست توانای انقلابات دینی علیه حکومت‌های وقت، یا به نفع آن‌ها وی را صورت‌گری کرده است! سپس نظر خود را با استشهاد به موضوع خرافی دیگری که به طور کلی به داستان عیسی علیه‌السلام شبیه است، تأیید می‌کند. موضوع خرافی مورد استشهادش داستان "کرشنا" است که بت پرستان هند باستان، او را پسر خدا می‌دانند و قائلند که از مقام لاهوتی پائین آمد، تا به واسطه آویخته شدنش به دار، فدائی مردم شده، و آنان را از آثار زشت گناهان نجات بخشد.

هم‌چنین بی‌پایگی ریشه داستان، محقق دیگری را بر آن داشت که در سایه کنج‌آوری‌ها معتقد شود: دو نفر مسیح نام بوده، یکی مسیح غیر مصلوب، دیگری مسیح مصلوب، که فاصله زمانی آن دو زاید بر پنج قرن می‌باشد!

(۲۳۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سپس نتیجه می‌گیرد که تاریخ میلادی معروف بر هیچ یک از دو مسیح تطبیق نمی‌کند، زیرا مسیح اول - آن که به دار آویخته نشد - زیادتر از ۲۵۰ سال بر تاریخ معروف تقدم داشته، و خودش نیز قریب ۶۰ سال زندگی کرده است، لکن مسیح دوم - آن که به دار آویخته شد - زیادتر از ۲۹۰ سال از تاریخ معروف متأخر، و خودش نیز قریب ۳۳ سال زندگی کرده است. (بهر روز "فاضل بزرگوار در کتابی که جدیداً در بشارت‌های نبویه نگاشته، این موضوع را تفصیلاً بیان داشته است.)
علامه بر این که منطبق نبودن تاریخ میلادی، بر میلاد مسیح، فی‌الجمله جای انکار نصاری نیست. (قاموس کتاب مقدس، ماده مسیح)

اضافه بر آنچه ذکر شد، موضوعات دیگری مربوط به داستان مسیح در میان هست، که آدمی را کاملاً در شک و تردید می‌اندازد: مثلاً ذکر شده که در دو قرن اول

خلاصه دعوت عیسی در انجیل موجود (۲۳۱)

میلادی، انجیل‌های فراوانی نوشته شده بود که شماره آن‌ها به یک صد و چند عدد می‌رسید، و انجیل چهارگانه معروف از آن‌ها به شمار می‌رفت، سپس کلیسا تمام آن‌ها را حرام کرد، مگر انجیل‌های چهارگانه که به واسطه موافقت داشتن متن‌هایشان با روش تعلیم کلیسا، صورت قانونی به خود گرفتند.

"شیلوس" در کتاب "خطاب حقیقی" نصاری را مورد سرزنش قرار داده و می‌گوید:

- آن‌ها با انجیل‌ها بازی کردند، آنچه امروز نوشته بودند، فردای آن روز محوش می‌کردند!

در سنه ۳۸۴ میلادی "پاپ داماسیوس" دستور داد ترجمه جدیدی از "عهد قدیم و جدید" به خط لاتین بنویسند تا در کلیساها صورت قانونی داشته باشد. (تئودوسیوس "ملک هم از خصومت‌های جدلی که بین روحانیون نصاری متداول شده بود خاطری سخت رنجیده داشت.) بالاخره ترجمه نام‌برده که موسوم به "ترجمه فولکانا" و مخصوص

(۲۳۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

انجیل‌های چهارگانه بود خاتمه یافت، در صورتی که مرتب‌کننده آن چنین اظهار داشت:

"ما پس از آن که با عده‌ای از نسخ یونانی قدیم آن را مقابله کردیم، ترتیبش دادیم:

یعنی آنچه مغایر با معنی بود تنقیحش کردیم و باقی را به حال خود وا گذاشتیم."

این ترجمه را کمیسیون "تریدنتینی" سال ۱۵۴۶ - یعنی درست پس از گذشتن یازده قرن از تاریخ ترجمه - تثبیت کرد. سپس "سیستوس پنجم" سال ۱۵۹۰ آن را تخطئه کرده، و دستور داد نسخه‌های جدیدی طبع کنند، پس از او "کلیمنضوس هشتم" نسخه دومی را تخطئه نموده و خود فرمان داد تا آن را پس از تنقیح مجدداً طبع نمایند. انجیل‌های چهارگانه‌ای که

اکنون نزد کاتولیک‌ها متداول می‌باشد، همان است. (تفسیر الجواهر - جزء دوم ص ۱۲۱)

انجیل‌های متروک و مغضوب

انجیل‌های متروک و مغضوب (۲۳۳)

(انجیل بارنابا)

از انجیل‌های متروک یا به عبارت دیگر مغضوب کلیسا، یکی "انجیل بارنابا" است، که یک نسخه از آن چند سال قبل پیدا شد، و به عربی و فارسی آن را ترجمه کردند. این انجیل تمام قسمت‌های داستان مسیح عیسی بن مریم علیه‌السلام را عیناً مطابق آنچه قرآن شریف در این زمینه بیان داشته، معرفی کرده است.

چند سال قبل این انجیل به خط ایتالیائی به دست آمد و دکتر خلیل سعادت در مصر آن را به عربی ترجمه کرد، سپس دانشمند محترم "سردار کابلی" آن را به فارسی برگردانید.

(نسخه انگلیسی این انجیل که جزو انتشارات دانشگاه اکسفورد بوده اخیراً در ایران تکثیر گردیده و در دسترس عموم قرار گرفته است. دانشمند محترم جناب حجت الاسلام سید هادی

(۲۳۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خسروشاهی نیز زمانی که در وین بوده، چند برگ از نسخه موجود در موزه وین را عکس‌برداری کرده و ضمیمه این مجلد نموده است. امین) (۱)

تورات و انجیل در عصر نزول قرآن

«... وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلِ هُدًى لِلنَّاسِ...» (۳ و ۴ / آل عمران)

در مباحث بخش‌های قبل، این مطلب را بررسی کردیم که آیا قرآن مجید یهود و
۱- المیزان، ج ۶، ص ۱۹۹.

تورات و انجیل در عصر نزول قرآن (۲۳۵)

نصاری را موحد می‌داند یا کافر، و یا اگر موحد می‌داند کفر آن‌ها را از چه نوع کفر حساب می‌کند؟

اینک این مطلب را بررسی می‌کنیم که آیا قرآن شریف، تورات و انجیلی را که در زمان ظهور اسلام موجود بوده، کتاب آسمانی می‌داند یا نه؟

خدای متعال در سوره مائده ابتدا از فرستادن تورات و بعد از آن از فرستادن انجیل سخن به میان می‌آورد و بعد از آن می‌فرماید:

«ما به سوی تو قرآن را به حق فرستادیم که تصدیق کند - «لَمَّا بَيَّنَّ يَدَيِّهِ مِنَ الْكِتَابِ» یعنی تورات و انجیل را...» (۴۸ / مائده)

از این آیات که تورات و انجیل را مورد تصدیق قرار داده‌اند، می‌توان استفاده کرد که تورات و انجیلی که فعلاً میان یهود و مسیحیان متداول است، متضمن وحی‌های الهی

(۲۳۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

هستند، و از آن‌چه خدای تعالی به دو پیغمبر عالی قدرش، موسی، و عیسی، علیه‌السلام فرستاده، در آن‌ها یافت می‌شود، اگر چه پاره‌ای دست‌خوش سقط و تحریف واقع شده است.

زیراتورات و انجیل‌های چهارگانه که فعلاً در بین آنان شهرت دارد. همان است که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله در بین شان معروف بوده، ولی چون در قرآن شریف، تحریف و اسقاط از آن دو صریحاً تذکر داده شده، معلوم می‌شود که - متضمن بودن آن دو کتاب به وحی الهی - شامل تمام مندرجات آن دو نیست، بلکه فی الجمله ثابت است.

قرآن مجید می‌فرماید:

«کلمات تورات را تحریف نمودند...» (۱۳ / مائده)

«از کسانی که خود را نصاری شمردند، هم‌چنان پیمان گرفتیم، لکن پیمان شکنی کردند، و تورات و انجیل در عصر نزول قرآن (۲۳۷)

از آن‌چه به آنان پند داده شده بود نصیب بزرگی را از دست دادند!» (۱۴ / مائده)

"تورات" کلمه عبری است که معنی شریعت دارد. "انجیل" کلمه یونانی است یا ریشه فارسی دارد، که به معنای مژده می‌باشد.

قرآن شریف در سراسر بیاناتش هر جا که کتاب عیسی بن مریم علیه السلام را نام برده، با لفظ "انجیل" یعنی به صیغه مفرد تذکر داده است، و آن را هم نازل شده از جانب خدا می‌داند.

این دو صفت می‌رساند که انجیل کثیری که در بین نصاری متداول بوده - حتی معروف‌ترین آن‌ها یعنی انجیل اربعه که تألیف آن‌ها را به "لوقا، مرقس، متی و یوحنا" نسبت می‌دهند - هیچ یک از آن‌ها انجیل واقعی نیست، بلکه در آن اسقاط و تحریفی روی داده است. (۱)

(۲۳۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

چرا تورات و انجیل اجرا نمی‌شود؟

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرِيَةَ وَالْإِنْجِيلَ...» (۶۸ / مائده)

قرآن مجید نکته ضعف واقعی حاملین تورات و انجیل را در آیات فوق روشن ساخته و می‌فرماید:

«بگو ای اهل کتاب!

۱- المیزان، ج ۵، ص ۱۲.

چرا تورات و انجیل اجرا نمی‌شود؟ (۲۳۹)

- شما بر دین و مسلکی که قابل اعتنا باشد، نیستید، و نخواهید بود، تا آن که تورات و انجیل را (که یکی از احکامش ایمان به محمد صلی الله علیه و آله است)، و آن‌چه را که از طرف پروردگارتان به سوی شما نازل شده، اقامه کنید!

آنان علاوه بر این که اقامه نمی‌کنند، همین قرآنی که به تونازل شده، هر آینه طغیان و کفر بسیاری از آنان را زیاده‌تر می‌کند،

پس بر قومی که کفر ورزیدند، متأسف مباش!

این کنایه‌ای است از این که اهل کتاب جای پای محکمی ندارند، که بتوانند بر آن تکیه کرده، و تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی را به پا داشته، و از انقراض آن‌ها جلوگیری به عمل آورند.

این اشاره است به این که دین خداوند و فرامین او بار بس سنگینی است که آدمی به

(۲۴۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خودی خود از اقامه آن عاجز است، مگر این که بر اساس و پایه ثابتی تکیه داشته باشد، وگرنه کسی از روی هوی و هوس نفسانی نمی‌تواند دین خدا را اقامه کند!

در آیات قبلی به یهود و نصاری اعلام خطر شده است، که به زودی دچار مصیبت عداوت و بغضاء بین خودشان می‌شوند، و در این آیه به آنان خبر می‌دهد که نخواهند توانست تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی‌شان را اقامه و احیاء کنند.

اتفاقاً تاریخ هم این مطلب را تصدیق کرده و نشان داده که این دو ملت همواره به جرم بریدن رشته ارتباط از خدا دچار تشتت مذاهب و دشمنی و بغضاء بین خودشان بوده‌اند.

آیات دیگری از قرآن مجید مسلمانان را هم زنه‌ار می‌دهد از این که مبدا روش اهل کتاب را اتخاذ کنند و از خدای تعالی بریده و بازگشت به سویس

چرا تورات و انجیل اجرا نمی‌شود؟ (۲۴۱)

را فراموش کنند!

آیات ادامه می‌دهد که اسم و لقب هیچ اثری در سعادت آدمی ندارد. این که عده‌ای خود را به نام مؤمنین و جمعی به نام یهودی و طائفه‌ای به نام صابئین و فرقه‌ای به نام مسیحی نام‌گذاری کرده‌اند، از این نام‌گذاری‌ها چیزی از سعادت عایدشان نمی‌شود، زیرا اگر اثری داشت جلو این‌ها را از پیغمبر کشی و هم‌چنین از تکذیب پیغمبران، می‌گرفت، و از هلاکتشان به وسیله فتنه‌های هلاک‌کننده و گناهان بزرگ می‌رهانید. (۱)

۱- المیزان، ج ۱۱، ص ۱۰۹.

(۲۴۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

فصل هفتم: معجزات عیسی علیه‌السلام

معجزات عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن

«... أَنى قَدْ جِئْتَكُمْ بِآیَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنى أَخْلَقْتُ لَكُمْ...» (۴۹ / آل عمران)

قرآن مجید در مواردی معجزات و نشانه‌های نبوت را که به حضرت عیسی علیه‌السلام از طرف خداوند متعال اعطا شده بود، و به اذن الهی آن‌ها را برای مردم

(۲۴۳)

ظاهر می‌ساخت، نقل فرموده است. در آیات فوق می‌فرماید:

«من از جانب پروردگارتان نشانه‌هایی آورده‌ام،

از گِل مجسمه مرغی می‌سازم و بر آن می‌دمم،

پس به امر خدا مرغی می‌گردد،

کور مادرزاد، و مبتلای به برص را شفا می‌دهم،

و مردگان را به اذن الهی زنده می‌کنم،

و به شما از غیب خبر می‌دهم که چه می‌خورید،

و چه ذخیره می‌کنید،

این معجزات برای شما نشانه حقانیت من است، اگر اهل ایمان باشید!» از آیه فوق فهمیده می‌شود که:

(۲۴۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- اولاً، آن حضرت این معجزات را مکرر عملی ساخته است.

- ثانیاً، صدور این معجزات به واسطه "اذن" خداوند متعال است،

زیرا آن حضرت با آوردن کلمه "اذن الهی" در پایان هر مورد، نشان می‌دهد که خودش در صدور آن‌ها استقلال نداشته است، و

آن کلمه را تکرار نموده تا موضوعاتی را که بعدها ممکن است مورد گمراهی عده‌ای شود - و مقام الوهیت را برای

حضرتش قائل شوند به طور کامل از خود نفی کرده است.

- ثالثاً، از ظاهر آیات شریفه استفاده می‌شود که معجزات نام‌برده از آن حضرت صدور خارجی داشته نه این که صرفاً قولی

باشد که برای تحدی و اتمام حجت بر مخالفان ذکر کرده باشد.

- رابعاً، خبر دادن آن حضرت از غیب که مردم چه می‌خورند و چه ذخیره می‌کنند،

معجزات عیسی علیه‌السلام به نقل قرآن (۲۴۵)

معجزه‌ای از اخبار غیبی است که مخصوص خدای متعال می‌باشد، و جز خدا و رسولی که خداوند او را مخصوص به وحی کرده

باشد، کسی دیگر بر آن توانائی ندارد، و اتفاقاً از معجزاتی است که هیچ‌گونه شک و تردیدی به آن راه ندارد، زیرا انسان عادتاً در

آن‌چه خورده یا در خانه ذخیره کرده است، شک نمی‌کند. ناگفته نماند که معجزات اولی را همه به اذن خدا مقید فرموده ولی این

معجزه را به عنوان "انباء" یعنی خبر دادن، قید کرده است، زیرا این کلامی است که قیام به عیسی علیه‌السلام داشته و لیاقت آن که

به ساحت قدسی الهی مستند باشد، ندارد.

در خاتمه می‌فرماید:

- اگر در ادعای ایمانتان صادقید، این معجزات نشانه حقانیت من است! (۱)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۲۱.

(۲۴۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

سخن گفتن عیسی در گهواره

«وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ!» (۴۶ / آل عمران)

قرآن مجید یکی از معجزات تولد فرزند مریم را ضمن بشارت ملائکه به او سخن گفتن این نوزاد در گهواره را یاد می‌برد و

می‌فرماید:

«فرزند تو، در گهواره و در سن کهولت با مردم سخن گوید،

و او از جمله نیکان و صالحین جهان می‌باشد!»

سخن گفتن عیسی در گهواره (۲۴۷)

از آیاتی که در سوره مریم همین قصه را شرح کرده، نشان می‌دهد که - سخن گفتن عیسی با مردم در ساعت اولی صورت گرفته

که مریم او را در آغوش گرفته و به میان مردم آورد. قطعی است که خود سخن گفتن طفل در آن وقت از معجزات و خوارق

عادت محسوب می‌شود.

«مریم طفل خود را در آغوش گرفته و به سوی قومش روان شد،

آنان از روی سرزنش گفتند: "چیز منکری آوردی، ای خواهر هارون!

تو را نه پدری ناصالح، و نه مادری بدکاره بود!"

مریم پاسخ آنان را با اشاره حواله طفل نمود،
 آنان گفتند: "چگونه با طفل گهواره‌ای سخن گوئیم؟"
 آن طفل (به امر خدا به زبان آمد و) گفت:
 (۲۴۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
 - همانا من بنده خاص خدایم،
 که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرموده،
 و هر کجا که باشم مرا مبارک قرار داده است! (۱)

انواع نعمت‌ها و معجزات اعطائی به عیسی علیه‌السلام

«أَذْ قَالَ اللَّهُ يَعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَذْ كُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلَى وَلَدَتِكَ...»
 (۱۱۰ / مائده)

۱- المیزان، ج ۶، ص ۲۱.

انواع نعمت‌ها و معجزات اعطائی به عیسی علیه‌السلام (۲۴۹)

این آیه معجزات باهره‌ای را که به دست عیسی بن مریم علیه‌السلام ظاهر شده، می‌شمارد، الا- این که علاوه بر شمردن معجزات، بر او و مادرش منت می‌گذارد:

«به یاد آر روزی را که خداوند به عیسی بن مریم می‌گوید:
 - یاد کن نعمتی را که بر تو و مادرت ارزانی داشتم،
 زمانی که من تو را به روح القدس تأیید کردم،
 و توانستی در عهد گهوارگی و بزرگی با مردم تکلم کنی،
 و زمانی که کتاب و حکمت تعلیمت کردم،
 و تورات و انجیلت آموختم،

زمانی که مجسمه‌ای از گل به صورت مرغی می‌ساختی،
 و در آن می‌دمیدی و به اذن من پرند می‌شد و به پرواز درمی‌آمد،

(۲۵۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

و کور مادرزاد و بیمار برصی را به اذن من شفا می‌دادی،
 و مردگان را به اذن من زنده و از گور بیرون می‌کردی!
 به یاد آر روزگاری را که من تو را از شر بنی اسرائیل حفظ کردم،
 همان بنی اسرائیلی که وقتی به ایشان معجزه و بینات می‌آوردی،
 کفارشان می‌گفتند: این نیست مگر سحری آشکار!

و به یاد آر روزی را که بر دل حواریون الهام کردم،

که به من و رسولم عیسی بن مریم ایمان بیاورید،

گفتند: ایمان آوردیم، و شاهد باش که ما مسلمانیم!»

تأمل در این آیات نشان می‌دهد که معجزات نام‌برده که بر حسب ظاهر مختص به حضرت مسیح علیه‌السلام است، در حقیقت

نعمت هائی است که خداوند بر او و مادرش هر دو

انواع نعمت‌ها و معجزات اعطائی به عیسی علیه‌السلام (۲۵۱)

ارزانی داشته است. یعنی معجزه‌ها و موهبت هائی که از مختصات مسیح است، از قبیل ولادت بدون پدر، تأیید به روح القدس، آفریدن مرغ، شفای کور مادرزاد و پیسی، زنده کردن مردگان به اذن خدا، همگی برای مریم نیز کرامت و نعمت است. پس مسیح و مریم هر دو متنعم به این نعمت‌های الهی هستند!

قرآن کریم می‌فرماید:

«ما مریم و فرزندش را معجزه‌ای برای عالمیان قرار دادیم!»

همین تأیید به روح القدس بوده که مسیح را برای تکلم با مردم در گهواره آماده ساخته است، نه این که صحبت کردن او در گهواره کرامت دیگری باشد. علاوه بر این که اگر مراد از تأیید مسئله وحی و وساطت ملائکه (روح) بود، اختصاص به مسیح نداشت، زیرا سایر انبیاء هم این معجزه را داشتند. ضمناً کتاب و حکمت و تورات و انجیل

(۲۵۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

یک‌باره و بدون تدریج به آن حضرت القا شده و او همه آن‌ها را به یک امر الهی واحد تلقی نموده است!

و در عین حال خلقت طیر و شفا دادن کور مادرزاد و جذامی همه دنبال هم و بدون فاصله شدن زمان بوده است. هم‌چنین آیه نشان می‌دهد که مردگانی را که مسیح علیه‌السلام زنده کرده، مردگان مدفون بوده‌اند، و آن جناب افاضه حیات به آنان کرده، و برای از سرگرفتن زندگی در دنیا از قبرها بیرون آورده است. و این مرده زنده کردن مکرر اتفاق افتاده است. (۱)

نزول مائده آسمانی

۱- المیزان، ج ۱۲، ص ۴۸.

نزول مائده آسمانی (۲۵۳)

«اذ قال الحواریون... هل یستطیع ربک ان ینزل عَلَینَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ...»
(۱۱۲ / مائده)

این آیات ماجرای نزول مائده آسمانی بر مسیح و یارانش را یادآوری می‌کند، و می‌فرماید:
«به یاد آر زمانی را که حواریون عیسی به او گفتند:

- ای عیسی بن مریم!

آیا پروردگار تو توانائی آن را دارد که مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟
عیسی گفت:

(۲۵۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

- پرهیزید از خدا اگر مؤمن هستید!
گفتند:

- می‌خواهیم از آن مائده بخوریم تا قلبهایمان مطمئن شود،
و بدانیم که تو ما را در ایمانمان تصدیق کرده‌ای،
و بر آن ما از گواهان باشیم!
عیسی بن مریم عرض کرد:

- بار الها! ای پروردگار ما! نازل فرما بر ما مائده‌ای از آسمان تا برای ما و پیروان کنونی و آینده ما عید و معجزه‌ای از ناحیه تو باشد!

پروردگارا! روزی مان کن! که تو بهترین روزی رسانی!

خدای متعال فرمود:

نزول مائده آسمانی (۲۵۵)

- من به زودی آن مائده‌ای را که خواستی نازل خواهم کرد،

ولی اگر بعد از آن باز هم کسی کفر بورزد، باید بداند که من او را عذابی می‌کنم که احدی از عالمیان را دچار چنین عذابی نکرده‌ام!

این آیات تصریح ندارد که چنین مائده‌ای نازل شده است، ولی از وعده‌ای که به طور قطع و بدون قید در آخر آیات داده شده که "من آن را برای شما نازل می‌کنم" ... معلوم می‌شود که چنین مائده‌ای نازل شده است. در روایات اسلامی آمده که نوع این مائده آسمانی، نان و ماهی، یا نان و گوشت بوده است.

داستان نان و ماهی مسیح در انجیل یوحنا

(۲۵۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

در کتب مسیحیان داستان مائده ذکر نشده است. البته این موضوع قابل اعتنا نیست، زیرا کسی که از تاریخ اطلاع داشته باشد، و از مسئله گسترش مسیحیت و ظهور انجیل‌ها باخبر باشد، می‌داند که اخبار و کتب مسیحی قابل اعتنا نیستند، زیرا نه کتاب‌های مقدس مسیحیان به طور تواتر به زمان مسیح مستند می‌شود، و نه این مسیحیت فعلی به زمان آن جناب متصل می‌گردد! البته در بعضی از انجیل‌ها این مطلب دیده می‌شود که مسیح علیه‌السلام شاگردان خود و جماعتی از مردم را به "نان و ماهی" مختصری به طور اعجاز اطعام کرده است، لکن این داستان با تاریخی که قرآن راجع به مائده بیان می‌کند، در هیچ یک از خصوصیاتش تطبیق نمی‌کند!

داستان نان و ماهی مسیح در انجیل یوحنا (۲۵۷)

در انجیل یوحنا، اصحاب ششم، داستان نان و ماهی را چنین ذکر می‌کند:

۱- بعد از آن مسیح گذشت به پل دریای جلیل (و آن دریای طبریه است).

۲- جمع کثیری هم به دنبالش رفتند. چون معجزاتی را که در خصوص بیماران انجام می‌داد، از او دیده بودند.

۳- مسح بر فراز کوهی شد، و با شاگردانش در آن جا نشست.

۴- و این داستان در ایامی بود که عید فصح یهود (روزی که یهود از مصر بیرون شدند)، نزدیک بود،

۵- مسیح چشم انداخت و دید که جمع کثیری به سویش می‌آیند، رو به فیلیس کرد و گفت، از کجا نانی تهیه کنیم که این جمعیت بخورند....

۶- یکی از شاگردانش که همان اندراوس برادر سمعان پطرس بود، گفت:

(۲۵۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

۷- در این جا جوانی است که همراهش پنج گرده نان جو و دو عدد ماهی هست، و لکن این غذای مختصر کفاف این جمعیت را نمی‌دهد.

۸- مسیح گفت: بگوئید مردم تکیه کنند... مردم که عده‌شان به پنج هزار نفر بالغ می‌شد، همه تکیه دادند.

۹- مسیح نان‌ها را گرفته و شکر گذاشت و آن‌گاه آن‌ها را در بین شاگردان خود تقسیم نمود و شاگردان این نان‌ها را به مردمی که تکیه داده بودند، و هم چنین دو عدد ماهی را تقسیم کردند و هر کس هر چه خواست دادند.

۱۰- پس از آن که همه سیر شدند مسیح به شاگردانش گفت: پاره نان‌ها را جمع کنید تا چیزی از آن ضایع نشود.

۱۱- پس آن‌ها را جمع کرده و دوازده زنبیل را از آن پاره‌هائی که از پنج گرده نان

داستان نان و ماهی مسیح در انجیل یوحنا (۲۵۹)

زیادی آمده بود، پر کردند.

۱۲- وقتی مردم این معجزه را از مسیح دیدند گفتند: این مرد در حقیقت همان پیغمبری است که بنا بود به عالم بیاید،

۱۳- و امام مسیح چون دانست که آن‌ها بنا دارند بیایند و او را ببرند و بر خود به پادشاهی منصوب کنند، از آنجا هم برگشته و به تنهائی بر فراز کوه شد.

این بود داستان "نان و ماهی" که در انجیل یوحنا آن را نقل کرده است.

همین طور که ملاحظه می‌کنید با داستان مائده قرآن مطابقتی ندارد.

تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی

(۲۶۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

نحوه سؤال کردن حواریون عیسی از آن حضرت با عبارت:

«آیا پروردگار تو توانائی آن را دارد که مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟» سؤالی است خالی از ادب، ادبی که رعایتش

در حق خدای تعالی واجب است! قسمت آخر آیه نیز تهدید بسیار بی‌سابقه‌ای است که خدای تعالی فرموده:

- کسی که بعد از مشاهده این آیات و معجزات کفر بورزد،

چنان او را عذابی خواهم کرد که احدی از عالمیان را چنین عذاب نکرده‌ام!

آیا حواریون به چه جرمی مستحق کیفری شدند؟

در حالی که امت‌های پیشین نیز از انبیاء خود چنین معجزات و درخواست‌هائی کرده بودند - قوم نوح و خود و صالح و شعیب و

موسی - و گاهی یهود معاصر پیامبر اسلام رفتار بسیار اهانت‌آمیز داشتند و به مقام پروردگار توهین

تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی (۲۶۱)

می‌کردند. و پیغمبر خدا را به مسخره می‌گرفتند، لذا سؤال‌های بی‌جا و خارج از ادب باعث چنین تهدیدی نمی‌شود!

وقتی آن‌ها تهدید شدند که «بعد از مشاهده این آیات اگر کفر بورزند، چنان عذاب خواهند شد»، این کفر هر چند طغیان بزرگی

است، ولی این اختصاص به حواریون نداشته است، و حتی کسانی بودند که بعد از رسیدن به مقام قرب حق و مشاهده

آیات الهی مرتد شدند، ولی مستحق چنین تهدیدی نشدند!

وجه تمایز این سؤال چیست؟

این قضیه از جهت سؤالی که در صدر آیه است به معنای مخصوصی از سایر معجزات انبیاء که در قبال درخواست‌های امت‌های

خود و یا در ضرورت‌های دیگر، اقامه کرده‌اند، متمایز می‌شود:

(۲۶۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

توضیح این که: معجزاتی که کلام الله مجید نقل کرده چند قسم است -

۱- معجزاتی که پروردگار در همان اوایل بعثت پیامبران به آنان داده تا آنها را تأیید کند و نشانه رسالتشان باشد، مانند:

- معجزه ید بیضاء و یا عصای موسی علیه‌السلام

- زنده کردن مردگان و خلق کردن پرندگان و شفای کور مادرزاد و پیسی به وسیله عیسی علیه‌السلام
- و یا معجزه خود قرآن مجید که به رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شده است.

۲- معجزاتی که کفار پیامبران خود را به ارائه آن تکلیف کرده‌اند، مانند:

- ناقه صالح! که در قبال ادامه کفر آنها بعد از نزول معجزه خداوند آنها را به عذاب‌های مخوفی دچار کرده است.

تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی (۲۶۳)

- یا عذاب‌های هفت گانه قوم فرعون مانند: ملخ و سن و قورباغه و غیر این‌ها،

- یا طوفان نوح، زلزله ثمود، باد صرصر عاد، و امثال آن،

۳- معجزاتی که خداوند سبحان در مواقع لزوم ارائه کرده است، مانند:

- شکافته شدن چشمه از دل سنگ، نزول من وسلوی بر بنی اسرائیل در بیابان، از جا کندن کوه طور و نگاه داشتن آن بالای سر بنی اسرائیل، شکافتن دریا به وسیله موسی علیه‌السلام .

- وعده فتح مکه و خذلان مشرکین قریش، و غلبه روم، و امثال آن در عصر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

حال مقایسه کنیم که سؤال و درخواست حواریون چرا این قدر شنیع بوده است!؟

- اصولاً معجزه برای ظهور حق و اتمام حجت است، و نه چیز دیگر، و برای این امر

(۲۶۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

یک معجزه کافی است، و سؤال از تکرار آن جزبازیچه گرفتن آیات خدا و لعب با مقام ربوبی و تردید بی‌جا، هیچ معنایی دیگر ندارد! و این خود بزرگ‌ترین طغیان و استکبار است!

- و اگر این عمل از مؤمنین سر بزند گناه و زشتی آن نمودارتر است، خصوصاً مؤمنینی که معجزات الهی را با چشم خود دیده‌اند و بعد ایمان آورده‌اند!

- این حواریون که چنین سؤال و اشتباهی را مرتکب شدند، خود از اصحاب و از خاصان مسیح علیه‌السلام بودند، و تمامی معجزات

آن حضرت را دیده بودند، و بالاتر از همه خود مسیح و مادرش را که بالاترین معجزه بودند، دیده بودند - تولد بدون پدر، تکلم

در گهواره، تأیید به روح القدس، و کرامت‌ها و معجزه‌های روزانه او - با این حال درخواست کردن حواریون برای معجزه‌ای به

سلیقه خودشان، یعنی مائده، بعد از

تحلیل دعای عیسی برای نزول مائده آسمانی (۲۶۵)

مشاهده آن همه معجزه از طرف خدا، عمل بسیار زشتی بود، به طوری که بلافاصله مسیح علیه‌السلام آنها را از خشم الهی متنبه

می‌سازد، و می‌فرماید:

«اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ!» «بترسید از خدا اگر مؤمن هستید!» (۵۷ / مائده)

چگونه حواریون درخواست خود را اصلاح کردند؟

زنده بودن درخواست حواریون چنان مشخص بود که خود آنان نیز، پس از شنیدن جواب عیسی علیه‌السلام شروع به توجیه خواسته

خود کردند، و گفتند: غرض ما از این درخواست تنها خوردن و تفنن کردن به امور خارق‌العاده و بازیچه گرفتن آیات

الهی نیست، بلکه هدف ما تکمیل علم خود و ازاله خاطرات سوء از دل‌هایمان

(۲۶۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

و گواه بودنمان بر آن معجزه بوده است.

در هر صورت، از درخواست خود برای خوردن از مائده آسمانی صرف نظر نکردند، و در اثر پافشاری آن‌ها حضرت عیسی علیه‌السلام از پروردگار خود خواهش کرد که آن‌ها را به مائده‌ای که خواسته‌اند، اکرام نماید.

چون این معجزه در نوع خود منحصر است به امت عیسی علیه‌السلام و برخلاف سایر معجزات که در حال ضرورت انجام می‌شده، بدون هیچ ضرورت، و تنها به خاطر اقتراح در یک امر غیر لازم، انجام یافته است، از همین جهت عیسی علیه‌السلام به درخواست خود عنوانی داد که صلاحیت داشته باشد، و سؤال خود را از ساحت عظمت و کبریائی خداوند به آن عنوان توجیه نماید، لذا عرض کرد:

«بارالها! نازل کن بر ما خوانی از آسمان،

چگونه حواریون درخواست خود را اصلاح کردند؟ (۲۶۷)

تا برای همه ما، از اولین و آخرین، عیدی باشد!»

پروردگار مسیح دعای او را مستجاب کرد، الا این که شرط کرد که هر کس نسبت به این معجزه کفر بورزد، عذاب آن کس هم بی‌سابقه و هم عذابی خواهد بود که کسی تاکنون به آن معذب نشده است! (۱)

درخواست مائده، و ادب دعای عیسی علیه‌السلام

قرآن مجید از تاریخ حیات حضرت عیسی علیه‌السلام زمانی را برای ما نقل می‌کند که برای

۱- المیزان، ج ۱۲، ص ۵۴.

(۲۶۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

نزول مائده آسمانی به درگاه الهی دعا می‌کند. عیسی علیه‌السلام با ادب خاصی درخواست بی‌جای شاگردان خود را در برابر ساحت پروردگار خود چنین توجیه می‌کند:

«بارالها! پروردگارا!

نازل فرما بر ما، مائده‌ای از آسمان،

تا برای ما، و پیروان کنونی و آینده ما عید باشد،

و از ناحیه تو نیز یک معجزه باشد،

پروردگارا!

روزی مان کن! که تو بهترین روزی دهندگانی!» (۱۱۴ / مائده)

از سیاق داستان درخواست حواریون مسیح از آن جناب، در قرآن کریم چنین استفاده می‌شود، که درخواست نزول مائده از

سؤالات شاق بر آن جناب

درخواست مائده، و ادب دعای عیسی علیه‌السلام (۲۶۹)

بوده است، زیرا گفتاری که از آنان حکایت کرده که گفتند:

«ای عیسی!

آیا پروردگار تو توانائی آن را دارد که مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟!»

این درخواست به ظاهرش مشتمل بوده بر پرسش از قدرت خدای سبحان، و این پرسش با ادب عبودیت نمی‌سازد، اگر چه مقصود در واقع پرسش از مصلحت بوده و نه از اصل قدرت، لکن رکاکت تعبیر در جای خود محفوظ است! این سؤال از لحاظ دیگر درخواست معجزه‌ای دیگر بوده است، و این نیز بی ادبی آنان را می‌رساند زیرا معجزات باهره عیسی مسیح علیه‌السلام از هر جهت بر آنان احاطه داشت. و با آن همه معجزات که قبلاً دیده بودند، نیاز به این معجزه دلبخواهی نبود!

عیسی علیه‌السلام خودش، و وجودش بدون پدر، تکلمش در گهواره، زنده کردن مرده،

(۲۷۰) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی
خلق مرغ، شفای اکمه و ابرص، خیردادن از غیب، علم به تورات و انجیل و حکمت، همه و همه معجزه بود، و برای کسی جای شکی باقی نمی‌گذاشت. پس این که حواریون با چنین معجزاتی از مسیح درخواست معجزه‌ای مخصوص به خود کردند. بی‌شبهت به بازیچه گرفتن آیات خدا و بازی گرفتن خود آن جناب نیست! از همین جهت مسیح با عبارت "تقوا پیشه کنید، و از خدا بترسید، اگر مؤمن هستید!" آنان را توبیخ کرد.

لکن از آن جایی که حواریون درباره تقاضای خود پافشاری کردند و آن را با عنوان اطمینان قلب و شهادت و صداقت توجیه کردند، و بالاخره او را مجبور به چنین درخواستی از خدای متعال نمودند.

ناگزیر آن حضرت با ادبی که خدای سبحان به او ارزانی داشته بود، سؤال آنان را به نحوی که بتوان به درگاه عزت و کبریائی خدا برد، اصلاح کرد.

درخواست مائده، و ادب دعای عیسی علیه‌السلام (۲۷۱)

- اول، این که آن را عنوان "عیدی" داد که اختصاص به امت او و خود او باشد،

- دوم، این که توجیحات حواریون را با عبارت "آیتی از جانب تو" خلاصه کرد.

- سوم، غرض خوردن را که آن‌ها مقدم بر همه اغراض ذکر کرده بودند، او در آخر آورد و هم این که لباسی بر آن پوشانید که با ادب حضور موافق‌تر بود، و آن این که عرض کرد: «وَأَرْزُقْنَا» و ذیل آن گفت:

«وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ!» (۱۱۴ / مائده)

- چهارم، ادب دیگری که به کلام خود داد این بود که دعای خود را با کلمه "رب" و "ربنا" آغاز کرد، و این زیادتى ندا در دعای مسیح علیه‌السلام برای رعایت ادب نسبت به موقف دشوارتر خود بود. (۱)

۱- المیزان، ج ۱۲، ص ۱۶۱.

(۲۷۲) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

خصوصیات دعای نزول مائده

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ...»

(۱۱۴ / مائده)

عیسی علیه‌السلام در مقابل تقاضای حواریون برای نزول مائده آسمانی دست به دعا برداشت، و از خداوند متعال درخواست مائده کرد.

با توجه به کیفیت خاص این دعا و موقعیتی بسیار خطیری که در قبال اصرار

خصوصیات دعای نزول مائده (۲۷۳)

حواریون در درخواست این معجزه پیش آمده بود، مسیح علیه‌السلام با ادب خاصی که نشانه پیامبران بزرگوار الهی است،

درخواست آن‌ها را به درگاه خداوند چنین بیان کرد:

«بارالها! پروردگارا!

نازل فرما بر ما مائده‌ای از آسمان،

تا برای ما،

و پیروان ما از نسل حاضر و از نسل‌های آینده،

عیدی باشد، و آیتی از جانب تو!

پروردگارا! روزی‌مان کن!

که تو بهترین روزی‌دهندگان!

در مطالب قبلی گفتیم که حواریون عیسی گفتند که آیا خدای تو می‌تواند برای ما

(۲۷۴) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

مائده‌ای از آسمان نازل کند، و این درخواست آنان پس از سال‌ها مشاهده معجزات الهی به دست عیسی دارای چندان قباحتی بود

که عیسی علیه‌السلام آن‌ها را به ترس و پرهیزکاری از خدا دعوت کرد. ولی در قبال اصرار آن‌ها و عذرخواهی‌شان - که این

مائده را به خاطر "خوردن" آن و اطمینان قلبشان و تصدیق ایمان و گواهی‌شان، می‌خواهند - حضرت مسیح دست به دعا

برداشت و خدای خود را چنین ندا کرد: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا»

در این جا شش خصوصیت عمده این دعا را ذکر می‌کنیم:

۱- این دعا در میان همه دعاها و تقاضاهائی که در قرآن مجید از انبیاء علیه‌السلام حکایت شده است، دارای خصوصیتی

است که در هیچ یک از آن‌ها نیست، و آن افتتاح دعاست به «اللَّهُمَّ رَبَّنَا» و سایر دعاها پیامبران با عبارت

"رب" یا "ربَّنَا" شروع می‌شود، و دارای این خصوصیت نیست. آن

خصوصیات دعای نزول مائده (۲۷۵)

خصوصیت صرفا به خاطر دقت مورد است و هول مطلع!

۲- سپس مسیح علیه‌السلام عنوانی به مائده داد که صلاحیت داشته‌باشد، و غرض او و اصحابش قرار گیرد، و آن این بود که او و

امتش روز نزول مائده را "عید" بگیرند. این ابتکار کار مسیح علیه‌السلام بود، و در درخواست حواریون از مسیح چنین

عنوانی وجود نداشت.

۳- دیگر این که مسیح علیه‌السلام با این که این پیشنهاد از طرف حواریون بود، به عنوان عموم "ما" مطلب را ادا کرد، و به همین

تعبیر زیبا مطلب را از صورت درخواست معجزه با وجود معجزات بزرگ الهی در دسترس و پیش چشم همه بیرون آورد و طوری

داد کرد که مرضی رضای پروردگار و غیر منافی با مقام عظمت و کبریائی او باشد، چون عید گرفتن دارای آثار حسنه‌ای است،

مانند وحدت کلمه، و تجدید حیات

(۲۷۶) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

ملی، و مسرت دل‌های مردم، و اعلان دین در هر بار که فرا می‌رسد. این عید از مختصات قوم عیسی است، و این معجزه هم

بی سابقه و از خصایص مسیحیت است.

۴- عیسی علیه‌السلام بعد از آن که فائده اساسی نزول مائده را که همان عید بودن است ذکر نمود، دنبالش عرض کرد: می‌خواهیم

این مائده معجزه‌ای باشد، یعنی همان عید بودن روز نزول مائده را غرض اصلی خود اعلام کرد و نشان داد که غرض اصلی‌شان

معجزه نیست، زیرا سراسر زندگی آن حضرت معجزه بوده است، و اگر غرض اصلی معجزه بود نتیجه این درخواست نامطلوب

می‌شد.

۵- خوردن از مائده آسمانی را حواریون به عنوان اولین غرض خود از این درخواست اعلام کرده بودند، ولکن مسیح علیه‌السلام آن را در ضمن فواید ضمنی و در آخر از همه ذکر کرد، و جمله را با اعتراف به «خَيْرُ الرَّازِقِينَ» بودن خدا تمام کرد، و نشان داد که خداوند بدون درخواست هم روزی‌رسان است.

خصوصیات دعای نزول مائده (۲۷۷)

۶- کلمه "خوردن" را هم برداشته و به جایش کلمه "رزق" را به کار برد و بلافاصله گفت: "تو بهترین روزی دهندگانی!"

این نکات دلیل است بر این که این پیغمبر عظیم الشان خدا تا چه اندازه نسبت به پروردگار خود مؤدب بوده است، مخصوصاً وقتی کلام او را با کلام حواریون مقایسه کنیم، با این که هر دو در مقام ادای یک چیز یعنی "نزول مائده" بودند. می‌بینیم که عیسی علیه‌السلام حرف آن‌ها را گرفته و چیزی بر آن اضافه و کم کرد، و بعضی حرف‌ها را حذف یا مقدم و مؤخر نمود تا بدین وسیله کلام سراپا اشکال حواریون را به صورتی درآورد که برای عرضه به درگاه عزت و ساحت عظمت پروردگار لایق شود، و از جهت مشتمل بودن آن بر آداب عبودیت، زیباترین کلام شود، و خواننده را بیش از پیش دچار

(۲۷۸) دین مسیح و زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی

شگفتی سازد! (۱)

۱- المیزان، ج ۱۲، ص ۱۶۱.

خصوصیات دعای نزول مائده (۲۷۹)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

